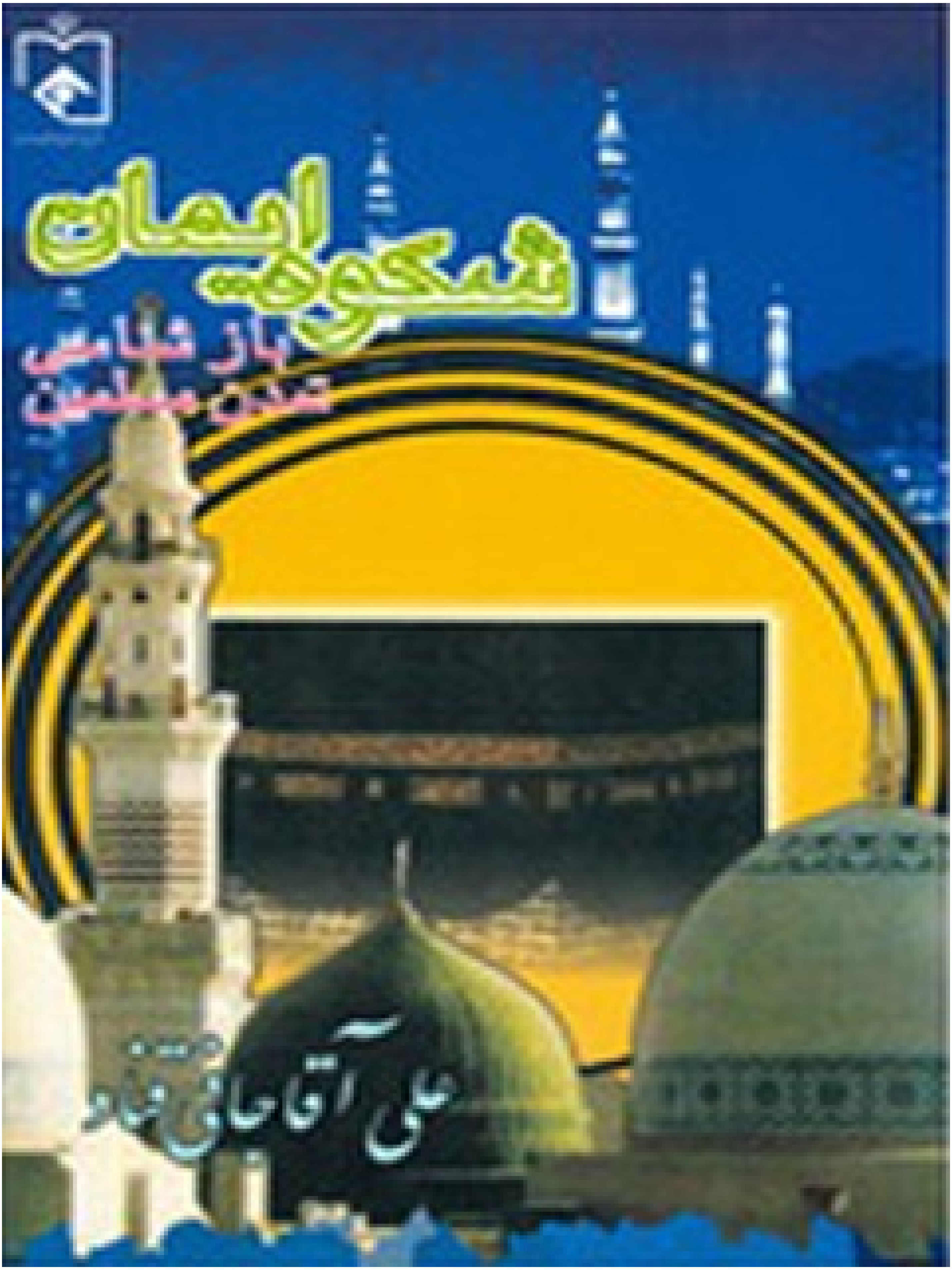

شکوه ایمان
بازشناسی تمدن مسلمین
علی آقاجانی

بسم الله الرحمن الرحیم

# شکوه ایمان: بازشناسی تمدن مسلمین


نویسنده:

علی آقاجانی قناد



ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# شکوه ایمان: بازشناسی تمدن مسلمین

## مشخصات کتاب

شکوه ایمان (بازشناسی تمدن مسلمین)

کد: ۶۵۸

نویسنده: علی آقاجانی قناد

ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: نینوا

چاپ و صحافی: چاپخانه آرمان

نوبت چاپ: اول / مهر ۱۳۸۱

شمارگان: ۱۲۰۰

بها: ۸۰۰ تومان



نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

اینترانت:http://WWW.IRC.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۰-۲۴-۷۸۰۸-۹۶۴ :ISBN: ۹۶۴-۷۸۰۸-۲۴-۰-۹۶۴

ص:۱

## اشاره

## قدردانی

قدردانی

با سپاس از همکارانی که در آفرینش این پژوهش نقش داشته اند:

ویراستار: محمدصادق دهقان

نمونه خوانی: محمدرضا پورفلاحتی و علی روحانی بیدگلی

حروف نگار: محمد میرابی، اکرم سادات بنی زهرا

صفحه آرا: اکرم سادات بنی زهرا

طراح جلد: ابوالحسن کوه کن

مسؤول تولید: هادی نعمتی

هم آهنگی چاپ: علی اکبر مینایی

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

مهر / ۱۳۸۱

## مقدمه

مقدمه

تمدن اسلامی، بیان کننده ی فرهنگ، تاریخ، سنن و باورهای دینی مسلمانان است. نقطه ی آغاز این تمدن به پیدایی اسلام باز می گردد و از آغاز تاکنون با فراز و نشیب هایی روبه رو بوده است. مایه ی شگفتی است که دین حیات بخش اسلام، انقلاب و تحول علمی و فرهنگی را از نقطه ای آغاز کرد که ساکنان آن در جاهلیت و خشونت وصف ناشدنی می زیستند. در چنین محیطی ندای «قولوا لا اله الا اللّه تفلحوا» که از حلقوم پیامبر گرامی اسلام برآمد، به نهضتی فراگیر تبدیل شد که قافله ی دل ها را به سوی وحدانیت و معرفت حقیقی کشاند و کاروان اندیشه را به اوج شکوفایی و نقش آفرینی در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی رهنمون ساخت.

این نهضت در قرن سوم و چهارم هجری در جنبه های گوناگون علمی به پیشرفت چشم گیری دست یافت و فرزانگان پرشماری در سراسر قلمرو جهان اسلام سربرآوردند. بی شک، سهم ایرانیان نیز در این میان قابل توجه بوده است. در آن دوران، مسلمانان مشعل علم و تمدن را که از مدت ها پیش در خاموشی فرو رفته بود، برافروختند و مشعل داران شایسته ی علم و تمدن شدند. مسلمانان با دریافت علوم معاصر و سازمان دهی این علوم بر اساس جهان بینی اسلامی، به اصلاح و تکمیل آن پرداختند.

در حقیقت، ظهور اسلام، ظهور جهان بینی جدید و بینش نو نسبت به هستی و قوانین حاکم بر آن بود. آموزه های اسلامی، انسان راخلیفه ی خدا بر روی زمین و جهان را مُسخّر او می داند. بنابراین، از او می خواهد برای تحکیم حاکمیت خویش بر دنیا، به شناخت قانون مندی ها و رمز و راز موجود در آفرینش، همت گمارد و عقل خویش را به عنوان بزرگ ترین ودیعه ی الهی پرورش دهد.

با این حال باید دانست حرکت تکاملی این تمدن یک نواخت نبوده و با اوج و رکودهایی روبه رو شده است.

یکی از عوامل افول فرهنگ و تمدن مسلمانان، هجوم بی امان بیگانگان به جهان اسلام بود که از یورش مغولان، آغاز شد و اکنون نیز در قالب هجوم استعمار غرب ادامه دارد. زوال اندیشه ی سیاسی مسلمانان و در نهایت، چیرگی استبداد، ضربه های شدیدی بر پیکر تمدن اسلامی وارد آورده است.

با این وصف، در پایان قرن بیستم، نسیمی وزیدن گرفت و حضرت امام خمینی رحمهم الله به عنوان احیاگر قرن، با تیزبینی و عزمی راسخ به رفع دو مانع یاد شده همت گماشت. ایشان با ید بیضا و عصای موسوی و بیان و فرقان مصطفوی مسلمانان و محرومان را نجات داد و با بازسازی اندیشه ی سیاسی اسلام و طرح اصل مترقی و اساسی ولایت فقیه، زندگی سیاسی ـ اجتماعی مردم ایران اسلامی را از سلطه ی استکبار رهانید. انقلاب اسلامی ایران، فضای مناسب سیاسی و دینی را برای نجات بشریت از قید وبندهای دنیایی و احیای تمدن اسلامی فراهم ساخت.

اینک مهم ترین رسالتی که بر دوش ماست همانا ایجاد حرکت جهادی و تحول اساسی در صحنه های علمی برای اصلاح علوم و تمدن اسلامی است. آمادگی جامعه برای پذیرش تحول و تکامل از دیگر عوامل شکوفایی است. تمدن اسلامی را آنانی به اوج رساندند که با پای بندی به اصول، در قالبی تازه، حرفی نو ارایه دادند. هم چنین در میان عوامل اوج گیری و شکوفایی تمدن اسلامی از مسایل اقتصادی نباید غافل بود. نیروی انسانی کارآمد، امکانات طبیعی، فن آوری و تکنولوژی، مجموعه عواملی است که در اوج گیری این تمدن مؤثر است.

تمدن اسلامی آن گاه اوج می گیرد که به خودباوری برسد. امام امت روح خودباوری را در کالبد جامعه ی اسلامی دمید و جامعه را با رهبری، خلاقیت، تدبیر و استعدادهای تازه و کارگشا آشنا ساخت. البته ارایه و عرضه ی درست دین و مفاهیم دینی از سوی کارشناسان مسلمان برای اوج گیری تمدن لازم است و به عنوان یکی از عوامل فرهنگی، نقشی کلیدی دارد.

جامعه ی اسلامی از برخورد اندیشه ها نمی هراسد و تنها موانع روانی، سیاسی و فرهنگی مانند: تعصب کورکورانه، روحیه ی تقلید، غرور، نبود روح نقادی و ترس از نوآوری، ممکن است به این تمدن آسیب برساند. باید دنباله روی و تقلید از غرب از کشورهای اسلامی رخت بربندد و وحدت دینی پدید آید تا بتوان با انگیزه ی نیرومند در برابر فشارهای خارجی مقابله کرد. توطئه افکنی دشمنان اسلام در ایجاد درگیری های فرقه ای و مذهبی، قومی و قبیله ای و درگیری های مرزی از آسیب هایی است که بارها و بارها مسلمانان ضربه های جبران ناپذیری را از این رهگذر محتمل شده اند. در کنار همه ی این

عوامل، موانع اقتصادی نیز می تواند جامعه ی اسلامی را به فقر و ناداری بکشاند که تنها راه مهار آن، بازنگری جدی در ساختار اقتصادی است.

پژوهش گر ارجمند آقای علی آقاجانی قناد کوشیده است شکوفایی و بالندگی تمدن اسلامی را از زوایای گوناگون به تصویر بکشد. به امید این که روح عزّت و سربلندی بیش از پیش در تمدن اسلامی بدمد و با حکومت عدالت آفرین مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف شکوفایی، نشاط و بالندگی بی چون و چرای اسلام و مسلمانان را در سراسر گیتی شاهد باشیم.

انّه ولیّ التوفیق

مدیریت پژوهشی

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

## پیش گفتار

### اشاره

پیش گفتار

چگونه بایـد زیست؟ چگونه باید بود و چگونه باید بود خویش را به اثبات رساند؟ این ها پرسـش هایی اساسـی است که ذهن نسل جوان و کاوش گر را می آزارد؛ نسلی که دل در گرو آیین و انـدیشه ی به یادگار مانـده از گذشـته ی مانـدگار خویش دارد. اندیشه ی پیشـرفت در دنیایی که غرب غیر دینی، سـر رشـته ی همه ی امور را به دست گرفته و حتی خدا را نیز از صحنه ی زنـدگی به کنـاری نهـاده است، چالشـی ژرف را فرا روی مسـلمانان پدیـد می آورد. هر مسـلمان از خود می پرسـد که: آیا پیشـرفت ضـرور است و آیـا هم گام با پیشـرفت بایـد دین و فکر دینی را کنار گـذاشت؟ چالش اساسـی در رویارویی بی امان سنت و مدرنیسم آن است که بسیاری از اندیشمندان مسلمان کوشیده اند اندیشه ی پیشرفت را به گونه ای با ایمان دینی آشتی دهند که گاهی این تلاش، به قربانی شدن ایمان دینی در پیشگاه پیشرفت انجامیده است.

از این میان، جریان اسـلام مـدار، سـنت گرا و بومی گرا برای احیای سـنت می کوشد. در مقابل، جریان روشن فکری یا سـنت روشـن گری کـه همـان جریـان غرب گرا یـا غرب زده است، بـا کهنـه و مرده پنداشـتن سـنت، بـه مـدرنیته روی می آورد و خردسالاری(۱) و انسان سالاری(۲) را بر می گزینند. جریان غرب گرای

---

۱- Rasionalism

۲- Omanism.

نوین یا به دیگر سخن، باز اندیش و عرفی گرا نیز با نفی ایدئولوژی، از علم گرایی، تجربه گرایی و سکولاریسم سخن به میان می آورد.(۱)

آن چه مسلم است این که راه اعتدال، تکیه بر سنت و فرهنگ اسلامی است. البته نه به معنای تقلید ظاهری از سنت که به معنای پایبندی به اصول و میراث تمدنی و بومی.

همه می دانیم «در آن زمان که اروپا در چنگ قرون وسطی، دست و پا می زد، تمدن اسلامی در عصر طلایی خود بود.»(۲) با این حال امروزه این طنز تلخ بر جان هر مسلمانی شرر می زند که «تیکو براهه»، هنگامی نخستین رصد خانه را در غرب بنا نهاد که واپس گرایان تاریک اندیش، واپسین رصدخانه را در جهان اسلام ویران می ساختند.

البته باید دانست برای بازگشت به دوران طلایی تمدن اسلامی نباید به نظریه پردازان تمدن غرب چشم امید بدوزیم؛ زیرا آنان راه کارهای خود را بر اساس شرایط اجتماعی جامعه خویش و بی توجه به بافت اجتماعی جامعه های توسعه نیافته یا در حال توسعه، پیشنهاد می کنند. پی آمد چنین درمانی نیز آن است که امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه با همان مشکلات پنجاه

---

۱- چالش های کنونی ایران، عماد افروغ، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، چ ۱، ص۱۰۶.

۲- فرصت را دریابیم ریچارد نیکسون، برگردان: حسین وفسی نژاد، تهران، طرح نو،۱۳۷۱، چ۱، ص ۲۴۲.

سال پیش خود دست به گریبان اند. هم چنین در برخی از آن ها، اجرای نظریه های توسعه به دلیل تعارض با شرایط آن جامعه، به بحران های اجتماعی و سیاسی انجامیده است. افزون بر آن کشورهای توسعه یافته و صنعتی نیز خود به دامن مشکلات جدیدی فرو افتاده اند.(۱)

گفتنی است غرب به یک سرزمین خلاصه نمی شود، بلکه همانند واحد مرکب، جلوه گوناگونی از یک مجموعه فرهنگی و پدیده ی تمدنی و سحابی است که مرکز آن، همه جا و محیطش هیچ جا است. «امروزه غرب به ماشین اجتماعی گسترده ای بدل شده است که نقطه ی ثقل آن در مغزهای ماست.»(۲) اینک غرب در آغاز هزاره ی سوم میلادی برای فراگیر ساختن ارزش های فرهنگی، تمدنی، اقتصادی و سیاسی خود خیزهای بلند پروازانه ای برداشته است. «جهانی سازی» یکی از طرح های غرب است که در آن، کنش گران جهانی جانشین ساختار دولت محور بین المللی می شود و الگوی سرمایه داری ــ صنعت محوری در سراسر جهان گسترش می یابد. جهانی سازی، دولت ــ ملت ها را جهانی می کند و پی گیری حقوق بشر در درون مرز کشورها و مداخله در امور داخلی آن ها را آسان تر می سازد. با گسترش این فرهنگ، ارزش های فرهنگی، گفتار علمی و مردمی، پوشش های انسانی، فیلم های

---

۱- گذر از نوگرایی، حمید مولانا، برگردان: یونس شکرخواه، تهران مرکز مطالعات و تحقیقاترسانه ها، ۱۳۷۱، چ۱، پیش گفتار.

۲- غربی سازی جهان، سرژلاتوش، برگردان: امیر رضایی، تهران نشر قصیده، ۱۳۷۲، چ ۱، صص ۸۸ و ۸۹.

تلویزیونی و سینمایی و مشکلاتی هم چون آلودگی محیط زیست و ایدز، جنبه ی جهانی به خود می گیرد. «شبکه ی جهانی اینترنت نه تنها به جهانی شدن، ابعاد جدیدی بخشیده بلکه در معنای زمان و مکان نیز تغییر به وجود آورده است.(۱)

به یقین، دیدگاه و عملکرد غرب در زمینه ی جهانی شدن، همان غربی سازی جهان است که اکنون چالش هایی هم چون: ناکامی توسعه، بحران نظم غربی در مفهوم ملیت اقتصادی، فرا فرهنگی سازی، تعارض نظام جهان گیر با نظم های قدیمی و جدید، چند جانبه گرایی، نظم نوین جهانی و تعارض تمدن ها(۲) را فراروی دارد. بنابراین، جهانی شدن، برای تمدن های دینی به ویژه اسلامی، تهدیدی اساسی به شمار می رود و در واقع «بازگشت به نوعی استعمار جدید است که از مشابه سنتی اش، ویران گرتر و پنهان تر است.»(۳) البته غرب باید بداند که هر گاه روابط خود را با شرق برپایه ی برتری جویی و سلطه گری بنا کند و هر قدر هویت های تمدنی را نادیده انگارد، بر شمار مناطق بحران خیز در جهان افزوده خواهد شد.

---

۱- نظام جهانی سازی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ، باری اکسفورد، برگردان: حمیرا مشیرزاده، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۸، چ ۱، پیش گفتار، ص ۹ _ ۱۰ با تلخیص.

۲- ر.ک: نظام جهانی سازی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ، صص ۲۴۳ _ ۲۵۸.

۳- پگاه حوزه، ش ۱۹، ص ۱۳، مقاله ی دکتر ابوابراهیم ربیع.

در این زمینه، اندیشمندان و نخبگان جهان اسلام برای رو به رو شدن با پدیده ی جهانی شدن و مدرنیسم و فرا مدرنیسم سه راه پیش رو دارند:

۱ _ نخست، تسلیم شدن و وادادگی یا همان مصرف کننده و تماشاگر بودن است.

۲ _ دومین واکنش، روی گردانی از این پدیده هاست که به شکل عزلت گرایی و گسستن از جهان و یا محال اندیشی و برهم زدن بازی نمود پیدا می کند.

۳ _ سومین راه کار، بازی گری نقادانه یا همان حضور فعال در عرصه جهانی، باز تولید اندیشه و واقع گرایی منتقدانه است. خوشبختانه تمدن اسلامی در این راه تنها نخواهد ماند زیرا در درون تمدن غرب نیز جریان پسامدرنیسم با به چالش کشاندن مدرنیته می تواند برای بازگشت انسان غربی به گرایش های معنوی، بسترسازی کند.

اینک نظریه پردازان غربی در کنار پدیده هایی هم چون نوسان های اقتصادی، نوزایی هنرها و گسترش سوسیالیسم، از تجدید حیات مذهب سخن می گویند(۱) تجدید حیات مذهب در غرب، مهر بطلانی است بر این اندیشه که دانش بشری می تواند همه ی مسایل جهان را حل کند.(۲) اگر مسلمانان با

---

۱- بر اساس آمارهای منتشر شده در سال ۱۹۸۷ م، ۹۴ درصد از آمریکاییان به خدا باور پیدا کرده بودند که این آمار نسبت به گذشته رشد چشمگیری را نشان می دهد. هم چنین بسیاری از آنان در سال های اخیربه مطالعه ی آیین های برگرفته از ادیان شرق روی آورده اند.

۲- دنیای ۲۰۰۰، جان نیتربیت و پاتریسا آبردین، برگردان: ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۱۲.

بازشناسی هویت خویش برای بازسازی تمدن اسلامی بکوشند، جریان تجدید حیات مذهب در غرب نیز بدان خواهد پیوست و می توان شاهد پویایی اندیشه های الهی و باورهای دینی در جهان بود.

## نقش ایرانیان در تمدن مسلمانان

در درون تمدن مسلمانان، حضور عنصر ایرانی کاملاً جلوه گر است، به ویژه آن جا که این عنصر با اندیشه ی شیعی گره می خورد.حضور اندیشه ی ایرانی و اندیشه ورزان ایران در گسترش و بالندگی ساختار تمدن مسلمانان چنان چشم گیر است که جدا کردن آن ها از یکدیگر، غیرممکن خواهد بود. از این رو، پافشاری های ناصواب و احساساتی بر ایران گرایی و کوچک شمردن زبان عربی یا دیگر جنبه های فرهنگ اسلامی چیزی بر فضیلت ایرانیان نمی افزاید.

برای نمونه، پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری فرهمند امام خمینی رحمه الله، برجسته ترین رویداد جهان در قرن بیستم بود که در پهنه ی جهان اسلام و قلمرو سرزمین ایران رخ داد. افزون بر آن، پیوند یافتن حق و تکلیف، حقوق فردی و اجتماعی، حقوق انسانی و الهی، ویژگی های حکمران و چگونگی حکمرانی و حضور دوباره ی معنویت در عرصه ی روابط اجتماعی از پی آمدهای مهم انقلاب اسلامی ایران است که همه ی اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان را به اندیشه واداشته است.(۱)

---

۱- چالش های کنونی ایران، صص ۱۲۶ _ ۱۲۷.

بنـابراین پرداختـن به بحث تمـدن مسـلمانان از آن رو اهمیت و ضـرورت دارد که مسأله ی امروز و فردای مـاست و مسـلمانان بدون پاسخ دادن به چالش های دنیای پیشرفته نمی توانند از پویایی تمدن خویش سخن برانند.

## نسبت تمدن اسلام و تمدن مسلمانان

بسـیاری از پژوهش گران و نویسندگانی که از تمدن اسلام و مسلمانان سخن گفته اند، بیشتر واژه ی «تمدن اسلامی» را به کار برده و از ترکیب «تمدن مسـلمانان» کمتر بهره گرفته اند. رویکرد ما در این نوشـتار آن است که واژه ی «تمدن مسلمانان» را به کار ببریم و میان تمـدن اسـلام با تمدن مسـلمانان، تفاوت هایی در نظر بگیریم. هر چند در عرف جهانی، رسم بر آن است که تمـدن هـای دینی را به نام همان دین می خواننـد، با این حال، در این جـدا انگاری، حقیقت، ضـرورت و مصـلحت هایی نهفته است.

سید حسن تقی زاده در کتاب «تاریخ علوم در اسـلام» به این موضوع، توجه نشان داده و میان «علوم اسلامی»، «علوم در اسلام» و «علوم مسـلمانان» تفاوت قایل شده است. وی اصـطلاح «علوم اسـلامی» را به علوم دینی منحصر می داند و از علوم رایج میان مسـلمانان که پدید آورندگان آن مسـلمان هسـتند، به «علوم در اسـلام» یاد می کند. هم چنین «علوم مسـلمانان» را در دو دسته زیر می آورد:

نخست علوم برگردانـده شده از زبان های یونانی، هندی، پهلوی و سـریانی است که نگارندگان اصـلی آن ها، مسـلمان نبوده، ولی شرح نویسان و برگردان کنندگان آن مسلمان بوده اند.

دوم، آثاری است که نویسندگان یا برگردان کنندگان آن مسلمان نبوده، ولی

آن را به زبان عربی یا دیگر زبان های اسلامی نوشته اند.(۱)

همه می دانیم تمدنی که امروزه آن را «تمدن اسلام» می خوانیم، تمدنی ترکیبی است. با ورود علوم یونانی، هندی، و ایرانی به دنیای اسلام، همه ی عرصه های علوم اسلامی با این علوم در هم آمیخت، به گونه ای که حتی علوم محض دینی نیز از پی آمدهای این علوم برکنار نماند. باید دانست اسلام نه تنها مسلمانان را از آموختن و بهره مندی از علوم دیگران باز نمی دارد، بلکه بدان فرا می خواند، ولی ورود این علوم چنان بود که به تعبیر برخی اندیشوران، گونه ای «تهاجم فرهنگی» را در ذهن تداعی می کرد. بد نیست بدانیم افرادی به این روند، مجال گسترش می دادند که زمام دار امت اسلامی بودند، ولی دل بستگی چندانی به اسلام نداشتند.(۲) برای مثال، اسلام نه تنها به موسیقی سفارش نمی کند، بلکه گونه ی لهوی و غنایی آن را نیز ممنوع می شمارد. با وجود این، موسیقی به طور گسترده در میان مسلمانان به ویژه در دربار خلفا رایج گردید. افزون بر آن، آیا می توان عملکرد قدرت هایی هم چون بنی امیه، بنی عباس و دیگر حکمرانان مسلمان را به تمدن اسلامی نسبت داد؟

آیا می توان ریشه ی کمبودها و نارسایی های تمدن مسلمانان را در ناکارآمدی اسلام دانست؟

---

۱- تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده، تهران، فردوس، چاپ اول جدید، ۱۳۷۹، ص۱۸.

۲- همشهری، آذر ۱۳۸۰، کتاب ضمیمه، عقل خود بنیاد دینی، محمد رضا حکیمی، ص ۴۷.

البته به طور حتم پیشرفت مسلمانان مرهون تعالیم اسلامی است و هر آن جا که حرکت مسلمین رنگ و بویی خالص اسلامی تری داشته است ارزش بیشتری را می نمایاند.

باید گفت هر گونه شکست مسلمانان در طرح ها و برنامه هایشان در دور شدن آنان از آموزه های ناب اسلامی ریشه دارد و پای بندی خالصانه ی مسلمانان به ارزش های دینی و به کار بستن درست و دقیق احکام اسلامی، همان پیشرفت های دوران طلایی تمدن اسلامی را برای آنان به ارمغان خواهد آورد.

## بخش اوّل: تعریف فرهنگی تمدن

### اشاره

بخش اوّل: تعریف فرهنگی تمدن

زیر فصل ها

# تعریف فرهنگی تمدن

## اشاره

تعریف فرهنگی تمدن

زیر فصل ها

الف _ تمدن در لغت

ب _ تمدن در اصطلاح

## الف _ تمدن در لغت

الف _ تمدن در لغت

تمدن مصدر عربی از باب تفعل و اسم مصدر فارسی است. تعریف تمدن ۸۷ در فرهنگ عمید چنین آمده است:

شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود.(۱)

فرهنگ معین نیز با اشاره به معنای شهرنشین شدن و خو گرفتن به اخلاق شهری، آن را همکاری افراد و جامعه در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب آسایش و ترقی خود می داند.(۲) علامه دهخدا در معنای تمدن می نویسد:

تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت.

ولی با توجه به دیگر لغت نامه ها، تمدن را به «در شهر بود باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه»، «اقامت در شهر»، «شهرنشینی» و «مجازا تربیت و ادب» معنی کرده است.(۳)

---

۱- فرهنگ عمید، حسن عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، چاپ ۱۱، ج ۱، ص ۶۱۵.
۲- فرهنگ معین، محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، چ ۱۰، ج ۱، ص ۱۱۳۹.
۳- لغت نامه ی دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، چ ۴، ج اول از دوره ی جدید، ص ۶۰۹ _ ۶۱۱.

در زبان عربی، در کنار اصطلاح تمدن، مترادف هایی مانند: «حضاره»، «ثقافه» و «مدینه» آمده است.(۱)

در قرآن مجید، از ریشه ی «م ــ د ــ ن» یا «ح ــ ض ــ ر» که در عربی واژه ی «حضاره» را از آن ساخته اند، واژه ای برای تمدن وجود ندارد. با این حال چند واژه ی قرآنی «امت»، «قریه» و «قرن» با این واژه ارتباط نزدیکی دارند و تقریبا همین معنا را می رسانند.(۲)

در زبان انگلیسی و فرانسوی، اصطلاح تمدن با واژه های Civilization و Civilisation برگردان می شود که هر دو از ریشه ی واژه ی انگلیسی Civil به معنای «مدنی» و «با تربیت اجتماعی» هستند. این واژه در فرهنگ های انگلیسی، با واژه های با ادب، با نزاکت، قابل احترام، شهرنشین و سه مترادف آمده و در فرانسه به معنای پیشرفت، ترقی و توسعه تحول و تطور است.(۳) در مجموع، تعریف علامه دهخدا و فرهنگ معین از معنای لغوی تمدن فراگیرتر است.

### ب ــ تمدن در اصطلاح

ب ــ تمدن در اصطلاح

واژه شناسان و صاحب نظران علوم اجتماعی و فلسفی درباره ی معنای اصطلاحی تمدن، دیدگاه های گوناگونی ابراز داشته اند و همین مسأله، پاسخ به

---

۱- دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، ص ۱۳.

۲- علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، احمد علی قانع غرآبادی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، چ ۱، صص ۲۵ ــ ۳۰.

۳- دانشگاه جامعه و فرهنگ اسلامی، ص ۱۴.

«چیستی تمـدن» را دشوار می سازد. ابن خلـدون، تمـدن را ماننـد موجود زنـده ای می دانـد که متولد می شود، رشد می کند، تغذیه می کند، و به دوره ی شباب و شکوفایی می رسد، کامل می گردد و پس از آن آهسته آهسته رو به کهولت و ضعف می رود و آن گاه می میرد. وی عقیده دارد که نطفه ی دولت در صحرا متولد می گردد.(۱)

ویل دورانت، تمدن را چنین تعریف می کند:

تمدن را به شکل کلی آن می توان چنین تعریف کرد: نظم اجتماعی که با وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند.(۲) تمدن، نظامی است اجتماعی که آفرینش فرهنگی را تسریع می کند و نظامی است که عرف و اخلاق و قانون نگاه دارنده ی آن است و نظامی است اقتصادی که با مداومت تولید و مبادله برقرار می ماند.(۳)

ساموئل هانتینگتون می گوید:

تمدن بالاترین سطح گروه بندی فرهنگی مردم و گسترده ترین هویت فرهنگی است که می توان انسان ها را با آن طبقه بندی کرد.(۴)

یکی دیگر از صاحب نظران، تمدن را مجموعه ای ناپایدار از ارزش ها و

---

۱- علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، ص ۲۵.

۲- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱، ص ۳.

۳- درآمدی بر تاریخ تمدن، ویل دورانت، برگردان: احمد بطحایی و خشایار دیهیمی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۲۵۶.

۴- نظریه ی برخورد تمـدن هـا، هـانتینگتون و منتقـدانش، برگردان: مجتبی امیری، تهران، موسسه ی چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵، صص ۳۷ _ ۳۸.

پیش فرض های فرهنگی و قالب های اقتصادی و اجتماعی این ارزش ها می داند که همواره در حال دگرگونی هستند.(۱) برخی دیگر، تمدن را چنین تعریف می کنند:

گرد آمدن جمعیت های بزرگ در شهرها، تفکیک تولید کنندگان اولیه، افزارمندان متخصص تمام وقت، تمرکز مؤثر قدرت اقتصادی و سیاسی، استفاده از علایم قراردادی برای ثبت و انتقال اطلاعات، واحدهای قراردادی اوزان و زمان و مکان.(۲)

## تفاوت فرهنگ و تمدن

تفاوت فرهنگ و تمدن

هر چند میان تمدن و فرهنگ، تمایز معنایی وجود دارد، رابطه ی میان آن ها ارتباطی متقابل و متعامل است. به نظر می رسد گفتار دکتر محمد علی اسلامی ندوشن، در زمینه ی تفاوت تمدن و فرهنگ فراگیرترین نظریه باشد.وی دو تفاوت اصلی برای آن ها بر می شمارد:

نخست آن که، تمدن بیشتر جنبه ی علمی و عینی دارد و فرهنگ بیشتر جنبه ی ذهنی و معنوی. هنرها، فلسفه، حکمت، ادبیات و اعتقادها (مذهبی یا غیر مذهبی) در قلمرو فرهنگ هستند، در حالی که تمدن بیشتر ناظر به سطح حوایج مادی انسان در اجتماع است. دوم آن که تمدن بیشتر جنبه ی اجتماعی

---

۱- نظریه ی برخورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، برگردان: مجتبی امیری، تهران، موسسه ی چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۱۵۱.

۲- فرهنگ علوم اجتماعی، جولیوس گولد و ویلیام ل. کولب، ویراستار: محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران انتشارات مازیار، ۱۳۷۶، چ ۱، ص ۲۶۸، با تلخیص.

دارد و فرهنـگ بیشتر جنبه ی فردی.(۱) تمـدن و فرهنگ با هم ارتباط هایی دارنـد، ولی ملازمه ندارند. ما جامعه های متمدنی را می شناسیم که ممکن است فرهنـگ آن هـا به پـایین ترین درجه تنزل کرده باشـد. به طور کلی، مفهوم فرهنگ وسیع تر و قدیم تر از تمدن است. بنابراین همان گونه که متمدن بی فرهنگ داریم، با فرهنگ بی تمدن نیز بوده است.(۲)

گفته اند:

فرهنـگ میراث اجتمـاعی هر جامعه است و همه ی دست کاری های مادی و ساخته های ذهنی و روحی گروهی و نیز اشـکال متمایز رفتار را در بر می گیرد که مردم در فعالیت های جاری در درون شـرایط زندگی خاص خود پدید آورده اند و از نسـلی به نسل دیگر منتقل شده است.(۳)

بـا این تعریف بایـد دیـد که تفـاوت فرهنگ و تمـدن چیست؟ و آیا اساسا تفاوتی وجود دارد؟ در این زمینه دو رویکرد وجود دارد:

۱ ـ رویکرد اول می گوید تمدن همان فرهنگ است که در درون آن سه گونه کاربرد وجود دارد.(۴)

---

۱- فرهنگ و شبه فرهنگ، محمد علی اسلامی ندوشن، تهران، انتشارات یزدان، ۱۳۷۱، چ ۱، ص ۱۰۶.

۲- فرهنگ و شبه فرهنگ، ص ۱۰۷.

۳- فرهنگ اندیشه ی نو، ویراستار: ع. پاشایی، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۶۹، چ ۱، صص ۵۷۷ ـ ۵۷۸.

۴- فرهنگ علوم اجتماعی، جولیوس گولد و...، ص ۲۶۷.

۲ ـ بینش دوم، فرهنگ را در نقطه ی مقابل تمدن قرار می دهد. در این نگاه، فرهنگ همه ی عقاید و آفرینش های انسانی مربوط به اسطوره، دین، هنر و ادبیات را در بر می گیرد، در حالی که تمدن به حوزه ی خلاقیت انسانی مرتبط با فن آوری (تکنولوژی) و علم اشاره می کند.

## تعامل تمدن مسلمانان با تمدن های دیگر

### اشاره

تعامل تمدن مسلمانان با تمدن های دیگر

درباره ی آینده ی جهان و چگونگی تعامل تمدن ها با یکدیگر، چهار نظریه ی اساسی مطرح شده است که آن ها را بر می شماریم:

### ۱ ـ دیدگاه خطی تاریخی

۱ ـ دیدگاه خطی تاریخی

این دیدگاه بر این باور است که تاریخ، دوره های گوناگونی را پشت سر گذرانده و اینک دوره ی بلوغ بشری است. «توین بی» می گوید که ۱۶ تمدن باستانی نابود شده و در تمدن غربی، استحاله یافته اند.(۱) فرانسیس فوکویاما نیز بر این باور است که جامعه ی بشری در قرن آینده به نقطه ی پایان تحول ایدئولوژیک خواهد رسید و لیبرال دموکراسی غرب به عنوان واپسین شکل حکومت جهانی برگزیده خواهد شد و آن گاه تاریخ به پایان می رسد. در این رهیافت، از ناسیونالیسم، تعصب های مذهبی، درگیری های قومی و سوسیالیسم غفلت گردیده است. هم چنین در این نگرش، جایی برای گفتگوی تمدن ها باقی نمی ماند؛ زیرا تمدن شکست خورده؛ توانایی و شایستگی هم سخنی با تمدن پیروز را ندارد.

---

۱- پگاه حوزه، ش ۶، ص ۲.

## ۲ _ دیدگاه تقابل و ستیز

۲ _ دیدگاه تقابل و ستیز

بزرگ ترین نظریه پرداز این دیدگاه ساموئل هانتینگتون است که می گوید تمدن های دیگر ممکن است و می توانند مدرنیزه شوند، ولی غربی نمی شوند و در نتیجه، در مسیر ستیز پیش می روند. به همین دلیل، اتحاد تمدن های اسلامی و کنفوسیوسی را تهدیدی برای تمدن غرب به شمار می آورد.

دکتر سید حسین نصر، این بخش از دیدگاه هانتینگتون را بسیار خطرناک و از نظر اخلاقی و بشری، مطرود و موذیانه می داند و می نویسد:

(بر این اساس) اصلاً کسی نمی تواند بر سرنوشت خود حاکم شود؛ چون این امر خطری است برای غرب.(۱)

هم چنین برخی دیگر از صاحب نظران، ریشه ی نظریه ی وی را در خلأ مفهومی و ضعف معنایی علوم سیاسی معاصر دانسته اند. آنان، این نظریه را ساده لوحانه، ولی سلیس؛ مخدوش، ولی موزون و کاریکاتوری ناپسند از شرق دانسته اند.(۲)

## ۳ _ دیدگاه موج سوم:

۳ _ دیدگاه موج سوم:

آلوین تافلر بر این باور است که درگیری اصلی قرن بیست و یکم درگیری تمدن موج سومی (اطلاعات و ارتباطات) با تمدن موج دومی (تمدن صنعتی)

---

۱- نظریه ی برخورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، برگردان: مجتبی امیری، مقاله ی دکتر سید حسین نصر، برخورد تمدن ها و سازندگی آینده ی بشر، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۱۳۷.

۲- نظریه ی برخورد تمدن ها، دکتر احمد صدری، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

و تمـدن موج اول (انقلاب کشاورزی)، خواهـد بود. وی یکی از پدیـده های موج سوم را بازگشت دوران اقتدار و احترام نهاد خانوده می دانـد. در این رهیافت نیز چیرگی نهایی با تمـدن غرب است، ولی نسبت به گفتگوی تمدنها، دیدگاه فروتنانه تری دارد.

### ۴ _ دیدگاه گفتگوی تمدن ها:

۴ _ دیدگاه گفتگوی تمدن ها:

این دیدگاه به ویژه پس از طرح نظریه های معارضـی هم چون نظریه ی هانتینگتون، پژواک پرطنین تری یافته است و گروه بی شمـاری از صـاحب نظران جهـان، پشتیبان آن به شـمار می آینـد. سـید محمـد خاتمی رییس جمهور ایران این ایـده را در سال ۱۹۹۹ م مطرح کرد که با اسـتقبال جهانیان روبه رو گردیـد و سازمان ملل متحـد سال ۲۰۰۱ م. را سال گفت و گوی تمـدن ها نامیـد. این رهیـافتماننـد نظریه ی هرتزوگ(۱) بیشـتر بر اشتراک هـای فرهنگی تمـدن اسـلامی، غربی و دیگر فرهنـگ هـا پا فشاری می کند.

اینک بایـد دیـد که تمـدن مسـلمانان با کدام یک از این چهار دیدگاه می تواند همراه شود؟ به یقین دیدگاه های تقابل گرا و ستیزه جو برای تمـدن مسـلمانان و جهان هیچ سودی نخواهند داشت. بنابراین تنها گفت وگوی تمدن ها برای همه ی تمدن ها به ویژه تمـدن مسـلمانان سودمند خواهد بود. به شـرط آن که دیدگاه های عزلت گرایانه یا برخوردگرایانه از نوع غربی بر آن چیره نگردد. گفت وگو باید در شرایط برابر انجام گیرد و گفت وگو کنندگان نمایندگان

---

۱- برای نمونه بنگریـد به آشتی تمـدن ها، رومان هرتزوگ، برگردان: هرمز همایون پور، تهران، نشـر فرزان پور، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۷ _ ۳۲، وجوه اشتراک فرهنگ های اسلامی وغربی.

اندیشـمند و آگاه تمدن خویش باشـند. جهان اسـلام در این گفت وگو نباید از برتری صنعتی غرب بهراسد و میدان را وا نهد، بلکه باید گسیختگی درونی فرهنگ غربی را نیز به یاد داشته باشد.

ص:۲۷

## بخش دوم: اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام

### اشاره

بخش دوم: اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام

زیر فصل ها

## اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام

### اشاره

اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام

زیر فصل ها

۱ ــ یکتاپرستی

۲ ــ وحی الهی و نبوّت

۳ ــ قرآن، سنت، حدیث و شریعت

۴ ــ روز رستاخیز

۵ ــ امامت، ولایت و خلافت

### ۱ ــ یکتاپرستی

۱ ــ یکتاپرستی

تمدن اسـلامی تمدنی الهی است که خداوند یکتا در آن نقشـی یگانه و بی همتا دارد. تمایز تمدن اسلامی با تمدن های مادی در جایگاهی است که اسـلام برای خداونـد در نظر می گیرد. اندیشه ی تمدن اسـلامی خدا محور و خدا باور است و به خدای ازلی و ابدی، اعتقادی راسخ دارد. این تمدن بر پایه ی تسلیم بودن در برابر مشیت واقعیتی متعالی ــ خداوند ــ استوار است که همه ی مراتب واقعیت از او پدیـد می آینـد و بازگشت همه چیز به سوی اوست.(۱) آرامش دنیایی و رسـتگاری آن جهانی نیز در پرتو خواست خداوند فراهم می آید و اراده ی متعالی او در همه ی اجزای وجود، جاری و ساری است.

بینش اسلامی به وحدانیت ناب و منزهی باور دارد که نزاده و زاده نشده(۲) و برتر از هر چیز دیگری است پس شرک به او نیز بزرگ ترین گناهی خواهد بود که بخشودنی نیست. این تصویر توحیدگرایانه تاریخ بشریت را در بر می گیرد و همه ی اجزای آن را به هم پیوند می زند. بر این اساس همه ی پیامبران الهی از

---

۱- بقره، ۱۵۶: «انا للّه و انا الیه راجعون»

۲- توحید، ۳: «لم یلد و لم یولد»

آدم تا خاتم، پیامی واحد از خدایی واحد آورده و به تمام معنا مسلمان بوده اند.(۱)

اسلام نیز تجدید کننده ی این پیام توحیدی است. خداوندی که اسلام معرفی می کند از یک سو، متعالی، سبحان و عظیم است و از سوی دیگر، از انسان به خودش نزدیک تر است.(۲) پس به طور هم زمان، هم آموزه ی تعالی خداوند از طبیعت(۳) و هم حضور درونی و همیشگی اش در جریان طبیعت را در بردارد. اندیشه ی تمدن اسلامی بیش از هر چیز دیگر بر توحید سره و ناب پای می فشرد و تلاش بر این است تا گرد و غبار فراموشی از چهره ی این آموزه ی حقیقی و اصیل زدوده شود. اسلام منادی توحید بی پیرایه ای است که همه ی کمال ها به او می رسد و هیچ نقصی در او راه ندارد. اللّٰه تنها آفریننده ی صرف نیست که جهان را پس از آفرینش به حال خویش رها کرده باشد، بلکه قدرت و اراده ی او همواره در همه ی نظام آفرینش جاری است.

اسلام همانند آیین زرتشت نیست که هم زمان به دو خدا؛ یزدان ــ سرچشمه نیکی ها ــ و اهریمن ــ سرچشمه بدی ها ــ باور داشته باشد و آن گاه در برگردان آن به یکتاپرستی در ماند. همانند یهود نیز نیست که یَهُوَه را خدای ویژه ی

---

۱- خداوند در قرآن از ابراهیم علیه السلام با عنوان «حنیفا مسلما» یاد می کند. آل عمران، ۶۷.

۲- ق، ۱۶. «و نحن اقرب الیه من حبل الورید؛ و ما به او انسان از رگ گردن نزدیک تریم».

۳- جوان مسلمان و دنیای متجدد، سید حسین نصر برگردان: مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵، ص ۲۰، با تلخیص و تصرف.

خویش بدانـد و خود را از دیگران برتر بپنـدارد. نه هم چون مسـیحیت است که با وجود باورمنـدی به یکتایی خدا، تثلیث اب، ابن و روح القـدس را بپـذیرد و به سـردرگمی عقیـدتی دچـار شود. تنهـا بی پیرایگی و سادگی اسـلام بود که توانست توده ی انسـان هـای آگـاه و بی غرض را به سوی خویش بکشانـد و بنیـاد تمـدنی فراگیر و بیماننـد را در گستره ی گیتی پی افکنـد. باری، همین توحید خالص و وحدانیت مطلقه است که بنابر گفته ی گوسـتاو لوبون، به توان مندی اسـلام انجامیده است. او در کتاب خویش می نویسد:

تمام سادگی و شأن و مقام اسـلام روی همین وحـدانیت مطلقه قرار گرفته است. همین سادگی مایه ی قـدرت و اسـتحکام این دین گشـته است. این توحیـد خالص محض را چون در آن هیـچ گونه پیچیـدگی و معمایی نیست، به آسانی می توان فهمید و ایمان به امور متضادی که در ادیان دیگر تعلیم داده شده و عقل سـلیم ابدا نمی تواند آن را قبول کند، هیچ یک در این دیانت وجود ندارد... بساطت و سادگی و وضوح اصول عقاید اسلامی به علاوه ی رفتار با خلایق به عدل و احسان که آن روی سکه ی این مـذهب است، سـبب گردیـد که تمام روی زمین را تسـخیر کنـد و همین بساطت و وضوح و حسن رفتار بود که، اقوامی مثل مصـریان که از زمان امپراتوران قسـطنطنیه پیرو مسـیح بودنـد، به مجرد دعوت به دین محمدی صـلی الله علیه و آله، دیانت مسیح را ترک گفتند و اسلام را قبول کردند.(۱)

باری این روح سترگ توحیدی چنان در تار و پود تمدن اسـلامی و علوم و فنون برآمده از آن، نفوذ یافته که آن ها را به ثبات و تبلور ویژه ای رسانده است، به گونه ای که بیشتر غربیان این ثبات و تبلور را با رکود و ایستایی، اشتباه

---

۱- تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون برگردان: فخر داعی گیلانی، تهران انتشارات علمی، ۱۳۳۴، چ۴، صص ۱۳۴ _ ۱۴۴.

می گیرند. همانا وحدت و یگانگی، هسته ی وحی اسلامی را تشکیل می دهد و علوم و فنون اسلامی نیز بر پایه ی همین وحدت بنا شده اند که آدمی را در عین کثرت به وحدت می رسانند. «همان گونه که هر هنر اسلامی، خواه الحمراء باشد یا مسجد اسلامی پاریس، صورت تجسمی خاصی را نشان می دهد که در آن، شخص می تواند وحدت الهی را در کثرت متجلی ببیند، به همان صورت همه ی علومی که به حق ممکن است اسلامی نامیده شود، وحدت طبیعت را آشکار می سازد».(۱)

در بینش تمدن اسلام، خداوند دانا و توانا لحظه ای از آفریده های خویش غافل نیست و قدرت او بر همه چیز، همه کس و همه جا گسترده است!(۲) با این حال، مهربان و بخشاینده است. دو صفت الرحمان و الرحیم همواره در کنار نام اللّه آمده اند و به جز سوره ی توبه ــ که اخطار مستقیم به مشرکان و کافران است ــ دیگر سوره های قرآن با عبارت پر شکوه بسم اللّه الرحمان الرحیم آغاز می شود.

خداوند از همه ی جریان های نظام هستی آگاه است؛(۳) زیرا خود آن را

---

۱- علم و تمدن در اسلام، سیدحسین نصر، برگردان: احمد آرام، تهران، نشر اندیشه، سال ۱۳۵۰، ص ۲۰.

۲- آل عمران، ۱۸۹ و بقره، ۲۰: «وللّه مُلکُ السَموات وَ الارضِ و اللّه علی کُلِّ شَیٍ قَدیر» [و] «ان اللّه علی کل شی ء قدیر».

۳- بقره، ۲۹: «و هو بکل شی ء علیم».

آفریـده اسـت. در نزد او آینـده هماننـد گذشـته و حـال اسـت. او مرکب نیست، مجرد است و محـدود نیست، نامحـدود است. حرکت دیـدگان و رازهـای نهان دل ها را می داند(۱) و سرچشـمه ی همه ی دانش هـا اوست. با این حال، خداونـد هیـچ گاه انسان را مجبور نیافریده، بلکه به او اختیار و اراده عطا کرده است.

خداونـد نـام هـا و صـفت هـای دیگری نیز داردماننـد: غفور، حکیم، حفیظ، علیم، سـمیع، بصـیر، ودود، قـدوس، غفار، مؤمن، سلام، عزیز و... که همه اسماء حسنای الهی اند. در دیدگاه اسلامی، خداوند دارای دو نوع اسماء است:

۱ ـ اسماء و صفات جمال که هر آن چه را خدا بدان متصف است، بازتاب می دهد.

۲ ـ اسماء جلال که هر آن چه را ذات حق از آن بری است، بر می شمارد.

از این رو، خداونـدی که دانش، قـدرت و رحمتش جهـان را در بر گرفته است، هرگز به جهات انسانی، مادی و عقلی محـدود نمی شـود. او نامحـدود و فراتر از همه ی محـدودهاست. دیـدنی نیست، ولی همه ی دیـده هـا در معرض دیـد (دانش) اوست. سخنش شـنیده نمی شود، ولی همه ی صداها و ناله ها و فریادها را می شنود.(۲) امیـد آفرین است و امید به او، قربان گاه همه ی نومیدی ها و نومیدی از او، زمینه ساز همه ی گناه هاست.

---

۱- ق، ۱۷ و ۱۸: «اذ یتلقی المتلقیان عن الیمین و عن الشمال قعید ما یلفظ من قول الا لدیه رقیبٌ عتید».

۲- سبأ، ۵۰، «اِنَّهُ سمیعٌ قریبٌ».

در تمـدن توحیـدی اسـلام، همه چیز رنـگ الهی به خود می گیرد و همه ی کثرت ها و اشـیاء متکثّر، پرتو و نمایه ای از وجود وحـدانی اوینـد. جزیی ترین و کلی ترین نشـئه های حیات از او سرچشـمه می گیرند. تلاش انسان برای آبادانی مملکت هستی نیز پرده برداری از حقیقت یکتایی خـداست. بر این اساس آموزه های توحید، همه ی ارکان و اجزای جهان را به هم پیوند می دهد، زیرا همگی سرود دل انگیز و روح نواز وحدانیت آفریدگار یگانه را سر می دهند.

خداونـد یکتـا نـاظر، حاضـر و ناقـد بر کردار همه ی مسـلمانان است و همو میـان نیک ها و زشتی ها و حرکت ها و سـستی ها داوری می کنـد. پس این توحیـد نـاب، بی ریا و بی پیرایه به ویژه در دیـدگاه شـیعی آن، محرکی است در سـیر به سوی مبـدأ اعلی و این سـیر، نـاگزیر بایـد از بستر وجود آدمی و محیـط پیرامون آن بگـذرد. بـدین ترتیب، همه ی جنبه های هستی و نظام تکوین و تشریع، نشانه های آن وجود کامل و زیبایی مطلقند.(۱)

باید به آن ها چونان ابزار قدرت الهی و با دید «آلی» نگریست تا بتوان به علت غایی رسـید. هر مسـلمان باید در این موجودات و حقیقت نماها، از وجود خود گرفته تا دیگر ذرات جهان بیاندیشـد، تـدبر کنـد و از آن ها برای به سـرانجام رسانـدن زندگی خویش، به درستی بهره جوید.

---

۱- آیات بسـیاری به این مفهوم در قرآن کریم وجود دارد مانند: آل عمران، ۸۹؛ انعام، ۹۹؛ رعد، ۲ و ۳؛ نور، ۴۳ و ۴۵؛ بقره، ۱۴۶؛ ملک، ۲ و ۳.

بـدین گونه است که آدمی به سرچشـمه ی کمـال دست خواهـد یافت؛ و شالوده ی تمـدن اسـلام پی ریزی خواهـد شـد، زیرا جهان، جلوه گاه شهود و حضور اوست.

قرآن بارها با بیان این آموزه ی راستین، مسلمانان را به سیر آفاق و انفس و آبادانی زمین فرا خوانده است.(۱)

فرآیند فراز و فرود تمدن مسـلمانان را با معیار دوری و نزدیکی آنان با این آموزه ی سترگ آیین پیامبر صـلی الله علیه و آله ــ توحیـد خـالص ــ می سـنجند. پس توحیـد و وحـدانیت نـاب و بی شـایبه ی آیین نبوی صـلی الله علیه و آله که تشیع آن را با بیشترین اصالت نمایانـده است، گوهر این تمدن الهی است که در کم ترین زمان، جهان را در نوردیده و به تمدن فراگیر، برتر و اثرگذار بدل گشت.

در مقابل تمـدن الهی، تمـدن غربی قرار دارد که خدا را از صـحنه ی زندگی اجتماعی به حوزه ی فردی رانده است و حتی در حوزه ی فردی نیز پای بنـدی چنـدانی به آن نشان نمی دهد. این تمدن جامه ی الوهیت بر قامت انسان پوشانده (اومانیسم) و به خرد خود بنیـاد، اصالت ذاتی و فراگیر بخشـیده است (راسـیونالیسم). هم چنین با کنار زدن چتر وحی و نادیـده گرفتن سرشـت الهی خویش، بر مرکب دانش سوار شده و به پندار خود، رهوارترین مرکب

---

۱- فصلت، ۵۳: «سـنریهم آیاتنـا فی الافـاق و فی انفسـهم حـتی یتبین لهم انه الحق»؛ آل عمران، ۱۳۷؛«قد خلت من قبلکم سـنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین» و آیات بسیار دیگری هم چون: انعام، ۱۱؛ یوسف، ۱۰۹؛ نحل، ۳۶؛ حج، ۴۶؛ نمل، ۶۹؛ عنکبوت، ۲۰؛ فاطر، ۴۴؛ روم، ۹ و ۴۲. به نقل از: المعجم المفهرس لمعانی القرءان العظیم، محمـد بسام رشـدی الزین، دمشق ــ سوریه، انتشارات دارالفکر المعاصر، ج ۱، ص ۶۱۱.

پوینـده ی راه رسـتگاری را برگزیـده است. زهی پنـدار بیهـوده که این راه سـنگلاخ است و آن مرکب چمـوش. اکنون نیز که انـدکی به خود آمـده و لختی از نـادرستی راه پیشـین آگـاه گشـته است (پسامـدرنیسم) باز سـر به دیوار می کوبـد و با ابهام و سرگشتگی به جهان می نگرد.

بایـد دانست پسامـدرنیسم نیز همچون روش هـای پیش آزموده، حقیقت حقیقت را نشـانه رفته است و بی محابا بـدان می تازد. حتی نگاه آن به هستی نیز بر اساس همان انسان محوری مطلق شـکل گرفته است هر چند پسا مدرنیسم در پی معنویتی سـیراب کننده می گردد، ولی چشـمه ی بقا و جویبار حقیقت را در تاریکی حیرت و بیگانگی، گم کرده و در فرا راه خویش، نومیدی را به تماشا نشسته است.

## ۲ ـ وحی الهی و نبوّت

۲ ـ وحی الهی و نبوّت

یکی از ارکان پیدایش تمدن اسـلامی، ایمان به غیب، وحی الهی و پیامبری فرستادگان خداوند است. این اعتقاد پس از باور به خـدای یگـانه، زیر بنای تمـدن های دینی به ویژه تمـدن اسـلامی را تشـکیل می دهـد. از دیـدگاه اسـلام، خداونـد برای فراهم آوردن رسـتگاری انسـان ها، تشـریع قوانین مورد نیاز بشـر و ابلاغ آن به انسان ها، راه دانان و پیام آورانی را از سوی خود و از میان آنان برگزیده است. اینان فرستاده ی حق به سوی حق و حافظ اسرار الهی اند. بنابر روایات وارده خداوند ۱۲۴ هزار پیامبر و رسول را برای هدایت انسان ها بر انگیخت تا روح عطشناك آنان را از معرفت پروردگار لبریز سازند. «آگاه ساختن، بشارت دادن و هدایت کردن به راه راست از جمله ویژگی هایی است

که هماره تکرار می شود و همین مفهوم رسالت پیامبران مرسل است».(۱)

اسلام، رسالت پیامبران پیشین را می پذیرد و کتاب های آسمانی آنان را تأیید می کند. البته کتاب هایی را که باورمندان به آن دین ها در اختیار دارند، تحریف شده می انگارد. پیامبران دارای عصمتی هستند که آنان را از دست یازیدن به گناه باز می دارد.

پیامبران بزرگ و صاحب شریعت (اولوالعزم) پنج تن هستند و در تاریخ تمدن بشر نقشی بسزا داشته اند. نخستین پیامبر اولوالعزم، نوح علیه السلام است که پس از ۹۵۰ سال فراخوانی مردم به پرستش خدای یگانه، جز اندکی بدو ایمان نیاوردند. از این رو، آنان را به قهر و غضب الهی هشدار داد.چون این هشدار نیز سودمند نیافتاد، بارانی سیل آسا فرو بارید و توفان نوح را رقم زد.(۲) دومین پیامبر اولوالعزم ابراهیم علیه السلام است که رفتار جسورانه و شجاعانه اش در شکستن بت ها، وی را به قهرمان توحیدی بدل ساخته است. افزون بر آن، سربلند بیرون آمدن از آزمایش های خداوند، جامه ی «خلیل اللهی» را برازنده ی اندام او کرده است.(۳) موسی علیه السلام نیز سومین پیامبر صاحب شریعت است که در

---

۱- اسلام، دین و امت، لویی گارده،، برگردان: رضا مشایخی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۲، چ ۱، ص ۷۵.

۲- برخی آیات قرآن که درباره ی حضرت نوح ع سخن گفته اند، عبارتند از: اعراف، ۵۹ _ ۶۴؛ هود، ۲۵ _ ۴۱؛اسراء، ۱۷؛ مریم، ۵۸؛ انبیاء، ۷۶ _ ۷۷؛ مؤمنون، ۲۳ _ ۳۰، قمر، ۹ _ ۱۷؛ نوح، ۱ _ ۲۸؛ فرقان، ۳۷ و... .

۳- نساء، ۱۲۵؛ بقره،۱۳۰ _ ۱۳۳؛ انبیاء،۶۸ _ ۷۰؛ صافات،۱۰۰ _ ۱۱۱؛ حج، ۲۶؛ ابراهیم، ۳۵ _ ۴۱؛و... .

دامان خـدای دروغین زمان خویش ــ فرعون ــ پرورش یافت و فرمان مبارزه و رساندن پیام انذار الهی را در کوه طور دریافت کرد.

خداوند، تورات را بر او فرو فرستاد و بنی اسراییل را بدان نجات بخشید. دریا را بر ایشان شکافت و عصا را در دستان موسی به نیروی اعجاز بـدل ساخت و این چنین آنان را بر دشـمنان شان برتری داد.(۱) عیسـی علیه السلام چهارمین اولوالعزمی است که مقام رسالت یافته است. او در گهواره به سـخن آمد و رسالتش را اعمال کرد. پس از آن، انجیل بر او فرو آمد و آیینش گستره ی جهانی یافت.(۲)

محمد صـلی الله علیه و آله واپسـین پیامبر الهی است که پیامبران پیشین، ظهورش را مژده داده بودند. هر چند حضرت محمد از نظر تاریخی، پس از پیامبران دیگر آمده است، از نظر مرتبت بر آنان برتری دارد. قرآن می گوید که پس از او پیامبری نبوده و او خاتم پیامبران است.(۳) از این رو، دین محمد صـلی الله علیه و آله تکامل یافته ترین دین الهی است که بشـر را به رستگاری خواهد رساند.

آموزه های پیامبران اولوالعزم بر پایه ی وحی الهی است که خداوند بر آنان

---

۱- بقره، ۸۷ و ۱۳۶؛ انبیاء،۴۸؛ زخرف، ۴۹؛ غافر، ۳۶ ــ ۳۷؛ قصص، ۱۱ ــ ۱۳؛ اعراف، ۱۰۴؛ اسراء، ۱۰۱ و....

۲- مائده، ۴۶؛ آل عمران، ۳۳ ــ ۳۷؛ نساء، ۱۵۷ ــ ۱۵۹؛ زخرف، ۵۹؛ مریم، ۲۹ ــ ۳۳ و... .

۳- اعراف، ۱۵۶ و ۱۵۷؛ آل عمران، ۱۴۴، احزاب، ۴۰؛ محمد، ۲؛ فتح، ۲۹؛ بقره، ۱۲۹؛ صف، ۶؛ یونس، ۱۶ و... .

فرو می فرستد. فرشتگان الهی حلقه ی پیوند آنان با مبدأ وحی هستند که نام آن ها در قرآن و دیگر کتاب های آسمانی بسیار به چشم می خورد.(۱) از میان فرشتگان، نام میکاییل یک بار در قرآن آمده است.(۲) نام عزراییل _ فرشته ی مرگ _ آشکارا نیامده، ولی به صورت کلی از او یاد شده است.(۳) هم چنین از جبرییل بزرگ ترین فرشته الهی که پیام رسان اصلی میان خدا و رسولان او است سه بار نام برده شده است.(۴) فرشتگان، وجودی مجردند که از گناه و بدی دورند و پیرو محض فرمان خداوند هستند.

نام ها و لقب های گوناگون حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بازتابی از جنبه های گوناگون شخصیت تکامل یافته ی اوست.(۵) همه ی فرقه ها و مذهب های اسلامی به رسالت و خاتمیت او باوری دیرپا دارند و در هر اذان و نماز بدان شهادت می دهند. همین مسأله، نقطه ی عطفی در تکوین و گسترش تمدن اسلامی به

---

۱- فاطر، ۲؛ نساء، ۱۵۶؛ انفال، ۹؛ احزاب، ۱۰۱.

۲- بقره، ۹۸؛ «من کان عدوا للّه و ملائکته و رسله و جبریل و میکاییل فان اللّه عدو للکافرین».

۳- سجده، ۱۱؛ «قل یتوفیکم ملک الموت الذی وُکِّلَ بکم ثم الی ربکم ترجعون».

۴- بقره، ۹۷ و ۹۸؛ شعرا، ۱۹۳: «من کان عدوا لجبرییل فانه نزله علی قلبک باذن اللّه مصدقا لما بین یدیه و هدی و بشری للمومنین من کان عدوا للّه و ملائکته و رسله و جبریل و میکاییل فان للّه عدو للکافرین» و «نزل به الروح الامین».

۵- جوان مسلمان و دنیای متجدد، ص ۲۸.

شمار می رود. هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعلیم و تجدد بود(۱) که این معنا در قرآن کریم نیز جلوه گر است؛ زیرا خداوند، هدف از فرستادن پیامبران را تعلیم و تزکیه ی امت ها بر می شمارد.(۲) هم چنین با درنگی کوتاه در تاریخ زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله می توان به این معنا دست یافت. با ظهور اسلام، تمدنی پیشرو و جامعه ای نو ساخته در شبه جزیره ی عربستان پدید آمد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله توانست با نوسازی انگاره های مثبت پیشین و طرح آموزه های نوین لایه های زیر بنایی و روبنایی جامعه ی آن زمان را دگرگون سازد و طرحی نو در افکند. پیامبر صلی الله علیه و آله به اعراب تفهیم کرد جامعه ای مذهبی که زیر سیطره ی خدای واحد قرار داشته باشد خیلی بیش از جمعیتی که از قوانین عشیره ای پیروی کند، از مفهوم و موقعیت سیاسی برخوردار خواهد بود.(۳) بسیاری از دانشوران و دانش پژوهان جهان درباره ی شخصیت پیامبر عالی مقام اسلام سخن گفته اند. ویل دورانت؛ نویسنده کتاب «تاریخ تمدن» درباره ی نقش حضرت محمد صلی الله علیه و آله در پایه گذاری تمدن توحیدی و جهانی اسلام چنین می نگارد:

اگر بزرگی را به میزان اثر مرد بزرگ در مردمان بسنجیم، باید بگوییم محمد

---

۱- اسلام در قرون وسطا، فن گوستاو، گرو بنام، برگردان؛ غلام رضا سمیعی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۷۷.

۲- جمعه، ۲؛ «هوالذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم ویعلمهم الکتاب و الحکمه».

۳- اسلام در قرون وسطا، ص ۶۹.

صلی الله علیه و آله از بزرگ ترین بزرگان تاریخ است. وی در صدد بود سطح معنویات و اخلاق قومی را که از گرمای هوا و خشکی صحرا به توحش افتاده بودند، اوج دهد و در این زمینه، توفیقی یافت که از همه ی مصلحان دیگر بیشتر بود. کم تر می توان کسی را جز او یافت که همه ی آرزوهای خود را تحقق بخشیده باشد.(۱)

از آن چه گفته شد، بر می آید که تاریخ تمدن بشری با آموزه های آسمانی پیامبران پیوند خورده است. پیامبران با بر انگیختن خردها و روشن ساختن راه فراروی اندیشه ها، آن ها را با مبدأ حکمت الهی پیوند می دهند و با پر کردن گسست میان انسان و خدا فطرت پاک انسانی را بیدار می سازند. علی علیه السلام درباره ی بعثت پیامبران و نقش سازنده ی آن ها در ساختن پایه های اجتماعی زندگی انسان ها می فرماید: پس خداوند، پیامبران خود را میان مردمان بر انگیخت تا پیمان خدا را از آنان بخواهند و نعمت فراموش شده ی حق را بدیشان یادآوری کنند و با روش تبلیغ با آنان سخن گویند و خردهای پنهان شده را بر انگیزانند و به کار اندازند و نشانه های قدرت الهی را به آنان بنمایانند.(۲)

برخی بر این باورند که همه ی علوم، معارف و پیشه های بشری را پیامبران پایه گذاری کرده و پس از آن، آدمیان به گسترش آن همت گماشته اند. این

---

۱- تاریخ تمدن، عصر ایمان، بخش اول، ویل دورانت، برگردان؛ ابوالقاسم پاینده و دیگران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، چ ۳، ج ۴، ص ۲۲۲.

۲- نهج البلاغه، برگردان: سید کاظم ارفع، تهران، انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۸، خ ۱.

نظریه در کلام مولوی نیز بازتاب یافته است.(۱) برخی سقراط را شاگرد حضرت سلیمان می دانند و آموزه های افلاطون و ارسطو را با واسطه ی سقراط، به سلیمان و سلسله ی پیامبران نسبت می دهند. هم چنین گروهی بر این باورند ابراهیم خلیل، علم هندسه را از کلده به مصر آورده است.(۲) هربرت اسپنسر؛ فیلسوف غربی چنین می گوید:

شخصیت های مذهبی همان گونه که نخستین ادیبان جهان بوده اند، نخستین دانشمندان نیز به شمار می روند.(۳)

ابوالحسن ندوی درباره ی نقش پیامبران الهی در تکوین انگاره های مادی و معنوی تمدن بشری می نویسد:

هم چنان که در یک شهر، یک رابطه ی انظباطی، همه ی سازمانهای اجتماعی را به هم پیوند می دهد، دین و تعلیمات پیامبران نیز عناصر تمدن را شکل می دهد و با یک قدرت معنوی آنان را به یکدیگر مرتبط می سازد.(۴)

تلاش های پیامبران را در چند بخش می توان بررسی کرد. نخستین بخش، رفتار پیامبران با مردم است. پیامبران با آموزه های آگاهی بخش و رفتارهای

---

۱- مثنوی معنوی: این نجوم و طب، وحی انبیاست عقل و حس را سوی بی سوره کجاست قابل تعلیم و فهم است این خرد لیک صاحب وحی تعلیمش دهدجمله ی فن ها یقین از وحی بود اول او، لیک عقل، او را بر فزود

۲- نقش پیامبران در تمدن انسان، فخرالدین حجازی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۰، ص ۶۰.

۳- تاریخ ادیان، هربرت اسپنسر به نقل از نقش پیامبران در تمدن انسان، ص،۶۰.

۴- نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۶۰.

انسانی به انسان عزت می بخشیدند و کرامت آدمی را پاس می داشتند. هم چنین با باز شناساندن جایگاه انسانیت به مخاطبان خویش، آنان را به نقش شان در جهان هستی آگاه می ساختند و به درک بیشتر خود و شناخت توانایی ها و محدودیت هایشان فرا می خواندند.پیامبران الهی به هم آهنگی انسان ها و پدید آمدن جامعه ای می اندیشیدند که از همه ی قیدهای غیر خدایی رها بوده و از خودخواهی، خودبینی و خود محوری در آن، خبری نباشد. چنین جامعه ای که در مسیر یگانگی اجتماعی و یکتاپرستی گام می سپرد، «امت واحده» نامیده می شود.(۱)

## ۳ _ قرآن، سنت، حدیث و شریعت

### اشاره

۳ _ قرآن، سنت، حدیث و شریعت

زیر فصل ها

الف _ قرآن

ب _ سنت

ج _ حدیث

د _ شریعت

### الف _ قرآن

الف _ قرآن

قرآن، محور و مبنای کلی تمدن اسلامی و پیوند دهنده ی بخش های گوناگون جهان بینی اسلام است. قرآن، بازگو کننده ی کلیت همه ی بایدها و نبایدها و هست ها و نیست هاست. اسلام بر پایه ی کتاب فراگیر و اندیشه ساز قران استوار بوده و همانند مسیحیت بر محور یک فرد _ مسیح علیه السلام _ تمرکز نیافته است. این موضوع بر هیچ پژوهنده ی کاوش گری پوشیده نمانده است و همگان اشاره هایی صریح به آن داشته اند.

قرآن در لغت سریانی به معنای خواندن و قرائت است، ولی در لغت عرب،

---

۱- قرآن بارها به آموزه ی تشکیل امت واحده اشاره کرده است. هود، ۱۱۷ و ۱۱۸؛ انبیاء، ۹۲.

مفهومی بیش از خواندن و شرح و روایت دارد.(۱) متن این کتاب مقدس، کلمه به کلمه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وحی گردیده و او نیز آن را بدون هیچ گونه خطا و اشتباهی به مردم رسانده است. برخلاف باور برخی متکلمان و فیلسوفان غربی درباره ی انسانی بودن انجیل، تورات و دیگر کتاب های آسمانی، قرآن صرفا صورت بازنگاشته ی انسانی کلمه اللّه نیست. حضور خداوند در قرآن مجید آن چنان نیرومند و مشهود است که زبان عربی را از زبان بشری به زبانی مقدس، تبدیل کرده است و به دلیل برخورداری از قدرت الهی، هیچ زبان بشری یارای برابری با آن را ندارد.(۲)

اعجاز بیانی و پرباری درونی قرآن، آن را به معجزه ی جاودان و تقلید ناپذیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدل ساخته است، به گونه ای که بشر از بازآفرینی آن، ناتوان بوده و در شرحش، درمانده است، در قرآن، آیات پر شماری، آدمی را به جنبه های اعجاز قرآن توجه می دهد مانند: آیاتی که به آوردن قرآن از سوی پیامبری درس ناخوانده اشاره می کند.(۳)

هم چنین خداوند در آیاتی، بشر را به مبارزه می طلبد (تحدی) و مدعیان را

---

۱- اسلام، دین و امت، ص ۲۸.

۲- جوان مسلمان و دنیای متجدد، صص ۱۵ _ ۱۸.

۳- اعراف، ۱۵۸: «قل یا ایها الناس انی رسول اللّه الیکم جمیعا الذی له ملك السموات و الارض، لا اله الا هو یحیی و یمیت فامنوآ بااللّه و رسوله النبی الامی الذی یومن باللّه و کلماته و اتبعوهُ لعلکم تهتدون» و نیز اعراف:، ۱۵۷؛ یونس، ۱۶؛ جمعه، ۲.

به آوردن کتابی همانند قرآن فرا می خواند و از آنان می خواهد که اگر می توانند، چنین کنند.(۱)

آلوارو، پژوهش گر اسپانیایی که از مخالفان آیین تمدن گستر اسلام است، درباره ی قران می گوید،

بایـد غنـای اصـطلاحات و ادعیه ای را که امروز در سوره هـای قرآن می خوانیم به سـبب سـهولت دل انگیز و فصاحت نافـذ و فخیم شان بستاییم.(۲)

هم چنین ابوعلی طبری درباره ی روانی بیان و اثر گذاری قرآن می نویسد:

از آغاز خلقت جهان، چه کسـی را سـراغ دارید که کتابی با این کیفیت، چنین نافذ، بدین پایه شیرینی و تا این اندازه دلنشین و با چنین جاذبه و چنین پیشرفتی تصنیف کند؟ قرآن، بی شک از نشانه های پیامبری محمد صلی الله علیه و آله است.(۳)

در پرتو نورافشانی قرآن، علوم دیگری در پیونـد با آن پدیـد آمـده است که جنبه های گوناگون این کتاب آسـمانی را بازتاب می دهـد برخی از این علوم عبـارت انـد از: علم قرائـات، علم تجویـد، علم ناسـخ و منسوخ، علم محکم و متشـابه، علم تأویل و تفسیر و...

تأویل و تفسـیر در شمار علوم مهمی است که از همان قرون نخستین در سطحی بسیار گسترده شکل گرفت و هم اینک تفاسیر فراوانی از شیعه و سنی در دست است. باید دانست این کتاب افزون بر قرآن که نام اصلی و متبادر آن

---

۱- اسراء، ۸۸؛ «قـل لئن اجتمعت الا نـس و الجن علی ان یأتوا بمثل هـذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضـهم لبعض ظهیرا» و یونس، ۳۷ _ ۳۸.

۲- اسلام در قرون وسطا، ص ۹۳.

۳- الدوله و الدین، ابوعلی طبری، صص ۴۴ و ۴۵ به نقل از اسلام در قرون وسطا، ص ۹۳.

است، نام های دیگری نیز دارد که نمایاننده ی وجوه گوناگون این مصحف شریف است. برخی از آن ها عبارت است از: فرق گذارنده میان حق و باطل (الفرقان)، سرچشـمه ی همه ی کتاب ها (ام الکتاب)، مایه ی رستگاری و هدایت بشر (الهدی)، منبع جوشان حکمت و معرفت (الحکمه) نصیحت گر انسان ها (الموعظه)، یاد آور نام و یاد خـدا (الذکر) و چشـمه ی فیاض نور و رحمت الهی (النور و الرحمه).

قرآن برای همه ی دوره های تاریـخ بشـری است و هر آن چه را یک تمـدن بالنـده ی بشـری بـدان نیاز داردماننـد بخش های گوناگون اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی را در بر می گیرد.

از دید اعتقادی، قرآن پیوسته انسان را به اصل و آغاز هستی فرا می خواند به همین دلیل، هر گاه چشم اندازی از نظم بشری یا اجتماعی را بیان می کنـد آن را با نام جلاله ی خداونـد پایان می دهـد. با شـگفت انگیزترین واژه ها، از وحدانیت حق پرده بر می گیرد و از عـدل و رحمت و نزدیکی او به انسـان ها خبر می دهـد. هم چنین با پافشاری بر نقش پیامبران در سـرنوشت بشـر انسـان ها را به امامت و ولایت رهنمون می سازد. افزون بر آن، جهان پس از مرگ و روز جزا حساب را فرا روی انسان ترسـیم می کند و بر وجود جن و فرشتگان، مهر تأیید می گذارد.

قرآن در قلمرو عبادت نیز انسان را به انجام آن چه مایه ی نزدیکی جسـتن به ذات بی نیاز الهی است، فرا می خواند و از هر آن چه مـایه ی دوری از اوست، بـاز می دارد. در این زمینه نماز را نردبان صـعود و معراج آدمی معرفی می کنـد و به روزه چونان عاملی برای زدودن زنگارهای دل و جان آدمی

می نگرد. هم چنین دعا را مغز و حقیقت عبادت می شناسد و آن را آموزه ای پویا می داند.

یکی دیگر از مهم ترین پیام های قرآن، اخلاق است. نظام اخلاقی قرآن، نظام اخلاقی عینی و مبتنی بر عینیت جهان آخرت است که در آن، نیکوکاران پاداش می گیرند و بدکاران به کیفر می رسند. بر همین اساس، قرآن انسان ها را به احسان، صله ی رحم، خوش گفتاری و خوش رفتاری و راست گویی فرا می خواند و از زشتی هایی هم چون: دزدی، قتل نفس، زنا و... باز می دارد. هنجارهای اخلاقی قرآن، با قوانین شریعت اسلامی پیوستگی مشهودی دارد که گاه آشکارا و گاه به کنایه بیان شده است.

قرآن درباره ی زندگی اجتماعی نیز آدابی بیان کرده و همه ی رفتارهای اجتماعی مانند: ازدواج، طلاق، خرید، فروش و... را زیر پوشش گرفته است، به گونه ای که اسلام را می توان زنده ترین، اجتماعی ترین و پویاترین ادیان جهان به شمار آورد. افزون بر آن، قرآن با پرداختن به تاریخ زندگانی پیامبران الهی و امت های آنان و چگونگی رویارویی اینان با طاغوت های زمان خود، به بیان عادی واقعیت های تاریخی بسنده نکرده و پی آمدهای اخلاقی و معنوی آن را نیز در نظر داشته است.

بنابراین، قرآن مهد تکوین و تشریح آموزه ها و انگاره های تمدن اسلامی است که با بارور ساختن اندیشه ی انسان ها و آفرینش نیرویی قدسی در وجودشان، آنان را به بهره گیری شایسته از مواهب خدادادی طبیعت _ که به یک معنا همه مسلمانند _ رهنمون می سازد. قرآن، آدمی را به طور هم زمان به دو مقوله ی اشراق، شهود، تزکیه ی روحی و تجربه و حس فرا می خواند و

ریشه ی جدا انگاری این دو را در تجزیه ی ناصواب جهان و غفلت از وجود وحدانی اللّه می داند.

«قرآن به صورتی شگفت به تجربه و حس فرا خوانـد و حتی سوگندهای خویش را با نام اشـیای طبیعی و محسوس یاد کرد از آسـمان و فجر دم می زد و از آفرینش و صورت گری در رحم سـخن می گفت. خلقت شتر و زنـدگانی مورچگـان و زنبوران عسـل را به یاد می آورد. به چگونگی پرواز پرنـدگان اشاره می کرد و از شـکفتن دانه در زمین و خوشه ی گنـدم و خرمابن و انجیر و زیتون سـخن می گفت. چرا؟ برای این که مردمان در چگونگی آفرینش آن ها بیاندیشـند و از کنار هیـچ پدیـده ای به سادگی نگذرنـد. این موضوع ها، هسـته ی اصـلی بسـیاری از دانش ها بود که در روزگاران بعـد در فرهنگ اسـلام پیـدا شد، رواج گرفت و با دید علمی ــ اسلامی بررسی گشت.»(۱)

گفتنی است اگر قرآن به عالم معنا، اصالت می دهد، جهان ماده را نیز با اهمیت می پندارد؛ زیرا این جهان را بستر ساز فضیلت های الهی ــ اخلاقی عالم معنا می داند. قرآن به دوگانگی های تضادآور، باور ندارد و می کوشد بشـر هماره در حال تلاش و تکاپو برای بهره وری از نعمت های پروردگار باشـد. ساختار انـدیشه ی قرآن، جهالت سوز و دانش پرور است. به عدالت باور دارد و بـا احترام نهادن به کرامت انسانی، انـدیشه محور است. محمـدرضا حکیمی درباره ی پی آمـدهای تمـدن ساز قرآن در جهان اسلام می نویسد:

قرآن به جای تاریکی، نور؛ به جای شب، روز؛ به جای ظلم، عدل؛ به جای

---

۱- دانش مسلمین، ص ۵ .

تعدی، احسان؛ به جای خشونت، لطف؛ به جای فریاد جباران، اذان؛ به جای غفلت، بیداری؛ به جای جهالت، فرزانگی و به جای جهل، علم را جای گزین ساخت و بانگ یگانگی خانواده ی بشری را سر داد.(۱)

## ب _ سنت

ب _ سنت

سنت پس از قرآن دومین و مهم ترین منبع مسلمانان برای برداشت و دریافت احکام کلی اسلام است. هرچند قرآن و سنت مکمل یکدیگرند، ولی کاملاً از همدیگر مشخص و متمایزند. دل بستگی مسلمانان به شخص برگزیده ی خداوند و بنیان گذار دعوت جهانی اسلام _ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله _ و الگو قرار گرفتن آن حضرت از سوی پروردگار، کردار و گفتار ایشان را نزد همه ی مسلمانان حجت آور ساخته است. به مجموع سیر و سلوک رفتاری رسول گرامی اسلام سنت گفته می شود و گفتار او را حدیث می نامند. شیعیان افزون بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امامان دوازده گانه ی خویش را معصوم می دانند و به حجیت گفتار و کردار آنان باور دارند.

هر چند سنت در بیش تر موارد، معنای پیش گفته را در بر دارد، درباره ی مشیت اللّه (قوانین عمومی خداوند) و مشیت الهی درباره ی اقوام پیش از اسلام _ که تغییرناپذیر بوده _ به کار رفته است.(۲)

سنت نبوی از دو بخش تشکیل یافته است:

---

۱- دانش مسلمین، ص ۶ .

۲- ر. ک: فاطر، ۴۳؛ اسراء، ۷۷؛ فتح، ۲۳؛ انفال، ۳۸، به نقل از دین، امت و اسلام، ص ۳۴.

۱ _ احکام امضایی: این بخش از احکام، دادن هویتی تازه به آداب متداول عرب آن روزگار بود که با روح اسلام سازگاری داشت.

۲ _ احکام تأسیسی: قوانینی است که اسلام، خود آن را بنیان نهاده است.(۱)

سنت در دیدگاه شیعه، گستره ی فردی و زمانی بیشتری دارد؛ از نظر اشخاص، چهارده معصوم را در بر می گیرد و از نظر زمانی، دامنه ی آن تا سال ۲۶۰ ه . ق کشیده شده است. گفتنی است مکتب شیعی، این موضوع را یکی از ویژگی های خود به شمار می آورد. باید دانست در حوزه ی اهل سنت و تشیع، کتاب های پر شماری برای معرفی سنت و سیره ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله نگاشته شده است.

### ج _ حدیث

ج _ حدیث

حدیث همان سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان دوازده گانه _ در دیدگاه تشیع _ است که همه ی اصول و فروع اسلام را در بر دارد. به همین دلیل، باید آن را نخستین تفسیر گر قرآن کریم و منبع بزرگ اندیشه ی اسلامی انگاشت. یکی از نویسندگان معاصر در این باره می نگارد:

هیچ زمینه ای در اندیشه ی اسلامی نیست که حدیث به عنوان مکمل و متمم یا شرح و تفسیر کلام مخصوص خداوندی در قرآن کریم، نقش مهمی در آن ایفا نکرده باشد.(۲)

---

۱- این موضوع میان سنت و قرآن، مشترک است.

۲- جوان مسلمان و دنیای متجدّد، سیدحسین نصر، برگردان: مرتضی اسعدی، ص ۳۱.

محدثان مسلمان در طول سه قرن نخست تاریخ اسلام گفتار پیامبر عظیم الشأن اسلام را گردآوردند که صِحاح ستّه(۱) در میان اهل سنت و کتب اربعه(۲) در میان شیعیان، ره آورد این تلاش هاست. تلاش محدثان مسلمان با گستردگی و سامان یافتگی بیشتر تاکنون نیز جریان دارد. برای نمونه، به دلیل راه یافتن روایت های دروغین به حوزه ی حدیث، علم حدیث و شناخت روایات و اسناد آن و احوال راویان به طور تخصصی از همدیگر جدا گردید و علومی مانند: علم رجال، درایه و مصطلح الحدیث پدید آمد. این کار با توجه به شرایط زمانه و اهمیت جداسازی احادیث صحیح و متقن از روایات سست و ضعیف نقش به سزایی یافته است.

### د ـ شریعت

د ـ شریعت

شریعت، برآیند قرآن و سنت و تجسم عینی مشیت خداوند برای جامعه ی بشری است. گزاره ی اصلی شریعت این است که تنها خداوند، شایستگی قانون گذاری دارد؛ زیرا او بر همه ی جنبه های زندگی آدمی اثر گذار است و هیچ عاملی نمی تواند از میزان نقش او در نظام تکوین و تشریع فرو بکاهد.

---

۱- صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن نسائی، سنن ابن ماجه، مسند احمد، سنن ابی داود، دایره المعارف فارسی، گروه نویسندگان، تهران، ۱۳۵۶، شرکت، سهامی کتاب های جیبی، ج ۲، ص ۱۵۵۵.

۲- «الکافی» نوشته ی شیخ کلینی؛ «مَنْ لایحضره الفقیه»، نوشته ی شیخ صدوق و «استبصار» و «تهذیب» نوشته ی شیخ طوسی.

باید دانست هر چند شریعت بر اصول ثابت غیرتاریخی استوار است، ولی این مسأله، به ایستایی آن نمی انجامد.

نخستین آموزگار بزرگ شریعت، امام صادق علیه السلام است که فقه شیعه ی دوازده امامی را به دلیل انتساب به ایشان فقه جعفری می نامند. تلاش آن حضرت، پی گیری نهضت علمی پدر بزرگوارش، امام باقر علیه السلام به شمار می رود. گفتنی است بسیاری از پیشوایان مذاهب اربعه، از محضر ایشان دانش آموخته اند.

عبادات، معاملات و اجتماعیات، قلمرو شریعت را شکل می دهند و نماز، روزه، زکات، عشر (در مذهب اهل سنت)، خمس (در مذهب شیعه) قصاص و دیات، نکاح، طلاق و جهاد، بازتاب آن ها هستند. برای نمونه، اسلام هنگام تبیین واژه ی جهاد، هم به مفهوم بیرونی و هم درونی آن نظر دارد و اصطلاح جهاد اکبر و جهاد اصغر بدان دلیل وضع شده است. جهاد اصغر؛ یعنی مبارزه، پایداری و پاسداری از دین حق و فرو نشاندن طغیان ستم کاران. جهاد اکبر نیز تلاش هم درونی انسان برای مهار نفس طغیان گر و شیطان و نفس است تا ملکات نفسانی در وجودش گرد آید و رذایل اخلاقی از او زدوده شود. بنابراین جهاد افزون بر یک انگاره ی سیاسی و اجتماعی، آموزه ای اخلاقی است و در ساخت تمدن اسلامی، نقشی شگرف و بنیادین دارد. یکی از نویسندگان غربی در این باره می نویسد:

در حال حاضر، مسلمانان انواع فعالیت های تمدنی و فرهنگی را جهاد می نامند. حتی به حرکت در آوردن انرژی برای کارهای بزرگ را که در استقلال اقتصادی کشور مؤثرند و دعوت به علایق فرهنگی و احساسات مدنی و قومی

را به جهاد متصف می کنند؛ چه دعوت به جهاد در بسط و توسعه ی امکانات، پیشرفت، تهیج احساسات و پایداری، بسیار نافذ و مؤثر است.(۱)

اخلاق، جنبه ی دیگری از شریعت است که بر همه ی عرصه های کار و کوشش مسلمانان سایه گستر است. در اخلاقیات اسلامی، امر بی روح مکانیکی یا کورکورانه وجود ندارد. شریعت، سلطه ی کور انسان بر دیگر مخلوقات خداوند و استثمار لجام گسیخته ی آن ها بدون توجه به تکالیف انسان در برابر ایشان را نمی پذیرد. جامعه ی شریعت مدار، جامعه ای آزاد از قید بندگی غیر خدا، شرک زدا و توحید پرور است. در این جامعه یگانگی و برادری و همبستگی بر اساس عبودیت ذات هستی بخش شکل می گیرد و جامعه از دو عنصر تشکیل می گردد: امت و خانواده. شالوده ی شریعت تمدن زای اسلام بر اساس نژاد، قبیله، لباس و صنف خاصی نیست بلکه بر پایه ی ایمان و عمل، پی ریزی گشته است.(۲)

شریعت با پسندیده دانستن سنت ازدواج، علقه های جنسی را به صورت اخلاقی قانون مند به رسمیت می شناسد. هم چنین تعدد زوجات را برای مرد می پذیرد، به شرط آن که عادلانه رفتار کند و استطاعت آن را داشته باشد.

بر خلاف مسیحیت، طلاق در اسلام حرام نیست، ولی ناپسندترین کارهاست. شریعت اسلامی با حساسیت بسیار به مسأله ی احترام گذاردن به پدر و مادر می نگرد، به گونه ای که پس از پیروی خدا از نیکی به پدر و مادر،

---

۱- اسلام، دین و امت، ص ۱۳۷.

۲- حجرات، ۱۳: «ان اکرمکم عنداللّه اتقیکم».

سخن به میـان می آورد. در منطق اخلاـقی اسـلام، بینوایـان، در راه مانـدگان، یتیمان، نیازمنـدان و همسایگان، جایگاه ویژه ای دارند.

اقتصاد جنبه ی دیگری از شریعت اسلامی است. اسلام، اقتصاد را زیر بنا و محور اساسی مسایل نمی داند، ولی از نقش حساس آن در سرنوشت جـامعه نیز غافـل نیست. عـدالت، روح و روان اقتصـاد اسـلام است. از این رو، بایـد میـان تلاـش فرد و ثروت انباشـته از آن، تعـادل برقرار باشـد. به همین دلیـل، اسـلام، ربـا را حرام دانسـته و روابـط انسـانی را بر مجموعه ی فعـالیت های اقتصادی، حاکم ساخته است. در این بینش، مالک حقیقی خداست و دیگر مالکیت ها، قراردادی و اعتباری اند.

در حوزه ی سیاست همانند اقتصاد، حاکمیت از آن خداست. دین و سیاست با هم اختلافی ندارند، بلکه در برخی امور به طور کامل در هم تنیده اند. نهاد حکومت باید سـرشتی دینی داشـته باشد و منبع مشروعیت آن، قدرت خداوند است. نوع نگرش به انسان، دیگر موضوع پر اهمیت در شـریعت اسـلامی است که پایه ی اصلی تمدن سازی آن نیز به شمار می رود. نگاه اسلام به انسان، دیدگاهی دو سویه است. از یک سو، آدمی کارگزار و جانشـین خداوند در روی زمین، جلوه ای از زیبایی زیبای مطلق و نمودی از کمـال کمـال مطلق؛ یعنی خـداست. پس خـدا برای آشـکار سـاختن کمـال خود و پرورش انسان کامل، آدمیان را آفریده است. از سوی دیگر، انسان، عبد خدا بوده و کمال او نیز در پیروی محض از ذات لایزال او نهفته است. باری، والاترین مقـام، مقـام عبودیت است، آن گونه که شـریف ترین و برترین پیامبر، حضـرت محمـد صـلی الله علیه و آله، بارها بـدین نام پر شکوه عبدالله خوانده شده است.

## ۴ ـ روز رستاخیز

۴ ـ روز رستاخیز

از دیگر اصول تمدن پرور و انسان ساز اسلام، باورمندی مشتاقانه به جهان واپسین و روز رستاخیز است. این باور شور آفرین و اندیشه برانگیز چونان جویباری همیشه روان، کالبد تمدن اسلامی را در بر می گیرد، خس و خاشاک ماده گرایی و گرد و غبار پوچ گرایی را از وجود آدمی می سترد و بر شتاب حرکت تمدنی مسلمانان می افزاید.باید دانست در تمدن اسلامی، ایمان به جهان آخرت در کنار باور به خدای یگانه از جایگاه پر ارجی برخوردار بوده و بر همه ی عرصه های زندگی مسلمانان سایه گسترده است. در مقابل، تمدن غرب با تمام توان نقش خرد نیرومند متعالی؛ یعنی خدا و آن چه با او پیوند دارد، به ویژه جهان پس از مرگ و جاودانگی روح آدمی را انکار می کند. پی آمد چنین رفتاری، پیدایش نابسامانی، کاستی و گسست های فراوانی است که فرهنگ و تمدن غرب را به سوی نیستی کشانده است. در لوای همین نارسایی ها، نحله ها و آیین های تازه سر بر می آورد و انگاره سازی های ناشایسته و بدعت گرایانه در حوزه ی دین رو به فزونی می نهد.

اندیشه ی اسلامی، زندگی آدمی را در چارچوب دنیای خاکی، محدود نمی سازد، بلکه افق نگاهش بسی دور دست ها را می نگرد و به جاودانگی روح انسان، ایمانی راسخ دارد. این دیدگاه، به خداوندی باورمند است که صفت عدالتش، پر طنین ترین و عینی ترین صفات اوست. بنابراین، میان عدالت خداوندی و جهان واپسین، پیوندی دو جانبه و معنادار پدیدار می شود. خداوند، جهان را بر پایه ی عدالت آفریده است و بر پایه ی عدالت اداره می نماید و اقتضای این عدالت آن است که جهانی دیگر نیز آفریده شود تا

عدالت در آن، عینیتی تمام یابد. به همین دلیل، قرآن از اشاره هایی صریح به مرگ، روز قیامت حساب رسی کردار و داوری خداوند، سرشار است. بسیاری از قوانین اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و سیاسی بر پایه ی همین نگرش حساب رسانه به کردار آدمی در جهانی ماورای جهان طبیعت، سامان یافته اند.

دنیا مزرعه ای است که بذرهای نیکی و بدی آدمی در آن روید. بنابراین، خداوند برای آن که حقیقت کردار آدمی را به او بنمایاند و پاداش و کیفر آن را بدو بچشاند، رستاخیزی بزرگ فراهم می آورد. آن گاه که هنگامه ی رستاخیز رسد، بر صوراسرافیل دمیده می شود و همگان می میرند. سپس با دمیدنی دوباره، از گورها بر می خیزند و از نو برانگیخته می شوند و به سوی صحرای محشر به حرکت در می آیند. بدین گونه قیامت کبری بر پا می شود و انسان دیگر بار بازگشت جسمانی و روحانی را به حیات تجربه می کند؛ زیرا پیش از آن نیز قیامت صغری ــ عالم برزخ ــ را پشت سر گذارده بود. همان گونه که قرآن نیز بدان خبر داده است صحنه های قیامت بیشتر صحنه هایی هراس انگیز و دلهره آورند و البته مؤمنان واقعی از آن در امانند.(۱)

در قیامت، نهان های ناپیدا و رازهای نهفته آشکار می گردند و انسان را از کردار خویش، راه فراری نیست. اعضا و جوارح آدمی به سخن در می آیند و هر آن چه را برایشان گذاشته است، باز می گویند.

این روز، گاهِ جدایی و گسستن پیوندهای دوستی و خویشاوندی است که هیچ یک به کار نمی آیند.

---

۱- انبیاء، ۱۰۳؛ «لا یحزنهم الفزع الاکبر و تتلقیهم الملائکه».

در این روز، کردار آدمی به میزان سپرده می شود و نیک از بد و سره از ناسره متمایز می گردد. «به عقیده ی برخی مفسرین، خود اعمال آدمی است که برای این توزین زنده می شوند. اعمال نیک به صورت نورانی روی کفه راست و اعمال پلید به صورتی موحش روی کفه ی چپ.»(۱) بنابر روایاتی دیگر، برخی انسان ها در این روز به صورت حقیقت کردارشان و به شکل و شمایل حیوانات بر انگیخته می شوند. در روز قیامت کارنامه ی عملکرد انسان را به گونه ای شفاف در دستانش می نهند.(۲) آنان که کفه ی کردار نیک شان، سنگین تر باشد و کارنامه به دست راست شان داده شود، به بهشت(۳) خدا راهنمایی می شوند که همه ی نعمت های الهی را در بر دارد و آنان که کفه ی کردار ناشایست شان، سنگین تر باشد و کارنامه به دست چپ شان داده شود، به دوزخ(۴) (جهنم) خواهند رفت. گفتنی است آنان که به خدا، ایمان دارند، در دوزخ جاودان نخواهند ماند و پس از تطهیر گناهان، به بهشت باز خواهند

---

۱- اسلام، دین و امت، ص ۱۰۲.

۲- حاقه، ۲۹؛ انشقاق، ۱۱.

۳- توبه، ۹ و ۷۱؛ رعد، ۱۳ و۲۳؛ نحل، ۱۶ و ۳۱؛ کهف، ۱۸ و ۳۱؛ مریم، ۱۹ و ۶۱؛ص، ۳۸ و ۵۰؛ نازعات، ۷۹ و ۴۱؛ مائده، ۵ و ۶۵؛ بقره، ۲ و ۲۵؛ آل عمران، ۳ و ۱۳۳ و ۱۳۶؛ به نقل از المعجم المفهرس لمعانی القرآن العظیم، محمد بسام رشدی الزین، اشراف، محمد عدنان سالم، دمشق، سوریه، دارالفکر، ۱۴۱۶، ج ۱، صص ۲۹۲ _ ۲۹۶.

۴- حجر، ۱۵ _ ۴۳ و ۴۴؛ نحل، ۱۶ و ۲۹؛ غافر، ۴۰ و ۷۶؛ توبه، ۹ و ۴۹؛ عنکبوت، ۲۹ و ۵۴، بقره، ۲ و ۲۰۶؛ نساء، ۴ و ۱۶۹؛ اعراف، ۷ و ۱۸؛ انفال، ۸ و ۱۶؛ مریم، ۱۹ و ۸۶ و...، به نقل از: المعجم المفهرس لالفاظ القرآن العظیم، ج ۲، صص ۱۱۷۲ _ ۱۱۷۶.

گشت. در کنـار صـحنه هـای بیم آور و اضـطراب آمیزی که از قیـامت وجود دارد، تصویرهـای ناب، زیبا و روح پرور از بارقه های رحمت و عفو غفار توبه پذیر نیز به چشم می خورد و به طور کلی صحنه ی قیامت، صحنه ی آشکار شدن عدل و رحمت پروردگار قدیم است.

باور داشـتن معاد در دسـتگاه اندیشه ی تمدن اسلامی، ارزش والایی دارد و برای انسان مسلمان، مسؤولیت آور و تعهد زاست. امروزه از دیدگاه جامعه شـناختی، احساس مسؤولیت افراد و ملت ها نسـبت به فرهنگ و تمدن خویش، رکن مهم تمدن سازی است که مسلمان را به شناخت افزون تر خویشتن، محیط زندگانی و خدای متعال فرا می خواند.

از یک سو، انسانی که باورمندانه به جهان پس از مرگ می نگرد، در برابر کردار خویش، سزا و کیفری عینی می بیند که هیچ گاه از آن رهایی نـدارد. او همیشه یک دسـتگاه قاعـده منـد، نظاره گر و نقاد را در ژرفای دل خویش می یابـد و می کوشد با رنگ و تعهد خدایی بیشتری در راه زندگی گام نهد.

از دیگر سو، آموزه ی سترگ رستاخیز زندگی دنیوی آدمی را از گرداب مخوف پوچی، بی هدفی و پایان پذیری می رهاند و حس جاودانگی و پایـداری به او می بخشـد. آرامشـی شـگرف و درونی برای بنیان گذاری تمدن ها که در پرتو ایمان به معاد پدید می آید، همواره در امتداد پویایی تمدن اسلام جاری است و به رویش باورها و ساز واره هایی ستبر می انجامد.

در مقابل، انسان غربی به د لیل باور نداشـتن به جهان واپسین، نا امیدانه می کوشد به زندگی خود رنگ جاودانگی دهد. یکی از اندیشمندان غرب دیده ی مشرق باور در این زمینه می نویسد:

بـدون واقعیـت هـای اخروی دیگر تعلیم هـای دینی، بخش اعظم نفـوذ الزام آور و نیرومنـد خـود را از دست می داد و کشـش روحی و معنوی زندگی بشـر در این جهان که جزء اساسـی از واقعیت بشـر بودن است، از دست می رفت و زندگی بشـر از هر گونه معنـای غـایی تهی می شـد. این پوچی بـدان سـبب گریبان بشـر را می گرفت که قطع نظر از هر گونه توفیق انسان در این جهـان، همواره مسـلم و قطعی است که این توفیقـات، سـرانجام در خود خواهـد اَفسـرد و محو خواهـد شـد. عظیم ترین دسـت آوردهـای مـادی افراد بشـر و یـا حتی کـل تمـدن های بشـری در معرض از دست رفتن و پژمردن است و النهایه نیز عملاً چنین خواهـد شـد. تنهـا به مـدد واقعیت های اخروی است که دوام و ابـدیت و جاودانگی اعمال بشـر در کانون توجه انسان قرار می گیرد.(۱)

بنابراین، باور داشتن رستاخیز، سرمایه ی اصلی انسان مسلمان است که پیوند دهنده ی روح اصلی آموزه های اسلامی با اجزای این تمدن است. این باور، به زایش همیشگی مسؤولیت برای انسان مسلمان می انجامد.

## ۵ _ امامت، ولایت و خلافت

۵ _ امامت، ولایت و خلافت

یکی از آموزه هـای اثر گـذار در شـکل گیری ساختار تمـدن اسـلام و مسـلمانان، موضوع امامت امت، خلافت و ولایت است. ولایت از نظر اثرگذاری در تمدن مسلمانان از دو دیدگاه قابل بررسی است: ولایت عرفانی و ولایت سیاسی.

تشیع، در موضوع ولایـت عرفـانی، امامـان معصوم خویش را پس از پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله دارای تکامـل انسانی می داند. از این رو، انسان ها برای دست یابی به رویکرد تکامل جویانه باید از انوار درخشان این انسان های کامل بهره گیرند

---

۱- جوان مسلمان و دنیای متجدد، صص ۶۵ _ ۶۶.

و به غنـای وجودی و پرورش الهی برسـند. این معنـا در نگرش صوفیـانه و یا عارفانه ای که به ویژه خود را به علی علیه السـلام منتسب می دانند ــ شـیعه یا سـنی ــ بسـیار به کار رفته است و یکی ازآموزه های مهم آنان به شـمار می رود. نقطه ی اوج این آموزه ها را در شعر جلال الدین محمد مولوی آشکارا می توان دید.

نقش امامت، خلافت و ولایت در ساختار تمـدن اسـلامی و مسـلمانان انکار ناشـدنی است و با توجه به بافت و ساخت قبیلگی، قومی و مـذهبی مردمـان آن زمـان، ویژگی هـای توده وار مردم این زمـان، اهمیت جایگـاه رهبران و نخبگـان در جـامعه هـای انسانی بیش از پیش آشـکار می گردد. در میان اهل سـنت، خلافت با ابوبکر آغاز می شود و پس از او هر آن که زمام امور را در دست گرفته است، خلیفه است. در مکتب خلفا، برتری علمی، عـدالت و فقاهت، شـرط امامت و خلافت نیست و امام با سـه روش زیر به امامت برگزیده می شود.

۱ ــ انتصاب از سوی خلیفه ی پیشین

۲ ــ انتخاب مردم یا اهل حل و عقد

۳ ــ پیروزی نظامی و به دست گرفتن قدرت.(۱)

در این نگرش، هر کسـی بتوانـد با یکی از روش های یاد شده، خلافت مسـلمانان را به چنگ آورد امام بر حق و مشـروع امت اسـلامی است و پیروی از او واجب خواهد بود. همین پدیده به پیدایش سلسـله های فاسد و سـتم گری هم چون بنی امیه و بنی عباس در تاریخ اسلام انجامیده است.

---

۱- نقش ائمه در احیای دین، سید مرتضی عسکری، جزء ۱۱ مجموعه ی دوم، مجمع علمی اسلامی، چاپ سوم، ص ۵۴ ــ ۵۸، با تلخیص.

در مکتب شیعه، امامت و خلافت بر پایه ی نصب الهی و پذیرش شعورمند و مشتاقانه ی مردم بنا نهاده شده است. در این دیدگاه، امامت، نظام امت اسلامی است و جامعه ی بدون امام عادل، پویایی لازم و نقش آفرین را نخواهد داشت. «امامت نوعی مسؤولیت است. آن هم مسؤولیتی فراگیر که منشأ حرکت و مصدر دمیدن روح به کالبد اجتماع است و آن را از گرایش به سوی امر منفی و نامطلوب بازمی دارد و به جانب تکامل و مقاصد عالی انسانی و الهی رهنمون می شود.»(۱). همین معنا در سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام، فراوان به چشم می خورد.(۲)

امام باید عادل، عالم، فقیه، دارنده ی کمال انسانی و توان مند در اداره ی جامعه بوده و از ناشایستی های اخلاقی به دور باشد. عصمت در فلسفه امامت شیعی نقشی پر رنگ دارد؛ زیرا هیچ گاه خطا و گناهی از روی عمد یا سهو از امام علیه السلام سر نمی زند.

دانش، بصیرت، پاکزادی و عدالت با والاترین مرتبه ی آن در وجود امام به چشم می خورد و او واسطه ی خدا و خلق اوست. امام مفسر قرآن و امامت مهم ترین رکن اسلام است. امام مبدأ و مصدر انسجام بخشیدن اعضای

---

۱- امامت و رهبری، محمد حسین مختاری، تهران، انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۱۰۳.
۲- نهج البلاغه، برگردان: محمد دشتی ص ۲۶۸، خ ۱۴۶: «مکان القیم باالامر مکان النظام من الخرز لیجمعه و یَضُمّهُ فان انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب. ثم لم یجتمع بحذا فیره ابدا؛ جایگاه رهبر چونان ریسمانی محکم است که مهره ها را متحد می سازد و به هم پیوند می دهد. اگر این رشته از هم بگسلد، مهره ها پراکنده می شود و هر کدام به سویی خواهند افتاد و هرگز گرد هم نخواهند آمد».

جامعه ی اسلامی برای ره سپردن به سوی مهم ترین رکن تمدن؛ یعنی تکامل معنوی است. با امامت، گوهر اصلی دین که قوام هر جامعه و تمدن بزرگی بدان وابسته است، از گزند کج روی های فکری در امان می ماند. چنین امامتی، ستم گری و ستم پذیری را بر نمی تابد و برای برپایی عدالت اجتماعی و بنا نهادن حاکمیت نظم و قانون در جامعه گام برمی دارد. این گونه امامت، استقلال همه جانبه ی امت اسلامی را وجهه ی همت خود قرار می دهد و در فراهم آوردن آزادی و امنیت همگانی از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. امامت شیعی هیچ چیز را برتر از حق و حقیقت نمی انگارد و همه ی تلاش های آن به عزت مندی مردم و اعتلای کلمه اللّه معطوف است.

تشیع در راستای بینش ولایت مدارانه اش که در آن، حقوق حقیقی و انسانی بشر از جایگاه والایی برخوردار است، به تداوم رهبری امام عادل و عالم در زمان غیبت امام دوازدهم باور دارد. بر اساس این باور، امامت امر در زمان غیبت مهدی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف بر عهده ی فقیه عالم، عادل، شجاع، توانا، مدیر و مدبری است که زمام امور مردم را با رضایت آنان به دست می گیرد.این ساختار سیاسی، تمدن اسلامی ـ شیعی را تشکیل می دهد. از این رو، «شیعه یک حزب تمام عیار است؛ حزبی با همه ی خصوصیات و ابعادی که قرآن می گوید و با همه ی ویژگی ها و مشخصاتی که در تلقی روشن فکر امروز، سنگر نجات انسان هاست. حزبی است که هم تحقق عینی آن حزب الهی است که قرآن از آن سخن می گوید و هم پاسخ گوی نیاز این نسل مسؤول روشن فکر است در آگاهی دادن و حرکت بخشیدن به توده های جامعه ی

**متحجر».**(۱)

---

۱- شیعه مجموعه آثار ۷، علی شریعتی، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۷۸، چ ۷، ص ۱۶.

## بخش سوم: ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان

### اشاره

بخش سوم: ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان

زیر فصل ها

ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان

## ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان

### اشاره

ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان

زیر فصل ها

۱ ـ جهان بینی

۲ ـ اخلاق

۳ ـ پیوند دین و دانش

۴ ـ پیوند عقل و دین

۵ ـ پیوند دین و دنیا

۶ ـ نخبگان

۷ ـ یکپارچگی اجتماعی

### ۱ ـ جهان بینی

۱ ـ جهان بینی

تمدن های جهانی، از ویژگی هایی تشکیل یافته اند که در ساحت زندگی بشر تأثیر شگرفی دارند. ویل دورانت، نویسنده ی «تاریخ تمدن» هشت عنصر: کار، دولت، اخلاق، دین، علم، فلسفه، ادبیات و هنر را عوامل سازنده ی تمدن می داند و بر این باور است که همه ی این ها از مشرق زمین به مغرب زمین انتقال یافته اند. در این میان، دین را باید مهم ترین، فراگیرترین و اثرگذارترین آن ها دانست. از دیر باز تاکنون دین و جهان بینی دینی بر جنبه های گوناگون زندگی آدمی اثر نهاده و تمدن های دیرپا و کهنی را پی ریخته است که هر یک به گونه ای، سرشتی دینی دارند. پس مذهب و دین داری با نخستین لحظه ها و حلقه های زندگانی آدمی گره خورده است و هیچ فرهنگ وتمدنی را نزد هیچ قومی نمی توان یافت مگر آن که گونه ای از مذهب در آن وجود داشته است.(۱) دورکیم در این باره می نویسد:

مذهب یک بنیاد اجتماعی است و با وجود تغییرهایی که در سازمان اجتماع رخ می دهد، مذهب همواره وجود خواهد داشت و اصولاً به عقیده ی جامعه شناسان، همه ی جوامع بشری دارای مذهب بوده اند.(۲)

۱- دو مذهب، جان راپورت، به نقل از: نقش پیامبران در تمدن انسان، فخرالدین حجازی، تهران، ۱۳۵۰، انتشارات بعثت، چ ۱، ص ۵۸.

۲- نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۵۸.

اوون پالو می گوید مذهب برای بشر چنان فایده ای دارد که اگر مذهبی در جهان وجود نداشت، انسان برای حفظ مصلحت خود نیز باید چیزی شبیه آن راپدید می آورد.(۱) دین، ساختار زندگی آدمی را سامان می دهد و نگرش او را نسبت به جهان تنظیم می کند. افزون بر آن، راه کاری اعتدالی برای هم آهنگ سازی رفتارهای اجتماعی به شمار می رود و با لبریز ساختن روح تشنه ی آدمی از آموزه های ملکوتی و ماوراء طبیعی، او را از سرگشتگی نجات می بخشد و بیم و امیدی هیجان آور را در جان او جاری می سازد. بنابراین، دین از شؤون قطعی زندگی انسان است و زندگی بدون آن مفهومی ندارد. دیدگاه دین نسبت به حقیقت نهایی و مطلق با محدودیت متعارض است. به همین دلیل دامنه ی پرواز روح آدمی را چنان فراخی می بخشد که به کم تر از دیدار مستقیم حقیقت، قانع نمی شود.»(۲) روان شناسان، حس دینی و حقیقت جویی را یکی از خواسته های عالی بشر به شمار آورده اند و بر این باورند که دین در زندگی بشر، جایگاه پویا و ویژه ای دارد و دیگر عرصه های اجتماعی را نیز در اختیار می گیرد.

شناخت جهان بینی یک تمدن، ما را در فهم سازواره ها و انگاره های آن تمدن یاری می دهد و به شناخت هر چه بیشتر عناصر پی آمدهای آن می انجامد. پنینک تن می گوید:

---

۱- نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۵۸.

۲- احیای فکر دینی در اسلام، محمد اقبال لاهوری، به نقل از: نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۵۴.

اگر کسی جهان بینی و کیهان شناسی یک فرهنگ را درک کند، می تواند دقت و صحت منطقی برای پیش بینی رفتار و انگیزش های خود در ابعاد دیگر را به دست آورد.(۱)

از این رو باید گفت دین، باطن هر تمدن و روح اجتماع است. دین، مایه ی پیوند نسل های آدمیان و همه ی انسان ها با یکدیگر است. به عنوان مثال «از روی غار نوشته های کروماگنون اولیه در جنوب فرانسه گرفته تا نوشته های کنونی، آثار کشش شدید انسان ها به دین، خانواده، و جامعه را می توان مشاهده کرد. هر نسل داستان هایی را درباره ی موسی، بودا، مسیح، محمد صلی الله علیه و آله، برای کودکان نسل بعدی خود تعریف کرده است.(۲) جامعه شناسان نیز نظریه های مشابهی دارند. سن سیمون می گوید که آیین و عقاید، پشتوانه ی اخلاق و معنویت بوده است. لوباک، تایلور و فریزر بر این باورند که بنابر تحقیقات مردم شناختی، پیشینه های دانش و هنر و اندیشه امروزی به اعتقادات و آیین های کهن دینی بر می گردد.(۳)

در پرتو همین اشتراک و عقیده و توحید در پرستش، پایه ریزی تمدن ها و جامعه ها امکان پذیر خواهد شد. در حقیقت، دین عامل پیدایش، پیوند و گسترش ملیت ها است. در میان ادیان جهان، چهار دین بزرگ و فراگیر اسلام،

---

۱- ارتباط بین فرهنگ ها، ص ۱۶۱.

۲- ارتباط بین فرهنگ ها، لاری اسماور و دیگران، برگردان: غلامرضا کیانی و سیداکبر میرحسینی، تهران، باز، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۶۰.

۳- دین و جامعه، مقصود فراستخواه، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷، چ۱، ص ۱۲۷.

مسیحیت، یهودیت و بودا از اهمیت ویژه ای برخوردارند که نوشته های مقدس، کارگزاران دینی و مراسم های سنتی و شیوه ی اندیشیدن عامل کلی پیوند آن ها به شمار می روند.

در این میان، دین اسلام، پویاترین ساختار تمدن آفرین در جهان کنونی به شمار می رود که افزون بر هدایت مردم به سوی مبدأ یگانه، رهنمودهای اجتماعی،سیاسی و اقتصادی فراوانی که بشر ارایه می دهد. در اسلام دین و حکومت با هم پیوند خورده اند و دین جزئی از زندگی نیست، بلکه تمام آن است. ایمان دینی در ساختار فکری و معنوی اسلام، نقشی حرکت آفرین، نیروزا و همه جانبه دارد. ایمان در لغت به معنای «خود را به مرجعی سپردن» و «اعتماد کردن به آن» است.(۱) و در فرهنگ اسلامی خواه به باور داشتن به آفریدگار جهان و جهان پس از مرگ و مبادی مذهب و خواه مربوط به درستی و اصالت هر مکتب و ایده ای، تعبیر می شود.(۲)

واژه ی ایمان با مشتقات ان، ۸۵۰ بار در قرآن مجید آمده است. ایمان دینی، اندوه را می زداید نومیدی را می میراند و به انسان پایداری می بخشد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

ولا تَهِنوا و لا تحزنوا و انتم الا علون ان کنتم مؤمنین.(۳)

سست نشوید و اندوهگین نشوید؛ زیرا شما برترید اگر دارای ایمان باشید.

---

۱- اسلام، دین و امت، ص ۱۸.

۲- علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۴، ص ۵۱.

۳- آل عمران، ۱۳۸.

یا در قرآن کریم چنین آمده است:

هوالذی ایدک بنصره و باالمؤمنین.(۱)

او کسی است که تو را به یاری خود و مؤمنان تأیید کرد.

در دیـد قرآن همین بـاور مسـتحکم به مسـلمانان، توان حرکت، دفـاع، جهـاد، مقاتله و مجاهـده می دهـد و این گونه است که نیروی ۲۰ تن از مسـلمانان بر ۲۰۰ تن از کافران چیرگی می یابـد.(۲) این ایمان دینی به صورت ناب و برجسـته در انـدیشه ی شیعی نمایانده شده است.

## ۲ _ اخلاق

۲ _ اخلاق

اخلاـق فردی و اجتمـاعی تنظیم و تحکیم کننـده ی روابـط میـان فردی، میـان گروهی و میان جامعه ای است. ویل دورانت در تعریف اخلاق و ارتباط آن با تمدن چنین می نگارد:

اخلاـق عبـارت است از همکـاری فرد بـا عموم و هم چنین همکـاری و تعاون هر دسـته ای با دسـته و اجتماع بزرگ تر. به این ترتیب باید گفت که پیدایش مدنیت بدون اخلاق امکان پذیر نبوده است.(۳)

اساسا بدون در نظر گرفتن آموزه ها و هنجارهای اخلاقی، بنا نهادن تمدنی ماندگار، ناممکن است. البته همان گونه که اخلاق در بنیاد تمدن ها مؤثر است،

---

۱- انفال، ۶۲.

۲- انفال، ۶۵.

۳- تاریخ تمدن مشرق زمین گاهواره تمدن، ویل دورانت، ص ۴۶ _ ۴۷.

تکاپوی تمدن ها نیز به رشد و گسترش آموزه های اخلاقی می انجامد. اخلاق از دیرباز در جامعه های بشری نقش داشته است، به گونه ای که انسان های اولیه نیز با برخورداری از عواطف و احساسات انسانی، رفتارهای اجتماعی ویژه ای داشته اند. ویل دورانت می نویسد:

مقررات و قوانین اخلاقی قدیم و جدید از لحاظ مضمون و محتویات و شیوه ی اجرا با یکدیگر تفاوت زیادی دارند، ولی دشوار است که بگوییم اخلاق جدید عالی تر از اخلاق قدیم است.(۱)

بدین ترتیب، گستره ی اخلاقیات، تاریخ بشر را در بر می گیرد. از دیگر سو، دین نیز هماره با تاریخ آدمیان همراه بوده است. پس باید با بررسی رابطه ی دین و با اخلاق، پی آمدهای در هم آمیختن این دو را در نهاد تمدن اسلام و مسلمانان برشماریم. اخلاق در رویش و پویش خود، از دین جدا است، ولی همواره در کالبد آن رشد کرده است؛ زیرا دین سرشتی آسمانی دارد و با تقدیس و تحکیم مقررات اخلاقی، بنیادهای اخلاقی را نیرومند می سازد. در بینش ادیان توحیدی به ویژه اسلام، جهان، نظامی اخلاقی است و معیارهای سنجش خوبی و بدی و زشتی و زیبایی، معیارهایی اصیل و پیوند خورده با مشیت الهی اند. و به نهاد و درون آدمی وابسته نیستند. این ساختار بر پایه ی نگرش هدف دارانه به جهان بنا نهاده شده است؛ زیرا در این صورت، آموزه های اخلاقی با آن هدف ارتباط می یابد و بر اساس آن تعریف می شود نه بر اساس خواسته های ناپایدار بشری. هم چنین در این بینش اختیار، زیربنای

---

۱- تاریخ تمدن مشرق زمین گاهواره تمدن، ویل دورانت، ص ۶۸.

اخلاق اسلامی شمرده می شود؛ زیرا شرط مسؤولیت اخلاقی، داشتن اختیار است و تنها با وجود اختیار می توان آدمی را در برابر کردارش کیفر کرد، پاداش داد، نکوهید یا ستود.

امتیاز بزرگ نگرش دینی به اخلاق این است که اخلاقیات را از مبنای استواری در سرشت ناپایدار جهان برخوردار می سازد. چنین نگرشی عینی خواهد بود، در حالی که رهیافت اخلاقی تمدن کنونی غرب، رهیافتی ذهن گرایانه و به گونه ای مطلق، انسان مدارانه است. «اگر به تمدن های بزرگ و تاریخ بشر نگاهی بیافکنیم، خواهیم دید اعتقاد به این که جهان، نظامی اخلاقی است، بخشی از میراث فکری یا فرهنگی همه ی ملت های بسیار متمدن است. این اعتقاد نه تنها جزیی از دین مسیحیت [و اسلام] است، بلکه در ادیان قدیم به اشکال گوناگون و در فلسفه ی افلاطون و ارسطو نیز ظاهر شده است.(۱)

با آغاز رنسانس و پیدایش عصر نوین، به مدد تلاش های گالیله و سپس نیوتن، دانش بشری گسترش یافت و پاره ای پندارهای علمی و جهانی، دگرگون شد. انسان غربی بر پایه ی بینش اومانیستی خود، به انکار اخلاق مندی نظام جهانی و عینی بودن اخلاق برآمده از این نظام پرداخت و رویکرد ذهنی گرایانه ای را در پیش گرفت. در حالی که میان یافته های علمی و مسایل اخلاقی هیچ ارتباط و ملازمه ی منطقی وجود ندارد و این گذار بیشتر احساسی روان شناختی است. با این حال، مفاهیم علمی، بر اندیشه های اخلاقی، اثر

---

۱- دین و نگرش نوین، والتر ترنس استیس، برگردان: احمد رضا جلیلی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷، چ۱، ص ۱۷۲.

نامطلوبی داشته و فروپاشی باورمندی به نظام اخلاقی جهان را سبب گشته اند. ذهنی گرایی اخلاقی بدین معناست که اخلاق هیچ مبنای دیگری جز خواسته ها و رفتارهای انسان ندارد. توماس هابز؛ فیلسوف انگلیسی جوهر نخستین این اندیشه را در قرن هفدهم پی ریزی کرد و انسان شناسان، جامعه شناسان و فیلسوفان غربی به ویژه پوزیتیویست ها (اثبات گرایان منطقی) آن را پرورانده و گسترش داده اند. همان گونه که والتر ترنس استیس؛ فیلسوف تجربه باور انگلیسی _ آمریکایی می گوید:

آمال و آرمان های اخلاقی، شالوده ی عمیق تری در دین دارند و نهایتا از دین سرچشمه می گیرند. می توان پنداشت که ارزش های اخلاقی، ذهنی اند و جهان، نظام اخلاقی نیست و با این همه اخلاقی را که در همه جا معتبر است، پذیرفت ولی ارزش های اخلاقی عملاً عینی اند و جهان یک نظام اخلاقی است، به گونه ای که نگرش کهن تر درباره ی اخلاق که اخلاق را مبتنی بر دین می داند، نسبت به نگرش صرفا طبیعی گرایانه، فهم درست تر و عمیق تری هم در باب اخلاق و هم در باب جهان در اختیار می گذارد.(۱)

سوگ مندانه تر آن که این ذهنی گرایی بی درنگ به نسبی گرایی اخلاقی انجامیده است و بر پایه ی این آموزه، هیچ ارزش و حقیقت ثابت و استواری وجود ندارد که با کمک آن درباره ی باورهای اخلاقی گوناگون به داوری بپردازیم. ما این واقعیت را می پذیریم که موضوعی ممکن است در یک فرهنگ خوب و در فرهنگ دیگر، بد انگاشته شود، ولی این مسأله نشان نمی دهد که

---

۱- دین و نگرش نوین، والتر ترنس استیس، برگردان: احمدرضا جلیلی، ص ۴۱۹.

اخلاق نسبی است؛ زیرا ممکن است یکی از این دو نادرست باشد و کسانی که به خوبی آن باور دارند، از کنه آن آگاهی نداشته باشند.

ساختار اندیشه ی تمدن اسلامی، به اخلاق مندی و هدف داری نظام جهانی و عینی بودن ارزش های اخلاقی آن باور دارد و تمدن سترگش را بر پایه ی این آموزه ی تعالی و فرهنگی بنا می نهد. اخلاقی که اسلام از آن سخن می گوید، از ژرفای وجود و فطرت آدمی بر می خیزد، ولی در نهاد ثابت جهان، ریشه دارد و به ستبری و نیرومندی و تعالی بخشی هنجارهای اخلاقی کمک می کند. سازواره های اخلاق تمدن زای اسلام، مجموعه ی فراگیری از نیازهای روحی و روانی و مادی و الهی انسان را در حوزه ی اخلاق فردی و اجتماعی به نمایش می گذارد. اسلام؛ مدارا، سعه ی صدر، برادری و تساهل و تسامح را الگوی اخلاق دینی معرفی می کند و پیامبر اسلام را به دلیل آوردن چنین مجموعه ای از اخلاق فردی و اجتماعی، رحمتی برای همه ی جهانیان (نه تنها مسلمانان) می داند:

و ما ارسلناك الا رحمه للعالمین.(۱)

قرآن، یکی از مهم ترین عوامل پیشرفت اسلام را ویژگی های اخلاقی پیامبر دانسته است:

فبما رحمه من اللّه لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لا نفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفرلهم و شاور هم فی الامر.(۲)

---

۱- انبیاء، ۱۰۷.

۲- آل عمران، ۱۵۹.

هم چنین می فرماید:

لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم.(۱)

اسلام دین داری را جبری نمی داند بلکه با آزاد دانستن آن تقلید در اصول را جایز نمی شمارد:

لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی(۲)

خدا در قرآن می فرماید:

قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر.(۳)

بنابراین سادگی احکام و مدارا در درون اسلام نهفته بوده و با آن همراه است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

امرنی ربی بمداراه الناس کما امرنی باداء الفرائض.(۴)

پروردگار مرا به مدارا و نرمی با مردم دستور فرمود هم چنان که به انجام واجبات امر کرد.

ایشان در سخنی دیگر می فرماید:

مداراه الناس نصف الایمان و الرفق لهم نصف العیش.

مهربانی و سازگاری با مردم، نیمی از ایمان و نرمی با آنان، نیمی از برکت

---

۱- توبه، ۱۲۸.

۲- بقره،۲۵۶.

۳- کهف، ۲۹.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۱۷، حدیث ۴۳.

زندگی است.

در بینش تمـدن ساز اسـلام، رفق و مدارا و سـهل گیری و خوش رفتاری به مؤمنان و مسـلمانان محدود نمی شود، بلکه همه ی مردم از اهل کتاب و حتی مشرکان و کافران را در بر می گیرد.

این فراز از نامه ی علی علیه السلام به مالک اشتر بسی عبرت آموز و گویاست:

ای مالـک قلبت رااز رحمت و محبت و لطف به مردم، آکنـده سـاز. مبـادا چون گرگ، فرصت طلبـانه، حقوق آنـان را پایمـال کنی؛ زیرا مردم دو گونه اند:یا مسلمان و برادر دینی تواند و یا نامسلمان که در آفرینش مانند تواند.(۱)

جرجی زیدان نویسنده ی مشهور عرب در این باره می نویسد:

چه کسـی می تواند منکر تأثیر دادگستری و پرهیزگاری و خوش رفتاری مسـلمانان باشد؟ و چه کسـی می تواند منکر شود که بزرگان اسلام در آغاز کار دارای این صفات نبودند؟

رعایای ایران و روم که تحت استیلای مسـلمانان در می آمدنـد، از دوزخ جور و ظلم به بهشت عدل و انصاف انتقال می یافتند و هر گاه سپاهیان اسـلام برای کشور گشایی از پایتخت خود(مـدینه) بیرون می آمدنـد، توشه ی راه شان، پند و اندرز بزرگان دربـاره ی خوش رفتـاری با زیردسـتان بود.(۲) همین نیـک رفتـاری سـبب شـد میخاییـل؛ سراسـقف بزرگ انطاکیه پس از فتح انطاکیه به دست مسـلمانان، سـتم گری های رومیان را برشـمارد و فرزندان اسـماعیل (مسلمانان) را نجات بخش مردم بداند. بر اثر همین آزاد اندیشی اسلامی بود که مردم حمص

---

۱- نهج البلاغه، نامه ی ۵۳.

۲- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ص ۵۲.

دروازه های شهر خود را به روی لشکر هرقل بستند و به مسلمانان پیام فرستادند که حکومت و عدالت آنان از ستم و اجحاف رومیان، محبوب تر است. همین اخلاق کریمانه و منزلت بخش است که مردم اردن را وامی دارد هنگام گذشتن سپاه ابوعبیده از آن سامان، نامه ای بدو بنگارند و بنویسند :

ای مسلمانان شما نزد ما از رومیان محبوب ترید. هر چند آنان هم کیش مایند. شما نسبت به ما باوفاتر، عادل تر و نیکو رفتارترید.(۱)

### ۳ _ پیوند دین و دانش

۳ _ پیوند دین و دانش

دانش از ارکان اساسی تمدن به شمار می آید، به گونه ای که ترسیم دورنمایی از تمدن بدون دانش و فن آوری ناممکن است. تمدن جهانی اسلام در پایه ریزی و گسترش علوم و فنون، نقش سترگی دارد و برترین و پرارج ترین آموزه ها را داراست. اسلام، دانش را جزو جدایی ناپذیر خود می داند و آن را به خوبی می پروراند.

دگرگونی های فکری به ویژه در سده ی اخیر، پی آمدهای فراوانی برای جامعه های اسلامی داشته و پرسش هایی را فراروی فرهیختگان و نوجویان مسلمان قرار داده است. امروزه پرسش هایی مانند موارد زیر، توجه همه ی اندیشمندان مسلمان را به خود معطوف کرده است: نسبت دین با دانش چیست؟ آیا نگرش دینی می تواند به تمدن آفرینی و تمدن گستری بپردازد؟ آیا باید نگرش علمی را حفظ کرد و نگرش دینی را به حاشیه راند؟ آیا دین، عامل

---

۱- الدعوه الی الاسلام، توماس آرنولد، برگردان به عربی: دکتر حسن ابراهیم حسن و دیگران، قاهره _ مصر، مکتبه النهضه المصریه، چاپ دوم، ۱۹۷۵، ص ۷۳.

عقب ماندگی جامعه های مسلمان بوده است؟ آیا نگرش علمی و نگرش دینی با یکدیگر تعارضی دارند؛ تعارض دانش اسلامی با دانش غربی چگونه است؟ نظر اسلام درباره ی دانش چیست؟

این پرسش ها که به شیوه ای نوین از زادگاه مدرنیسم _ غرب _ به جامعه های شرقی و اسلامی، راه یافته است، پاسخ هایی جامع، کامل و استوار می طلبد. برای بررسی نقش همبستگی دین و دانش در تاریخ و نهاد تمدن مسلمانان و تبیین دیدگاه اسلام درباره ی این پرسش ها باید نگاهی کاوش گرانه به فرهنگ و تاریخ رنسانس و مدرنیته بیافکنیم. نخستین پرسشی که باید بدان پاسخ گفت این است که آیا دانش اسلامی هم وجود دارد یا نه؟ آیا می توان دانش را به اسلام منتسب کرد؟

در پاسخ باید گفت دانش تنها تشریح و گستردن یافته های تجربی نیست؛ زیرا اگر چنین بود، به اسلامی و غیر اسلامی، دینی و غیر دینی یا شرقی و غربی تقسیم نمی شد. امروزه دانش به ارایه ی نظرهای جهان شمول می پردازد و ایدئولوژی ها و بینش های گوناگون نیز با برداشت متفاوت خویش از دانش، راهی جداگانه را بر می گزینند. با توجه به این موضوع، باید وجود دانش اسلامی را در برابر دانش غربی بپذیریم. به دیگر سخن باید بگوییم دانش اسلامی و دینی، سرشتی قدسی دارد که در کالبد جهان بینی اسلامی و الهی، رشد می یابد و آن را بازتاب می دهد.

در مقابل، دانشی که تمدن غرب می پرورد با داشتن نگرش طبیعی گرایانه و ماشین مدارانه به جهان، در تحلیل پدیده ها، همه چیز را تا حد مناسبات اتم گرایانه و زیست شناسانه فرو می کاهد و به قداست زدایی از علوم،

می پردازد. در دانش اسلامی، کاوش در طبیعت جامعه و انسان در چارچوب جهان بینی دینی و نگرش غایت مدارانه به جهان، انجام می پذیرد، ولی در دانش غربی، روح دینی و غایی از پیکره ی دانش سترده می شود و با دین زدایی (سکولاریته) در جنبه های گوناگون آن نگرش آدمی به جهان، تجربی می شود و هر آن چه غیر تجربی است، انکار می گردد. این نگرش مادی انگارانه و علم زده، پس از رنسانس و در پی دست آوردهای علمی افرادی هم چون: کوپرنیک، کپلر، گالیله، دکارت و نیوتن روی داد و خاستگاه آن نیز علم قرن هفدهم است این در حالی است که بسیاری از اینان خود در شمار دین داران قرار دارند.

برای نمونه بارکلی (۱۶۸۵ _ ۱۷۵۳ م) که با مادی گرایی توماس هابز مخالف بود، آشکارا انگیزه ی خود را مبارزه با شک گرایی، الحاد و بی دینی معرفی می کند. امانوئل کانت (۱۷۲۴ _ ۱۸۰۴ م)؛ فیلسوف بزرگ آلمانی که نویسنده ی «دین و نگرش نوین» او را رهبر تنها قیام عمومی و بزرگ بر ضد طبیعی گرایی در دوره ی نوین می داند.(۱)

باید دانست در عرصه ی پاسخ به چالش های پدید آمده میان دین و دانش، نحله های چهارگانه ای در جهان غرب و اسلام پدیدار گشت که اینک آن ها را بر می شماریم:

۱ _ گروه نخست به تعارض دین با دانش باور دارند و هر گونه تعامل و نزدیکی میان این دو را مردود می شمارند. هواداران این گزینه، خود دو گروه

---

۱- دین و نگرش نوین، ص ۳۰۵.

متعارضـی هسـتند که در دو سوی این جریان جای می گیرنـد. این دو گروه عبارتند از: مادی گرایان و نص گرایان افراطی که هر دو با اهدافی کاملاً متباین و رو در رو بدان باور دارند.

۲ ــ رویکرد اسـتقلالی به دین و دانش، دومین رهیافتی است که با مستقل دانستن حوزه های هر یک از این دو به تبیین ارتباط میان دین و دانش پرداخته است. بیشتر دانشمندان باورمند به خدا در جهان غرب، چنین دیدگاهی دارند.

۳ ــ سومین رویکرد، به تعامـل و گفتگو دربـاره ی پیش زمینه هـا و تجربه های مشترک دین و دانش، و هم گرایی آن ها باور دارد. پاپ ژان پل دوم، رهبر کاتولیک های جهان از هواداران این نظریه است.

۴ ــ واپسـین ره یـافت، دیـدگاه وحـدت گرایـانه میان دین و دانش است. در این بینش، جهان یک کل تجزیه ناپـذیر است که همه ی اجزای آن با هم پیوند دارند و دین و دانش هر دو در مقام تبیین یک جهانند.

دیـدگاه اسـلام در این باره وحـدت انگار است؛ یعنی سـرشتی معنوی به دانش می بخشـد و روح اشـراقی در آن می دهـد. در مقابل، دانش غربی با گرایش مادی گرایانه ی خویش به قداست زدایی و غایت زدایی از دانش می پردازد. امروزه محدودیت علوم تجربی و حسـی و نـاتوانی آن ها در پاسـخ گویی به همه ی نیازها و نادانسـته های بشـر، آشـکار گردیـده و خطای انسان غربی در کنار گذاردن خدا و نشاندن خود و دانش بشـری به جای آن، رخ نموده است. به همین دلیل غربیان که روح معنویت و ایمان و یقین را گمشده ی خویش می انگارند، دوباره به دین و معنویت دینی روی آورده اند و اندک اندک در صدد برهم زدن چیرگی روح دین گریزی و معنویت زدایی بر علوم هستند

اسلام هیچ گاه جدا انگاری دین و دانش را نپذیرفته و چیدن میوه هر دانش سودمندی را روا و لازم دانسته است. تمدن انسان ساز اسلام، دانش را جزء جدایی ناپذیر خود می شناسد و همگان را به دانش اندوزی و فرزانگی فرا می خواند. این پندار که اسلام، دانش را تنها علم دین یا حوزه های مرتبط با آن می داند، چنان وهم آلود است که جز ناآگاهان یا غرض ورزان، کسی دیگر نمی تواند آن را به چشم قبول بنگرد. هدف اسلام از دانش اندوزی بارها در قرآن و روایات، آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

اطلبوا العلم ولو باالصین.(۱)

دانش را بیاموزید هر چند در چین باشد.

یا

العلم ضاله المؤمن فخذوه ولو فی ایدی المشرکین.(۲)

دانش، گمشده ی مؤمن است. پس آن را بجویید هر چند نزد مشرکان باشد.

به یقین، منظور پیامبر از دانش در سخنان یاد شده، علم و معارف ویژه ی دینی نیست؛ بلکه کلیت علم سودمند را در نظر دارد. البته باید دانست اسلام، هدف اصلی از دانش اندوزی را نزدیکی به خداوند و درک عظمت او می داند، نه جانشینی انسان به جای خدا. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

ثمره العلم العباده.

---

۱- بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه . ق، ج ۱، ص ۱۸۰

۲- جامع بیان العلم و فضله، ابن عبدالبر، مؤسسه الثقافه، ۱۴۱۵ ه . ق، ج ۱، ص ۱۲۲، به نقل از علم سکولار تا علم دینی، مهدی گلشنی، ص ۶۷.

میوه ی دانش، عبادت است.(۱)

براساس گفته های قرآن و روایات، دانش، هر دو گستره ی علوم انسانی و علوم طبیعی را در بر می گیرد و به یکی از این ها محدود نمی شود. با نگاهی به آیات و روایات در خواهیم یافت که اسلام به کاوش در طبیعت به عنوان جلوه ای از جلوه های جمال و کمال الهی، اهتمام ویژه ای دارد. برای نمونه در قرآن آمده است:

و من ایاته خلق السموات و الارض و اختلاف السنتکم و الوانکم ان فی ذلک لایات للعالمین.(۲)

و از نشانه های او، آفرینش آسمان ها و زمین و گونه گونی زبان ها و رنگ های شماست. به یقین، در این دانش، نشانه هایی برای اهل دانش نهفته است.

هم چنین می فرماید:

و من آیاته خلق السموات و الارض و مابث فیها من دابه.(۳)

و از نشانه های او آفرینش آسمان ها و زمین و پراکندن جنبندگان در آن است.

یا این که فرموده است:

سنریهم ایاتنا فی الآفاق و الانفس و فی انفسهم حتی تبین انه الحق.(۴)

---

۱- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد الامری التمیمی، تصحیح سید مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ه . ق، ص ۳۲۶، به نقل از علم سکولار تا علم دینی، مهدی گلشنی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۱، ۱۳۷۷، ص ۶۸.

۲- روم، ۲۲.

۳- شوری، ۲۹.

۴- فصلت، ۵۳.

به زودی نشانه های خود را در آفاق و وجود خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان اشکار شود که او حق است.

زیباتر آن که خداوند نه تنها به طبیعت و علوم طبیعی توجه می کند بلکه با پافشاری بسیار بر آن، بشر را به پژوهش و اندیشیدن در آن فرا می خواند. آیه های زیر گواهی بر ادعای ماست:

قل سیروا فی الارض کیف بدا الخلق.(۱)

بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید که خداوند چگونه موجودات را آفرید.

فلینظرو الانسان مِمَّ خلق.(۲)

پس انسان بنگرد که از چه چیز آفریده شده است.

افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت و الی السماء کیف رفعت و الی الجبال کیف نصبت و الی الارض کیف سطحت.(۳)

آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده و به آسمان که چه سان بر افراشته شده و به کوهها که چگونه بر کشیده شده و به زمین که چگونه گسترده شده است؟

بدین ترتیب، مهم ترین عامل رویکرد اندیشمندان، فرهیختگان و دانش پژوهان مسلمان به ژرف نگری در طبیعت خدای نشان و نیز شکوفا شدن

---

۱- عنکبوت، ۱۹.

۲- طارق، ۵.

۳- غاشیه، ۱۷ _ ۲۰.

دانش مسلمانان را باید از سفارش های قرآن به کاوش در طبیعت جان دار و بی جان، تلاش برای کشف، صورت گری، نوآفرینی و بازآفرینی بدانیم. آموزه های همین کتاب شگرف آسمانی، مسلمانان را به داد و ستد علمی مبتکرانه با دیگر جهانیان واداشت و شکوفایی تمدن مسلمانان را رقم زد. درآموزه های اسلامی، دانش و دانشمند از جایگاه والایی برخوردار است، به گونه ای که قلم عالمان روشن گر و روشن اندیش از خون مقدس شهیدان به خدا پیوسته و از خود رسته، برتر شمرده شده و جایگاه دانشوران از مقام عابدان، بسی ممتازتر دانسته شده است.

اهمیت آموزش و پرورش و جایگاه دانش آموزی در گفتار و رفتار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان بلند مرتبه ی شیعه نیز به خوبی روشن است.

برای دریافتن اهمیت و رتبه ی دانش در میان مسلمانان شایسته است به جایگاه اندیشمندانی هم چون: ابوریجان بیرونی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی نزد حاکمان و مَسندداران زمان خویش اشاره کنیم. ابوریحان بیرونی به پاس نگارش کتاب قانون سعودی پیلواری از نقره به عنوان پاداش دریافت کرد که همه ی آن را به خزانه برگرداند.(۱) خواجه نصیرالدین طوسی از محل درآمدهای اوقاف بلاد اسلامی که در اختیار او بود، به علما و دستیاران خود که در رصدخانه ی مراغه سرگرم پژوهش بودند، حقوق مکفی می داد.(۲) شریف

---

۱- احوال و آثار ابوریحان بیرونی، ذبیح اللّه صفا، تهران، انتشارات اداره ی کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲، ص ۵۷.

۲- از علم سکولار تا علم دینی، مهدی گلشنی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳.

رضـی، خـانه ای به نام دارالعلم بنا کرد و آن را به دانش پژوهان اختصاص داد و هر آن چه را نیاز داشـتند، فراهم می کرد.(۱) افزون بر آن، برخی فرمانروایان مسـلمان نیز به سـبب همین شور و نشاط علمی موجود در میان مسـلمانان در راه بنیاد گذاری و گسترش فرهنـگ دانش پژوهی گام های بزرگی برداشـتند. مأمون؛ خلیفه ی عباسـی بیت الحکمه را بنا نهاد و مترجمانی را در آن گرد آورد.(۲) فاطمیان، دانشـگاه الازهر را در مصر برپا ساختند.(۳) در همین دوره، مدارس اسـلامی اندلس حلقه ی پیوند اروپا با جهان اسلام بود. ابوالقاسم موصلی کتاب خانه ای در موصل بنا نهاد که اهل دانش از سرزمین های دور دست بدان جا روی می آوردنـد و اگر دانش پژوهی، بضاعت مالی نـداشت، به او پول و کاغذ می دادند.(۴) هم چنین الحاکم باللّه خلیفه ی فاطمی در سال ۳۹۵ه . ق کتاب خانه ی بزرگی در قاهره بنیان نهاد که به دارالحکمه قاهره مشهور گردید.(۵)

---

۱- النظـام التربوی فی الاسـلام، باقر شـریف القرشـی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹ ه . ق، ص ۲۳۱، به نقـل از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۰۳.

۲- از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۰۳.

۳- از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۰۳.

۴- تاریخ دانشگاه های اسلامی، عبدالرحیم غنیمه، برگردان: نوراللّه کسایی، تهران، انتشارات یزدان، ۱۳۶۴، ص ۹۲.

۵- تاریخ دانشگاه های اسلامی، عبدالرحیم غنیمه، برگردان: نوراللّه کسایی، تهران، انتشارات یزدان، ۱۳۶۴، ص ۲۰.

باید گفت فرهنگ و تمدن اسلامی از همه ی ابزار و وسایل درون زای خود برای گسترش دانش بهره برده است. یکی از نمودهای این موضوع، وقف است که در عرصه ی دانش و دانش پروری و جهل زدایی، نقش بسیار برجسته ای دارد. موقوفات نظامیه ی بغداد، رصد خانه ی مراغه و جامع الازهر نمونه هایی از کاربرد وقف در زمینه ی یاد شده است. سخت کوشی و پایداری دانشمندان مسلمان در راه فراگیری دانش، گویای جنبه ی دیگری از اهمیت علم در اسلام است. آنان رنج گران بار سفر را به جان می خریدند و مشتاقانه به سوی مراکز دانش می شتافتند. گفتنی است دانش پروری و توجه به دانش در کنار دیگر ساختارهای تمدنی اسلام مانند؛ ایمان، سعه ی صدر و تسامح دینی به بالندگی دست یافته است. امروزه نیز با وجود تلاش های گسترده و تبلیغات پردامنه برای سکولاریزه کردن دین و جداانگاری علم و دین، پاره ای از دانشمندان علوم طبیعی با بهره گیری از اندوخته های دینی خود به ره یافت وحدت گرایانه میان علم و دین باور دارند. در این میان، از اندیشمندانی هم چون دکتر سید حسین نصر و دکتر مهدی گلشنی می توان نام برد که در این باره، پژوهش های فراوانی انجام داده اند.(۱)

## ۴ _ پیوند عقل و دین

۴ _ پیوند عقل و دین

---

۱- ر.ك؛ علم و تمدن در اسلام، سید حسین نصر، برگردان: احمد آرام، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۰، نیاز به علم مقدس، سید حسین نصر، برگردان؛ حسن میانداری، تهران، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹؛ از علم سکولار تا علم دینی، مهدی گلشنی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.

از دیدگاه اسلام، عقل دارای حجیت ذاتی و استقلالی است و خردمداری و حرکت عقلانی، روح و روش این مکتب به شمار می رود. در بافت اندیشه ی اسلامی، خردمداری و شناخت عقلانی، جای را بر ایمان تنگ نمی سازد تا کنار گذاردن آن لازم آید. از این رو، اندیشمندان و نخبگان اسلامی که در شکل گیری تمدن اسلام و مسلمانان، نقش سازنده ای داشته اند برای جمع کردن میان عقل و دین و پاسخ گویی به ابهام ها، شبهه ها و تناقض نمایی ها، بسیار کوشیده اند.

ملامحسن فیض کاشانی، فضل خداوندی را همان عقل و رحمت الهی و شرع دانسته و پیروان شیطان را بی نصیبان از این دو معرفی کرده است.(۱) هم او فطرت را در آیه ی شریفه ی «فطرت اللّه التی فطر الناس علیها...»(۲) به معنی عقل گرفته و در تفسیر آیه ی «نور علی نور یهدی اللّه به من یشاء»(۳) آن را نور عقل و شرع دانسته است. از دید این اندیشوران، عقل گوهر ایمان و دین است و «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع، حکم به العقل». تلاش

---

۱- ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلام حسین ابراهیمی دینانی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، چ ۱، ج ۳، ص ۱۵.

۲- روم، ۳۰.

۳- نور، ۳۵.

ملاصـدرا در شـرح اصول کـافی نیز در این راسـتا گویا و نمایان است.(۱) در نمونه ای دیگر، ابن رشـد در پاسـخ به ابوحـامد غزالی که کتـاب تهـافت الفلاسـفه را نگاشـته بود، کتاب تهافت التهافت را نوشت. افزون بر آن کتاب دیگر او به نام هماهنگی میان دین و فلسـفه (فصل المقال فی ما بین الحکمه و الشـریعه من الاتصال) بر اساس همین نگرش نوشـته شـده است. هم چنین کوشش های سهروردی ــ شیخ اشراق ــ به حق یکی از بزرگ ترین جنبش های فلسفی در زمینه ی یگانگی عقل و دین است که رویکردی پویا دارد و اسـیر آموزه های ارسـطویی نگشـته است. باید دانست هواداری از عقل به فلاسـفه منحصر نبوده و در میان فقیهان و متکلمان و روشن اندیش نیز به طور جدی جریان داشته است.

هم چنین قرآن کریم با نکوهش هر گونه رهروی مقلـدانه، مسـلمانان را از دست یازیـدن به هر کاری بـدون پشـتوانه ی خرد و اندیشه، بازداشته است:

ولا تقف ما لیس لک به علم.(۲)

از پی آن چه نمی دانی، مرو.

قرآن، پیروی کورکورانه و بی اندیشه را ویژگی نادانان و مشرکان می داند:

و اذ قیل لهم اتبعوا ما انزل اللّه قالوا بل لا نتبع ما القینا علیه ابائنا او لوکان

---

۱- ر.ک: شـرح اصول کافی، ملاصـدرا، تصـحیح: محمـد خواجوی، تهران ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۸۲ و صـفحات دیگر به نقـل از ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلامحسین ابراهیمی دینانی، ج ۳، ص ۳۱۴.
۲- اسراء، ۳۶.

اباؤهم لا یعقلون شیئا و لا یهتدون.(۱)

چون به آنان گفته شود که از آن چه خدا فرو فرستاده است، پیروی کنید، می گویند: نه، ما به همان راهی می رویم که پدرانمان می رفتند، حتی اگر پدرانشان بی خرد و گمراه بوده اند.

قرآن حتی در فراخوانی به دین حق، آدمیان را از پیروی مقلدانه باز می دارد و آنان را به کاوش محققانه رهنمون می سازد؛ زیرا تنها چنین رهیافتی را فضیلت می انگارد.

قرآن، نیک اندیشان و خردورزان را به کاوش در ژرفای حقیقت دین و شناخت گوهرهای درونی آن فرا می خواند و از آنان می خواهد که از پوسته ی دین بگذرند و به ژرف ترین لایه های آن دست یابند:

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهو فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم.(۲)

چرا کوچ نکنند از هر گروه از مردم، دسته ای تا در دین تفقه کنند و چون به سوی مردم خویش بازگردند، آنان را بیم ناک سازند.

این گونه است که امام صادق علیه السلام بنیان گذار مکتب جعفری آن چنان به این کوشش عالمانه اهمیت می دهد که در موقعیتی آرزو می کند کسی تازیانه بردارد و بر سر شاگردانش فرو کوبد تا در دین آگاه شوند و در فهم درست دین بکوشند.(۳)

---

۱- بقره، ۱۷۰.

۲- توبه، ۱۲۲.

۳- اصول کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم، باب ۱، فرض العلم و وجوبُ طلبه، حدیث ۸، ص ۳۶.

اسلام مانند مسیحیت نیست که خرد انسان را در تضاد با وحی خداوند بداند و آن را به حاشیه نشینی و عزلت گزینی وادارد. اندیشمندان مسلمان مانند روحانیان مسیحی هم چون پولس قدیس، والنتیوس، تانیان، ترتولیان و پیتر دامیانی نیستند که حضور اندیشه ی بشری را به هیچ روی در حوزه ی اندیشه ی وحیانی برنتابند و آن گاه که کسانی چون قدیس آگوستین و رامون لول و قدیس توماس اکویناس، آشتی عقل و دینِ مسیحی را طرح کنند، به چنان جزم اندیشی نابکارانه ای دچار شوند که اندک مخالفتی با آموزه های ارسطویی را با آتش و اعدام، جزا دهند و راه را بر جریان سیال عقل ببندند.

جریان تمدن ساز اسلام، عقل را چراغ راه آدمی و وسیله ی رسیدن به تعالی الهی می داند. اسلام همان گونه که بر حضور همیشگی عقل نقاد، پرسش گر و حقیقت جو، پافشاری می کند، از محدودیت گستره ی شناخت آن نیز آگاه است. جریان «خِرد بَسَندگی» را نمی پذیرد و نشاندن عقل بشری به جای وحی الهی را حرکتی نازا می پندارد که افق روشنی در پی ندارد. اسلام، راسیونالیسم و عقل محوری مطلق را تباه گر سعادت انسان ها می شناسد و ایجاد تقابل میان عقل و وحی را خیانت به آرمان های بشری می داند. در منطق اسلام، عقل و وحی مکمل یکدیگرند و همین پیوند، تمدن توحیدی، اشراقی و عقلانی اسلام را بنا گذارده و به پیشرفت آن در طول دوران های گذشته انجامیده است.

استاد مرتضی مطهری با اشاره به همین منطق می نویسد:

قرآن می گوید چشمت را باز کن تا جمال مرا ببینی، گوشت را باز کن تا صدای مرا بشنوی، فکرت را باز کن تا حقایق مرا درک کنی؛ مذمت می کند آن هایی را که چشم و گوش و فکر خودشان را به کار نمی اندازند و یک

حالت تسلیم و تعبد احمقانه ای به خود می گیرند.(۱)

بنابراین، اسلام راستین و تشیع ناب، با اهمیت دادن به اجتهاد و کاوش های نوین، عقل روش مند را یکی از ارکان اصلی آن می شمارد. چنین اجتهادی، نیروی محرکه ی اسلام و عنصر ضروری دین و مذهب برای پاسخگویی به نیازهای بشری است. این گونه اجتهاد بر پایه ی به رسمیت شناختن عقل روشن مند انسانی و دست آوردهای اندیشه ی آدمی، بنا نهاده می شود، فراتر از ظاهر، به باطن می نگرد، فراتر از لفظ، معنا را در نظر دارد و با گذر از پوسته، بر هسته ی مرکزی دین دست می یابد. چنین اجتهادی، بر بینش دینی می افزاید و آن را فرا دست تعبد دینی می نشاند. این گونه اجتهاد از یک سو با واپس گرایی جمود، خشک مغزی و بی پرسش خواستن انسان ها به ستیز برمی خیزد و از سوی دیگر، با عقل خود بنیاد پر ادعا و آنارشیسم فکری، مبارزه می کند. اجتهاد اسلامی با چنین ساختاری هیچ گاه در گذر زمان دچار سستی و کاستی نمی گردد و همواره توانایی پاسخ گویی به نیازهای جدید انسان را دارد. اجتهاد خردمدار اسلامی به دور از زمان زدگی و زمان گریزی، راه اعتدال؛ یعنی زمان آگاهی را در پیش می گیرد و با پویایی و پایداری به راه خویش ادامه می دهد.

## ۵ _ پیوند دین و دنیا

۵ _ پیوند دین و دنیا

برقراری توازن میان دین و دنیا یکی از مهم ترین آموزه هایی است که در شکل گیری و گسترش تمدن مسلمانان، نقش اساسی داشته است. اگر اسلام به

---

۱- اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، تهران، ۱۳۷۷، چ ۴، ج ۱، ص ۱۳۵ _ ۱۳۶.

جدا انگاری دین و دنیا باور داشت و ساحت دینی را در تضاد با ساحت دنیوی می دید، نمی توانست تمدن شکوهمند و فراگیری در تاریخ حیات بشری رقم زند. اسلام، دینی است با آموزه هایی هم برای حیات خاکی و هم برای حیات ملکوتی آدمی که رستگاری او را در دنیا و آخرت فراهم می سازد. قرآن، با ارج نهادن به کار و تلاش در دنیا آن را مزرعه ی آخرت می انگارد. به همین د لیل، از انسان می خواهد که این چنین دست به دعا بردارد:

ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار.(۱)

از دیدگاه اسلام، دنیا به طور ذاتی، ناپسند و پلید نیست، بلکه ابزاری است برای رسیدن به هدف نهایی؛ یعنی تکامل انسان ها و دست یابی به قرب الهی. منظور از نکوهش دنیا در آیات و روایات نیز نه آفرینش دنیا، بلکه نکوهش بینشی است که دنیای غایی را جای گزین دنیای ابزاری می سازد و جایگاه هدف و وسیله را دگرگون می کند. در سیره ی پیشوایان دینی به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می بینیم که با جدیت به کار و کوشش دنیایی روی می آوردند؛ خود چاه می کندند، کشاورزی و باغبانی می کردند، به بازرگانی می پرداختند و پست های دنیوی را عهده دار می شدند. اینان این کارها را نه بدان جهت که لازمه ی زندگی است، بلکه چون فریضه ای دینی است به جای می آورند.

برای نمونه، پیامبر هنگامی که شنید گروهی از یارانش از زنان خویش دوری کرده و در کنج عزلت به عبادت پرداخته اند، آنان را بسیار سرزنش کرد. هم چنین هنگامی که «علاء بن زیاد» نزد علی علیه السلام از برادرش، عاصم به دلیل

---

۱- بقره، ۲۰۱.

دوری گزیدن از دنیا شکایت برد، آن حضرت، عاصم را فراخواند و فرمود:

یا عُدَیّ نفسه، لقد استهام بک الخبیث، اَمَا رحمت اهلک و ولدک؟ اتری اللّه احل لک الطیبات و هو یکره ان تأخذها؟ انت اهون علی اللّه من ذلک.(۱)

ای دشمن حقیر خویش، شیطان ناپاک می خواهد تو را گمراه کند. آیا به زن و فرزندت ترحم نمی کنی؟ می پنداری خداوند، چیزهای نیکو و پاکیزه را بر تو حلال کرده است، ولی نمی خواهی از آن ها بهره مند گردی؟ تو نزد خدا از آن چه می پنداری، پست تر هستی.

ایشان آن گاه که دنیا نکوهی فردی را شنید، وی را ملامت کرد و فرمود:

ای کسی که دنیا را نکوهش می کنی، حال آن که خود فریفته ی نیرنگ هایش هستی و به دروغ هایش دل باخته ای! آیا هم فریفته ی دنیا هستی و هم آن را نکوهش می کنی؟

آیا تو او را گناه کار می شماری یا او تو را گناه کار می شمارد؟ این دنیا از چه وقت عقل از سرت ربود و سرگردانت ساخت؟ از کی فریبت داد؟... دنیا برای کسی که گفتارش را راست انگارد، سرای راستی و برای کسی که حقیقت را دریابد، سرای عافیت است و برای کسی که از آن برای آخرتش توشه برگیرد، سرای توانگری و برای کسی که از آن پند پذیرد، سرای اندرز و موعظه است.(۲)

پس به این نتیجه می رسیم که اسلام تکامل یافته ترین دین الهی است که می تواند پاسخ گوی همه ی نیازهای آدمی باشد. این مکتب با برخورداری از نظام اخلاقی، اجتماعی و سیاسی توان مند، همه ی جنبه های زندگی انسان را فرا

---

۱- نهج البلاغه، برگردان: عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۲۱۶ _ ۲۱۷؛ نهج البلاغه، برگردان: محمد علی انصاری قمی، صص ۵۹ _ ۵۹۱، خ ۲۰۰.

۲- نهج البلاغه، برگردان عبدالمحمد آیتی، ج ۲، حکمت ۱۲۶، ص ۳۸۰ تا ۳۸۱.

گرفته است. بنـابراین، همـان گونه که برای اخلاقیـات و وجـدانیات آدمی برنامه دارد، برای زنـدگی اجتماعی و سیاسـی او نیز برنامه ریزی کرده است.

## ۶ _ نخبگان

۶ _ نخبگان

در شـکوفایی فرهنگ هاو تمـدن ها افزون بر عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسـی، باید جنبه های اثرگذاری شخصـیت های پر نفوذ تاریخی را در نظر گرفت. در واقع، نخبگانی که بر فراز رویـدادها قرار می گیرنـد، خود پدیـده آفرین و تاریـخ سازند. هر چنـد اینان بر بستری از شـرایط محیطی رشد می یابند، ولی حرکت و تحول آفرینی شان بیشتر مرهون شخصـیت و نبوغ درونی آنان است.

چنین فرهیختگانی همواره در سه عرصه ی دانش و اندیشه علم، فرهنگ و هنر و اجتماع و سـیاست حضور داشـته و توانسته اند بـا بهره گیری از ویژگی هـا و توانـایی هـای ذاتی و منحصربه فرد خـود، سیر حرکت تاریـخ و یـا جنبه ای از جنبه هـای آن را دگرگون سازنـد و به تکاپو وا دارند. ارزش این فرزانگان بدان دلیل است که خود تولید کننده ی فکر، مبتکر عمل و ابداع گر عرصه ای از عرصه هـای فن و صـنعت انـد. آن چه این مسـأله را در تمـدن مسـلمانان به صـورت ویژه ای پررنـگ می نمایـاند درآمیختن هر سه ساحت نخبگی در سـیمای نخبگان مسـلمان است؛ زیرا اسـلام به دلیل ساخت وحـدت گرایانه اش، بـذرهای چنیـن نخبه پروری را در اصـول خـود رویانـده است. افزون بر پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله، علی علیه السـلام و ائمه اطهـار علیهـم السـلام کـه سلسله دار علم و معرفت و حکمتنـد، بایـد به فرزانگـانی هم چـون: ابن سـینا، ابوریحـان بیرونی، محمـد بن زکریای رازی،

فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، قطب الدین شیرازی، ملاصدرا، شیخ بهایی، ابن رشد اندلسی و... اشاره کرد که جامع علوم بوده اند. هم چنین بزرگانی مانند: خوارزمی، ابن هیثم، ابوعبداللّه ادریسی ابوعبداللّه تبّانی، غیاث الدین جمشید کاشانی، ابوحامد غزالی، مسعودی، جابر بن حیان، ابن خلدون، متنبی، سیوطی، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، علامه حلی، شیخ انصاری، امام خمینی، علامه طباطبایی محمدبن ادریس شافعی، مالک بن انس، سید حمیری، ابو نواس، فرزدق، فردوسی، نظامی، حافظ، سعدی، و مولوی و... بوده اند که هر یک در یک یا چند زمینه از علوم و فنون سرآمدند.

## ۷ _ یکپارچگی اجتماعی

۷ _ یکپارچگی اجتماعی

هم بستگی و یکپارچگی از مفاهیمی هستند که بشر همواره در پی رسیدن به آن ها بوده است. با کاوش در پیش زمینه های رخ دادن جنگ ها و ستیزهای جهان در گذشته و حال در خواهیم یافت که بیشتر این جدال های خونی برای دست یابی به گونه ای هم شکلی، یک رایی و یگانگی البته از نوع جبارانه و اقتدارگرایانه اش بوده است. سیاست اصلاح نژادی هیتلر در آلمان و چنگ اندازی های او به سرزمین های دیگر، نمونه ای گویا و عبرت آموز از این موضوع است. حال اگر از این نمونه های دهشت انگیز بگذریم، باید بپذیریم که انسان بر اساس فطرت خود، هماهنگی و همبستگی با دیگران، نیاز و تمایلی جدی دارد و همواره باید برای تحکیم آن گام بردارد. از نظر جامعه شناختی، یکی از زمینه های اجتماعی دین، احساس نیاز به همگرایی و وحدت است که دین با بهترین روش و نیرومندترین ابزار، آن را به انجام می رساند و پدیده ی ملت ها

را به وجود می آورد. هر قـدر ملتی اتحاد و یکپارچگی بهتری داشـته و از قدرت بسـیج گری بیشتری بهره مند باشـند، پایداری شان افزون تر خواهد بود.

اسـلام به عنوان خـاتم ادیـان می بـایست در به هم پیوسـتگی انسان ها و از بین بردن جـدایی ها، نقش پر رنگی داشـته باشـد تا بتواند با پی ریزی بنیاد تمدن، به حرکت تمدن ساز خود، غنا، شتاب و جهش ببخشد.

به طور کلی، هر تمـدن جهان گستری در سایه ی هم رأیی هم دلی و یگانگی در ساخت سیاسـی پدید آمده است. اثر گذاری اسـلام بر پیونـد و همبستگی مسـلمانان نیز در دو زمینه قابل بررسـی است؛ نخست رهیافت وحدت گرایانه و انسـجام بخش در ساختار دینی اسـلام است. خدای واحد، بزرگ ترین آموزه ی اساسـی اسـلام است که همه چیز بر محور آن به گردش در می آیند. همه ی اشـیاء در پرتو یگانگی او وجود یافته اند و همین یگانگی را با زیباترین نوا و پر طنین ترین ندا، بازتاب می دهند. اشیاء در عین کثرت در پوششـی از وحـدت ذاتی، پیچیـده شـده اند و بر زورقی از یگانگی سوارند و همه ی دانش ها، فن ها، پدیـده ها و ساخته ها، این وحـدانیت ناب را واگویه می کننـد. این وحـدت گرایی در مبدأ و مقصد، دل را از شـرک تهی می سازد. و انسجامی متعالی و نیرومند در اجزای سازنده ی تمدن جاری می کند.

جنبه ی دیگر وحدت گرایی اسـلام در آموزه های آن نهفته است. بر این اساس، آن گاه که اسلام جلوه گر شد، وحدتی نوین در میان اعراب و دیگر مسلمانان پدید آورد بر پایه ی بینشی پیشرو و متعالی، رشته ی انسجام آنان را محکم تر ساخت.

در آموزه های حیات بخش اسلام، پافشاری بر اتحاد بر محور ایمان و برادری به خوبی آشکار است:

و اعتصموا بحبل اللّه جمیعا و لا تفرقوا و اذکرو نعمه اللّه علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمه اخوانا و کنتم علی شَفا حفره من النار فانقذکم منها.(۱)

همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و از یکدیگر جدا نشوید. بیاد آورید نعمت های خدا را بر خودتان و در آن زمانی که با هم دشمن بودید و میان قلب های شما، الفت برقرار ساخت و به موهبت آن، با یکدیگر برادر گشتید، حال آن که بر لب پرتگاهی از آتش بودید و شما را از آن برهانید.

یا:

واطیعوا اللّه و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان اللّه مع الصابرین.(۲)

از خدا و پیامبرش فرمان برید. هیچ گاه با هم نزاع و اختلاف نکنید؛ زیرا ناتوان خواهید شد و عزت و آسایش تان از بین خواهد رفت. شکیبا باشید که خدا با صبر کنندگان است.

---

۱- آل عمران، ۱۰۳.

۲- انفال، ۴۶.

# بخش چهارم: قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان

## اشاره

بخش چهارم: قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان

زیر فصل ها

## قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان

### اشاره

قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان

به یقین، حرکت پر شتاب دانش و فرهنگ اسلامی و اوج گرفتن تمدن مسلمانان مدیون ساختار درونی این دین آسمانی ــ زمینی است. دست آوردهای علوم و فنون مسلمانان همه از دولت قرآن و فروغ دامن گستر آن بوده؛ زیرا قرآن، بازتاب اصیل اندیشه ی اسلامی است و همه ی شاخه های گوناگون علوم و فنون مسلمانان از این آبشخور سیراب می گردند. باید دانست سخن گفتن از تلاش های علمی، فنی و هنری مسلمانان به معنای اسلامی بودن و تأیید آن از سوی اسلام نیست. هدف ما نیز تبیین و تشریح کوشش های پی گیر جامعه ی اسلامی برای گسترش علوم و فنون با نگاه به ماهیت اسلامی آن هاست. و هر جا که این حرکت ها با روح کلی قوانین اسلام، هم خوانی ندارد، یادآوری خواهیم کرد. هم چنین به بازخوانی نقش ایرانیان در تمدن اسلامی خواهیم پرداخت.

### الف ــ علوم دینی

#### اشاره

الف ــ علوم دینی

زیر فصل ها

۱ ــ قرائت

۲ - تفسیر

۳ ــ حدیث

۴ ــ رجال و درایه

۵ ــ فقه و حقوق

۶ ــ اصول فقه

#### ۱ ــ قرائت

۱ _ قرائت

از میـان علوم اسـلامی، نخستین دانشـی که تکوین یافت، علم قرائت و پس از آن تفسـیر بود. علم قرائت به بیان اصول و قواعد وقف، وصل، مـد، تشدید، ادغام و شـکل های گوناگون برخی واژه های قرآن می پردازد.(۱) صـحابه، قرآن را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تابعین از صـحابه آموختنـد. نخستین کسـی که درباره ی علم قرائت، کتاب نگاشت، حمزه بن حبیب بود. وی شیعه است و از قراء سبعه

---

۱- خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، چ ۱، ص ۴۰۰.

به شـمار می رود. نخسـتین کسـی که قران را گردآوری کرد و نـوشت، امیرالمؤمنین علی علیه السـلام بود. نخسـتین کسـی که قرآن را نقطه گـذاری کرد، ابوالاـسود دوئلی از اصـحاب امـام علی علیه السـلام بود. و نخستین کس که در علم قرائت، کتـاب تـدوین کرد، ابـان بن تغلب بود. نگـارش نخستین کتاب مَجازات قرآن نیز به دست فراء نحوی؛ دانشـمند شـیعی و ایرانی انجام گرفت.

## ۲ – تفسیر

۲ – تفسیر

پس از درگـذشت پیـامبر اکرم صـلی الله علیـه و آله، مردم رفته رفته از دوران نزول قرآن، دور می شدنـد و نیز مردمی از اقـوام دیگر به اسـلام می گرویدنـد که زبـان مادری آنان عربی نبود. همین دو مسأله سـبب گردیـد مسـلمانان برای فهم معانی قرآن، بیشتر بکوشند و با ژرف نگری در آن، به پیشرفت شایانی در علم تفسیر دست یابند. امیرمؤمنان علی علیه السلام پیش گام علم تفسـیر است و مفسـران بزرگی هم چون عبدالله بن عباس و ابن مسـعود، افتخار شاگردی او را داشـته اند. برخلاف نظر کسانی مانند جرجی زیدان که پیشـینه ی نگارش کتاب های تفسـیری را به اواخر قرن نخست هجری می رساند(۱)، ابن عباس، ابی بن کعب، جابربن عبـدالله انصاری و سـعید بن جبیر از نگارندگان کتاب های تفسـیری بوده اند. که در ابتدای قرن اول می زیسـته اند. در میان تابعین نیز افراد زیر در کار نگارش تفسیر دست داشتند:

---

۱– تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، برگردان: علی جواهر کلام، تهران انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳، چ ۸، ص ۴۶۷.

اسماعیل سری، مجاهد، قتاده، مقاتل، کلبی، سبعی، اعمش، ثوری، زهری، عکرمه، ابوحمزه ثمالی، فراء، ابوبصیر اسدی، یونس بن عبدالرحمان، حسین بن سعید اهوازی، علی بن مهزیار، محمد بن خالد برقی، فضل بن شاذان و... .

## ۳ _ حدیث

۳ _ حدیث

حدیث، دومین منبع علوم اسلامی است که از قول و فعل و تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام حکایت می کند. با پراکنده شدن اصحاب در سرزمین های گوناگون، احادیث پیامبر نیز در آن مناطق منتشر گشت. در این میان، هر کس می خواست حدیثی بر گنجینه ی احادیث خود بیافزاید می بایست به مناطق دور و نزدیک سفر می کرد. تشنگان علم و حدیث نیز رنج سفر را به جان می خریدند و از خرمن معرفت نبوی، خوشه می چیدند.

اهل سنت به دلیل نهی خلیفه ی دوم و وجود برخی روایات نادرست و جعلی، تا مدت یک قرن از تدوین حدیث خودداری می کردند. تا آن که عمربن عبدالعزیز _ از نوادگان دختری خلیفه ی دوم _ این سنت را شکست. در مقابل، شیعیان از همان آغاز به کار تدوین و کتابت حدیث همت گماشتند و در این راه، پیش گام بودند.

سعید بن عروبه (م ۱۵۶ ه . ق) و ربیع بن صبیح (م ۱۶ ه . ق) نخستین دانشمندان اهل تسنن بودند که به تدوین حدیث پرداختند در میان شیعیان نیز اولین و دومین کتاب حدیثی به علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیهاالسلام منتسب است.

## ۴ _ رجال و درایه

۴ _ رجال و درایه

این دو رشته ی علمی با هدف پاس داشت حریم احادیث و روایات

معصومین علیهم السلام از گزند دروغ پردازان، جاعلان و مغرضان بنا نهاده شده است. ابومحمد عبداللّه بن جبله بن حیان بن ابحر کنانی(م ۲۱۹ ق) نخستین کسی است(۱) که در علم رجال کتاب نوشت. افزون بر وی باید از افراد زیر نیز نام برد؛ شعبه (م ۲۶۰ ق) کاتب واقدی (م ۲۳۰)، ابوالقاسم کوفی، ابن فضال، ابوعبداللّه برقی، اسکانی، سیرافی، ابن غضائری، عقیقی و ابن داود.

کتاب های رجالی معتبر نیز بدین قرار است. رجال کشی، رجال نجاشی، رجال و فهرست شیخ طوسی، جامع المقال طریحی کشف المقال فی معرفه الرجال علامه حلی، معالم العلماءِ ابن شهر آشوب، تنقیح المقالِ مامقانی، منتهی المقال حائری، جامع الرواه اردبیلی، خلاصه الاقوال علامه ی حلی، اسدالغابه ابن اثیر، استیعاب قرطبی، الاصابه ابن حجر.

علم درایه عبارت است از: شناخت حدیث از نظر متن و سند و تمیز دادن درستی و نادرستی حدیث. ابوعبداللّه حاکم نیشابوری نخستین نگارنده ی کتاب در علم درایه است.(۲) به جز او از کسانی مانند: احمد بن موسی بن طاوس، شهید ثانی، پدر شیخ بهایی، شیخ بهایی، مامقانی و شیخ حسن صاحب معالم می توان نام برد.

### ۵ _ فقه و حقوق

۵ _ فقه و حقوق

فقه عبارت است از: استخراج و استنباط احکام شرعی از قرآن، سنت، اجماع و عقل. طبیعت قانون گذاری، جعل احکام کلی است و چون دین

---

۱- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، سید حسن صدر، تهران، منشورات اعلمی، ص ۲۳۳.

۲- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، سید حسن صدر، تهران، منشورات اعلمی، ص ۲۹۴.

اسلام، ابدی بوده و قوانین آن برای همیشه وضع شده است، در تاریخ تدوین فقه اسلامی به دو دوره بر می خوریم:

۱ــ دوره ی تشریع و قانون گذاری

۲ــ دوره ی تفریع و بیان فروع و مصادیق و تطبیق قانون بر موارد.(۱)

فقه اسلامی همبستگی و هم گرایی فوق العاده ای با اخلاق دارد و همین مسأله، آن را از قوانین بشری، متمایز می سازد. مسلمانان از همان قرن نخست، به اجتهاد دست یازیدند و همین مسأله به پویایی قوانین اسلامی انجامیده و به پاسخ گو بودن آن در برابر نیازهای بشری کمک کرده است. تدوین فقه در میان شیعه و اهل سنت از همان دوره ی تشریع آغاز گشت. به باور اهل تسنن، نخستین مسلمانی که اجتهاد کرد، معاذبن جبل، صحابی رسول خداست.(۲) نخستین کتاب فقهی شیعه را علی بن ابی رافع در عصر علی علیه السلام نگاشته است. هم چنین نخستین آموزگار شریعت که به طور گسترده به طرح فقه و حقوق اسلامی پرداخت، امام جعفر صادق علیه السلام است.

## ۶ _ اصول فقه

۶ _ اصول فقه

اصول فقه به تبیین قوانینی برای استنباط حکم شرعی و تفریع آن ها می پردازد و از اصول لفظیه و عقلیه تشکیل شده است.

از دیرباز تا کنون، آثارگران بهایی در علم اصول پدید آمده است که برخی کتاب های اصولی شیعه بدین قرار است: الالفاظ و مباحثها (هشام بن حکم)

---

۱- ادوار فقه، محمود شهابی خراسانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، چ ۲، ج ۱، ص ۴۴.

۲- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۲۴.

اختلاف الحدیث و مسأله (یونس بن عبدالرحمان)، الخصوص و العموم (ابوسهل نوبختی)، الذریعه الی اصول الشریعه (سید مرتضی علم الهدی)، عده الاصول (شیخ طوسی)، تهذیب الاصول (علامه حلی)، معارج الوصول (محقق حلی)، ضوابط الاصول (سید ابراهیم موسوی قزوینی)، عناوین الاصول (میر عبدالفتاح مراغی نجفی)، اشارات الاصول (حاج محمد ابراهیم کلباسی)، فصول (شیخ محمد حسین اصفهانی)، بدایع الافکار (میرزا حبیب اللّه رشتی)، قوانین الاصول (میرزا ابوالقاسم قمی)، فرائد الاصول (شیخ مرتضی انصاری)، کفایه الاصول (آخوند خراسانی)، تقریرات اصول (میرزای نائینی)، مقالات الاصول (آقا ضیاء عراقی)، اصول الفقه (شیخ محمد رضا مظفر)، تهذیب الاصول (امام خمینی«ره»).

## ب _ علوم ادبی

ب _ علوم ادبی

۱ _ ادبیات: قرآن کریم از جنبه ی ادبی نیز در بالاترین سطح قرار دارد و بیشترین تأثیر را بر ادبیات اسلامی و ایرانی بر جای نهاده است. ایرانیان پس از پذیرش اسلام، چنان با قرآن کریم انس گرفتند که در همه ی آثار خویش از مفاهیم آن بهره گرفتند و در بالندگی و رشد ادبیات عربی و ادبیات فارسی، نقشی بسزا ایفا کردند. برخی رشته های ادبی که در تمدن مسلمانان شکوفا گردید، عبارت است از: ادبیات قرآنی، ادبیات حدیثی، ادبیات نهج البلاغه، ادبیات علوم و منظومه های علمی. البته دانش های ادبی که نخست به عنوان مقدمه برای شناخت دیگر معارف پدید آمده اند، ولی بعد استقلال موضوعی یافته اند، عبارت اند از: لغت، اشتقاق، صرف، نحو، معانی، بدیع، بیان، انشاء، نقد النثر، عروض قافیه، خطاب، خط، و تاریخ ادبیات.

اینک از برخی نحویون مسلمان که ایرانی نیز هستند، نام می بریم: یونس بن حبیب (م ۱۸۳ ق)، ابوعبیده معمربن مثنی (م ۲۱۰)، سعدان بن مبارک، ابوبشر عمروبن عثمان بن قنبر، معروف به سیبویه (م ۱۸۰ ق)، سعید بن مسعده، معروف به اخفش یا اخفش اوسط (م ۲۱۵ یا ۲۲۱ ق)، علی بن حمزه کسایی (م ۲۰۰ ق)، فراء و محمدبن قاسم انباری، معروف به ابن الانباری.

۲ ـ شعر: اسلام خصایل پسندیده و استعدادها و توانایی های مردمان را به کناری ننهاد، بلکه بدان غنا و تعهد بخشید و جهت داد. شعر نیز که همدم همیشگی قوم عرب بود، از این قاعده مستثنی نبود. شعر اسلامی از نظر واژگان، زاویه ی دید، تخیل، تعبیر، تنوع، ابداع و دیگر عناصر فنّی، بسیار غنی است، به گونه ای که کمتر احساس و ساختاری را می توان یافت که شعر اسلامی از آن برخوردار نباشد. نباید پنداشت که همه ی شاعران مسلمانان این گونه بوده اند، بلکه منظور آن است که ساختار اصلی شعر مسلمانان چنین ویژگی هایی دارد. از شاعران بزرگ اسلامی به این افراد می توان اشاره کرد: حسان بن ثابت، فرزدق، دعبل خزاعی، سید حمیری، کمیت بن زید اسدی، سید رضی، کعب بن زهیر، ابن فارض، ابو علاء معزی، رودکی، کسائی مروزی، سنایی، فردوسی، ناصر خسرو، نظامی گنجوی، خاقانی، امامی هروی، فخرالدین عراقی، سلمان ساوجی، خواجوی کرمانی، سعید هروی، رکن الدین وعدیدار قمی، حافظ شیرازی، مولوی، سعدی، عبدالرحمان جامی، شاه نعمت اللّه ولی، محتشم کاشانی، شیخ بهایی، صائب، قاآنی، عارف قزوینی، محمد تقی بهار، محمد حسین شهریار، نیما یوشیج، سلمان هراتی، سهراب سپهری.

تاکنون بسیاری از دیوان های شعر شاعران مسلمان به زبان های زنده ی دنیا برگردانده شده است.(۱)

۳ _ داستان نویسی: در فرهنگ اسلامی، گروهی از ادیبان،نویسندگان و حتی فیلسوفان و عالمان اخلاق به نوشتن قصه های ادبی، فلسفی، تاریخی و اخلاقی پرداخته یا با برگرداندن برخی قصه ها به زبان خویش، قالبی گیرا و جذاب بدان بخشیده اند. داستان حی بن یقظان نوشته ی ابن طفیل اندلسی _ فیلسوف معروف _ نیز یکی از مهم ترین داستان های اثرگذار مسلمانان است. این داستان که باری فلسفی و درون مایه ای الهی دارد، تاکنون به بیش از ۱۴ زبان زنده ی دنیا برگردانده شده است و با اثرگذاری بر ادبیات داستانی و سینمای جهان غرب، از نظر فن داستان نویسی نیز جایگاه ارزنده ای دارد.(۲) از دیگر داستان های اسلامی باید به الغربه الغریبه و عقل سرخ از سهروردی، سلامان و ابسال از حنین ابن اسحاق و ابن سینا، رساله الطیر از ابن سینا و محمد غزالی، بلوهر و بوداسف از شیخ صدوق و علامه مجلسی اشاره کرد.

## ج _ علوم عقلی و عرفانی

### اشاره

ج _ علوم عقلی و عرفانی

زیر فصل ها

۱ _ کلام

۲ _ فلسفه

۳ _ عرفان و تصوف

### ۱ _ کلام

۱ _ کلام

کلام دانش اصیل اسلامی است که به شناخت استدلالی و فلسفی مبانی دین می پردازد. متکلمان اسلامی در سه گروه بزرگ جای می گیرند: متکلمان

---

۱- دانش مسلمین، صص ۲۴۶ و ۲۴۷.

۲- حی بن یقظان، فاروق سعد، صص ۲۸ _ ۳۰، به نقل از دانش مسلمین، صص ۲۲۴.

شیعی، معتزلی و اشعری. برخی مسایل علم کلام عبارت است از: وجود و عدم، امکان و امتناع، ضرورت و امکان، قدم و حدوث، وحدت و کثرت، تجرد نفس، اثبات صانع، صفات صانع، حسن و قبح عقلی، قضا و قدر، عصمت نبی، وجوب نصب امام، معاد جسمانی، حقیقت ثواب و عقاب، آمرزش، شفاعت، توبه، قبر، میزان، صراط و...

علم کلام در جدال با فلسفه، رشد فزاینده ای یافته و در این مبارزه، دست آوردهایی داشته است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام را باید نخستین کسی دانست که با تجزیه و تحلیل مسایل عقلی اسلامی، قدم و حدوث، متناهی و غیر متناهی و جبر و اختیار و مانند این ها را مطرح ساخت.(۱)

از متکلمان نامدار شیعه باید به این افراد اشاره کرد: علی بن اسماعیل بن میثم تمار که او را نخستین نگارنده ی کتاب های کلامی دانسته اند.(۲) عیسی بن روضه، معاصر منصور دوانیقی بود که نویسنده ی «تأسیس الشیعه» او را نخستین نگارنده ی کتاب های کلام معرفی کرده است.(۳) هشام بن حکم از اصحاب امام صادق علیه السلام، هشام بن سالم، مؤمن الطاق، قیس بن ماصر، محمد بن خلیل

---

۱- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۶۱، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، زین العابدین قربانی، ص ۱۳۷.
۲- الفهرست لابن الندیم، تحقیق: شعبان خلیفه و ولید محمد العوزه، قاهره، العربی لنشر و التوزیع، ۱۹۹۱ م، جلد اول، ص ۳۶۴.
۳- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۳۵۰.

سکاک،(۱) آل نـوبخت (فضـل بـن ابوسـهل بن نـوبخت، اسـحاق بن ابی سـهل بن نـوبخت و پسـرش اسـماعیل که همه ایرانی بودنـد)، فضـل بن شـاذان نیشـابوری، عبـدالرحمان بن احمـدبن حبرویه، محمـدبن عبـداللّه بن ملـک جرجانی اصـفهانی، شـیخ ابوالقـاسم رازی، ابوجعفرابن قبه ی رازی، ابوالحسن محمـد بن بشـر سوسـنگردی، شـیخ مفیـد، سـید مرتضـی، ابن میثم حرانی، ابوعلی بن مسکویه رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، علامه ی طباطبایی، شهید مطهری.

از متکلمان اهل سنت (اشعری و معتزلی) نیز باید این افراد را نام برد: حسن بصری، واصل بن عطا (بنیان گذار معتزله م ۱۳۱ ه . ق) ابوالهذیل علاف (م ۲۲۶ یا ۲۳۵ ه . ق) از متکلمان معروف معتزله و ابراهیم بن سیار نظام (م ۲۲۱ه . ق).

## ۲ _ فلسفه

۲ _ فلسفه

منظور از فلسفه ی اسلامی، ساختارهای جهان بینی و جهان شناسی چندگانه ای است که در دامان فرهنگ اسلامی، پدید آمده و قوام یافته انـد.(۲) فلسـفه به مفهوم متعـارف آن، نخستین بـار بـا ترجمه ی کتاب های یونانیان و احیانا هنـدیان آغاز گشت و فلسـفه ی اسـلامی از آن مایه گرفته است. با این حال، فلسـفه در دستان دانشوران مسلمان، شکلی دیگر یافته و در دامان فکر و معرفت اسـلامی بالیده است. بنابراین، فلسـفه ی اسـلامی همان فلسـفه ی یونانی نیست، بلکه فلسفه ی اصیل اسلامی است. باید دانست مراد ما از فلسفه ی

---

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۳۲.

۲- دانش مسلمین، ص ۲۵۸.

اسلامی این است که مسلمانان آن را با اصول اسلامی هم آهنگ دیده و پذیرفته اند. در این میان، باید به جریان هایی هم چون مکتب تفکیک اشاره کرد که منکر هم آهنگی کامل جریان های فکری و فلسفی با معارف صرف قرآنی هستند.(۱)

برآیند جریان های فلسفی را در سه مکتب مشایی، اشراقی و متعالیه می توان دید که به اختصار به آن ها می پردازیم:

۱ ـ نظام مشائی: منتسب به ارسطو است و پس از بحث و بررسی در مسایل علم منطق و روش شناسی، وارد مسایل فلسفی می شوند. برخی مسایل آن عبارتند از: چگونگی تحقق و تکوّن جسم، اثبات هیولا، محال بودن خلاء، احکام کلی جسم، صفات عناصر، ماهیت و جوهر، مبدأ حرکت، اقسام عقل، رابطه ی علم کلی با نفس مجرد، واجب الوجود و صفات آن، صنع و ابداع، حقیقت زمان، صورت عقلی.

ابونصر فارابی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی از جمله بزرگان فلسفه مشائی اسلامی هستند.

۲ ـ نظام اشراقی: منتسب به شیخ شهاب الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق است. برخی مسایل آن عبارت است از: شناخت نورالانوار، مبادی وجود انوار قاهره، کیفیت فعل نورالانوار و انوار قاهره، اصالت انوار، صفات نفس، نفی تناسخ، اثبات معاد، تأثیر علویات در عالم، سیر کمالی نفس، شر و شقاوت.

---

۱- دانش مسلمین، ص ۲۵۹.

۳ _ حکمت متعالیه: منتسب به صدرالدین محمد شیرازی (م ۱۰۵۰) معروف به صدرالمتألهین یا ملاصدرا است. این مکتب که بر پایه ی اصالت وجود بناشده است، می کوشد علوم الهی را در کسوت حکمت بحثی و نظری و حقایق کشفی را با بیان و اصطلاحات تعلیمی، عرضه دارد. کتاب اسفار ملا صدرا، بزرگ ترین منبع این مکتب است که ۴ سفر (حرکت عقلی) زیر را در بر می گیرد:

سفر اول: امور عامه

سفر دوم: علوم طبیعی

سفر سوم: علوم الهی

سفر چهارم: علم نفس و شناخت آن

می توان گفت همه ی فیلسوفان پس از ملاصدرا، از شارحان و وام داران مکتب اویند.

در همین جا باید به فلسفه ی سیاسی اشاره ای داشته باشیم. فلسفه ی سیاسی بخشی از فلسفه است ولی به دلیل اهمیت اساسی و نقش برجسته اش به چند شاخه دسته بندی می شود:

الف _ فلسفه ی سیاسی فلسفی: فلاسفه آن را پی نهاده اند و آراء اهل المدینه الفاضله (فارابی) سیاسیات شفا (ابن سینا)، تدبیرالمتوحد (ابن ماجه) از نمونه های آن به شمار می رود.

ب _ فلسفه ی سیاسی کلامی: متکلمان آن را عرضه داشته و بحث های مفصلی درباره ی امامت و سیاست ارایه کرده اند. نمونه های این مکتب را در این کتاب ها می توان جست: الشافی فی الامامه (سید مرتضی علم الهدی)،

تجریدالعقائد (خواجه نصیر طوسی)، التمهید (قاضی ابوبکر باقلانی)، الارشاد (امام بحرینی جوینی)، المغنی (قاضی عبدالجبار همدانی).

ج – فلسفه ی سیاسی فقهی: فقیهان مسلمان در باب حکومت، فلسفه سیاسی فقهی را ارایه کرده اند. تنبیه الامه از آیت اللّه نایینی و ولایت فقیه از امام خمینی رحمه الله، نمونه های برجسته ی این نظام فکری به شمار می رود.

د ــ فلسفه ی سیاسی اجتماعی: این شاخه را اصلاح گران و متفکران مسلمان، مطرح کرده اند و از میان چهره های برجسته ی این اندیشه، جدای از این که نظراتشان اسلامی یا غیرصحیح است، باید به سیدجمال الدین اسدآبادی، سید عبدالرحمان کواکبی، شیخ محمد عبده، رفاعه رافع الطهطاوی، محمد اقبال لاهوری، شیخ محمد خیابانی، سید عبدالحسین شرف الدین، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، شهید مطهری، شهید بهشتی، دکتر علی شریعتی، مهندس مهدی بارزگان، محمد رضا حکیمی، امام خمینی و ... اشاره کرد

ه ــ فلسفه ی تاریخ: ابن خلدون، بنیان گذار آن است. گفتنی است باید میان واکنش های شیعه و سنی نسبت به فلسفه، تمایز قایل شویم، اهل تسنن پس از ابن رشد، فلسفه را به کنار نهاد و جز اندکی بدان نپرداخت، ولی فلسفه در جهان تشیع در طول قرن های متمادی به عنوان سنتی زنده، تدریس می شد. ظهور ملاصدرا پس از زمانی است که آن را پایان مرحله ی باروری فلسفه ی اسلامی خوانده اند.(۱)

## ۳ ــ عرفان و تصوف

۳ ــ عرفان و تصوف

---

۱– علم و تمدن در اسلام، ص ۲۸۲.

عرفان و تصوف از دیرباز اختلاف برانگیز ظاهر شده است. عارفان افزون بر این که یک طبقه ی فرهنگی هستند، یک طبقه ی اجتماعی نیز به شمار می روند و با وجود آن که در فرقه ها و مذهب های گوناگون اسلامی، ریشه دوانده اند از هم شکلی و همبستگی ویژه ای برخوردارند. باید دانست منظور کنونی ما، جریان رسمی و سازمان یافته ی تصوف و عرفان است که با در آمدن در قالب های مشخصی تاکنون ادامه یافته و در عرصه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، اثر بسزایی بر جای گذاشته است. گفتنی است در میان گروه های گوناگون اجتماعی، انسان هایی را می توان یافت که به غایت زهد پیشه و پرواگر بوده و هستند، ولی در شکل و شمایل هیچ یک از گروه های تصوف در نیامده اند و البته همین روش با حقیقت عرفان هم خوانی بیشتری دارد. درباره ی نسبت اسلام با تصوف و تشیع با تصوف، دیدگاه های گوناگونی وجود دارد. گروهی، تصوف را برگرفته از منابع ایرانی و گروهی دیگر از منابع هندی به شمار می آورند. البته بسیاری بر سرشت اصیل اسلامی آن تأکید دارند، هر چند آن را از آموزه های ایرانی یا هندی تهی نمی دانند.(۱)

## د ـ علوم آموزشی

### اشاره

د ـ علوم آموزشی

زیر فصل ها

۱ ـ مدرسه ها

۲ ـ کتاب خانه ها

---

۱- برای آگاهی بیشتر بنگرید به: اسلام، دین و امت، صص ۲۳۱ ـ ۲۴۰؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۵۷۳ ـ ۵۷۴.

## ۱ _ مدرسه ها

۱ _ مدرسه ها

در فرهنگ اسلامی، آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام بر ارجمندی پایگاه دانش و برتری مقام دانشمندان دلالت دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را باید نخستین آموزگار و مربی امت اسلام و بنیان گذار راستین آموزش در اسلام دانست.(۱) پس از ایشان نیز تلاش های علی علیه السلام، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس تابعین در آموزش آموزه های اسلامی، نقش بسزایی داشت. مسجد نخستین پایگاه آموزشی مسلمانان است که در طول تاریخ تمدن مسلمانان، کانون پویایی و شکوفایی علمی بوده اند. مسجد نبوی، مسجد الحرام، مسجد جامع بصره، کوفه، فسطاط، مسجد الاقصی، جامع اموی دمشق، زیتونه در تونس، جامع قیروان، جامع منصور در بغداد، جامع قرطبه، جامع خاس، جامع ابن طولون، بارگاه علی علیه السلام در نجف، از مراکز مهم آموزش در طول تاریخ مسلمانان به شمار می آیند. افزون بر مساجد، باید از مکاتب خانگی یا بادیه ای و نیز آموزش ابتدایی در کاخ ها و خانه های دانشمندان نیز نام برد.(۲)

## ۲ _ کتاب خانه ها

### اشاره

۲ _ کتاب خانه ها

---

۱- تاریخ دانش گاه های بزرگ اسلامی، ص ۵۲.

۲- تاریخ آموزش در اسلام، صص ۴۰ _ ۹۸.

مسلمانان از همان آغاز با الهام از قران و احادیث به تدوین و نگارش علوم اسلامی پرداختند و در این راه، گام بلندی برداشتند. مسأله ای که برخی خاورشناسان هم چون جرجی زیدان درباره ی ممنوعیت نگارش و تدوین در زمان خلفای راشدین گفته اند،(۱) اشتباهی آشکار است. حقیقت موضوع، تنها ممنوعیت خروج صحابه از مدینه و نوشتن احادیث نبوی در زمان خلیفه ی دوم بوده است، نه بازداشتن از هر گونه نگارش آن هم در زمان همه ی خلفای راشدین.(۲) مسلمانان به کتاب نگاری و کتاب خوانی، عشق می ورزیدند و برای آن ارزش معنوی فراوانی قایل بودند. این عشق مقدس را از اشعار جاحظ به خوبی می توان دریافت.(۳) جاحظ که کوشش خود را در راه احترام به کتاب به کار می گرفت قربانی احترام به کتاب گردید. او که عادت داشت کتاب ها را گرداگرد خود بچیند یک بار ستونی از کتاب ها بر روی او فرو ریخت و او که پیری فرتوت بود، زیر آوار آن جان باخت.(۴)

کتاب خانه ها نیز نزد مسلمانان از ارزش معنوی فراوانی برخوردار بود. چنان چه هنگامی که نوح بن منصور به صاحب بن عباد پیشنهاد وزارت کرد، وی نپذیرفت. یکی از دلیل های او برای نپذیرفتن این پیشنهاد آن بود که جابه جایی

---

۱- تاریخ تمدن اسلام، ص ۴۴۸.

۲- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۹۴.

۳- الحیران، جاحظ، ناشر: عبدالسلام هارون، قاهره، ۱۹۳۸، ج ۱، صص ۵۰ _ ۵۱.

۴- تاریخ آموزش در اسلام، ص ۱۲۵.

کتاب هایش که حـدود ۴۰۰ بـار شتر بود، دشوار می نمود. بـدین گونه دانشـمند مسـلمان، مانـدن در کنـار کتاب هایش را بر وزارت برتری می داد.

## عصر ترجمه

عصر ترجمه

مسـلمین در طول حیات علمی خود هیچ گاه از تلاش باز نایسـتادند و در پرتو اعتمادبه نفسـی که از آموزه های اسلام به دست آورده بودنـد به ترجمه ی دانش ملت هـای دیگر دست یازیدنـد. نخستین ترجمه در زمان خالـدبن یزیـدبن معاویه در زمینه ی کیمیا صورت گرفت.(۱) گفتنی است نهضت ترجمه در عهد عباسـیان و زمان مأمون به اوج شـکوفایی رسید.(۲) در زمان وی گروه بسـیاری از زبان دانان و دانشـمندان از ادیان گوناگون گرد آمدنـد، تا کتاب های علمی یونانیان، هندیان و ایرانیان را در زمینه های ریاضی، فلسفه، منطق، نجوم، هیأت، پزشکی و... به عربی بر گردانند.

## تهمت کتاب سوزی مسلمانان

تهمت کتاب سوزی مسلمانان

این جـا بایسـته است از موضوعی یـاد کنیم که تا مـدت ها دست مایه ی هجوم ناآگاهان به فرهنگ اسـلامی و وسـیله ای برای اختلاف افکنی میان مسـلمانان بود. این موضوع، داسـتان های دروغین آتش زدن کتاب های کتاب خانه ی اسـکندریه ی مصر به دست عمروعـاص و کتـاب خـانه هـای ایرانی به دست سـعدوقاص است. بایـد دانست در سال های اخیر، خاورشـناسانی هم چون؛

---

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۷۱، به نقل از فهرست ابن ندیم، ص ۳۵۲.

۲- تاریخ تمدن اسلام، ص ۵۵۸.

گیبون، کارلیل، رنان، سیدلو، ماسینیون و پژوهش گرانی هم چون: شبلی نعمان، شهید مطهری و... بی بنیادی این سخنان را آشکار ساخته اند.

داستان کتاب سوزی اسکندریه را عبداللطیف بغدادی (م ۶۲۹) در کتاب الافاده و الاعتبار و پس از او ابن قضطی (م۶۴۶) در تراجم الحکماء آورده اند. به گفته ی اینان، عمروعاص پس از دریافت دستور عمربن خطاب مبنی بر سوزاندن کتاب ها، همه ی کتاب ها را میان حمام های اسکندریه تقسیم کرد تا آن ها را در مدت ۶ ماه بسوزانند!! در پاسخ به این تهمت آشکار باید گفت:

۱ ـ کتاب سوزی با روح اسلام و آموزه های دانش مدار آن همخوانی ندارد.

۲ ـ این ادعا تا قرن هفتم ه . ق در هیچ کتابی نیامده است.

۳ ـ کسانی هم چون ابن خلدون نیز آن را به صورت شایعه ای که بر سر زبان ها بوده است روایت کرده اند نه به عنوان یک رویداد قطعی.(۱)

۴ ـ نوشته های قرن هفتم ه . ق در متن خود از دروغ های یقینی و تناقض های فراوان، آکنده اند که همین مسأله، اعتبار آن ها را خدشه دار می سازد.

۵ ـ کتاب خانه ی اسکندریه تا پیش از ورود اسلام، چندین بار آتش گرفته و هنگام فتح مصر، اثر چندانی از آن کتاب خانه ی بزرگ برجا نمانده بود.(۲)

درباره ی آتش سوزی کتاب خانه های ایران نیز باید به موارد زیر اشاره کرد:

---

۱- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۰۹.

۲- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی ص ۲۹۶.

۱ ــ گفته ی حاج خلیفه در کتاب کشف الظنون (قرن ۱۱) کاملاًـ بی اعتبار است؛ زیرا او یک فهرست نویس بوده است نه تاریخ نگار. البته وی نیز به صورت قطعی، اظهار نظر نکرده است، بلکه می گوید «گفته می شود» و هیچ سند و مدرکی نیاورده است.

۲ ــ تاریخ نگاران، آمار هیچ کتاب خانه ای را در ایران ضبط نکرده اند.

۳ ــ گفتار ابن خلدون درباره ی کتاب سوزی در ایران با فعل مجهول آغاز می شود که خود بی پایه بودن آن را نشان می دهد. افزون بر آن، وی این مطلب را در مقدمه ی خود آورده و در تاریخ خود، هیچ اشاره ای بدان نکرده است.

۴ ــ منبع گسترش این شایعه، شعوبیه بوده اند(۱) که برای خدشه دار کردن اعراب به هر کاری دست می یازیده اند.

### ه ــ علوم پزشکی

#### اشاره

ه ــ علوم پزشکی

زیر فصل ها

۱ ــ پزشکی

۲ ــ داروشناسی و داروسازی

۳ ــ جراحی

۴ ــ گیاه شناسی

۵ ــ بیمارستان ها

۶ ــ نوآوری در پزشکی

#### ۱ ــ پزشکی

۱ ــ پزشکی(۲)

طب یکی از شناخته شده ترین جنبه های تمدن اسلامی و شاخه های علمی است که مسلمانان در آن به درخشندگی ویژه ای

دست یافته اند. آثار پزشکان

---

۱- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۰۷.

۲- ر.ك: تاریخ تمدن اسلام، صص ۶۱۰، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، سیریل الگود، برگردان باهر فرقانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱؛ تاریخ بیمارستان ها در اسلام، احمد عیسی بك، برگردان: نوراللّه کسایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱؛ الحضاره العربیه، جاك ریسلو، بیروت، منشورات عدیرات، ۱۹۹۳، چ ۱، صص ۱۹۵ _ ۲۱۰؛ علم و تمدن در اسلام، صص ۱۷۴ _ ۲۲۰، تمدن اسلام و عرب، صص ۶۲۸ _ ۶۳۷.

مسلمان در قرون وسطای اروپایی و حتی در دوران رنسانس، از ارزش بسیار بالایی برخوردار بود. پیوند تنگاتنگ پزشکی مسلمانان با فلسفه، جنبه ی با اهمیت پزشکی اسلامی به شمار می رود، به گونه ای که فیلسوف و پزشک، هر دو را به نام حکیم می خواندند.

اسلام در متن آموزه های خود برای بهداشت، سلامتی و پاکیزگی، اهمیت فراوان قایل بوده و برای گوشزد کردن این اهمیت، سلامتی را نعمتی ناشناخته دانسته است. گوستاو لوبون با اشاره به احکام قرآن در زمینه ی وضو، غسل تحریم مسکرات، آن را متین و اعتراض ناپذیر دانسته و ستوده است.(۱) کتاب هایی مانند: طب النبی صلی الله علیه و آله، طب الصادق علیه السلام و طب الرضا علیه السلام نیز که از پیشوایان دین به دست ما رسیده است، توجه ویژه ی اسلام را به بهداشت و سلامتی جسم و جان نشان می دهند.

مسلمانان افزون بر بهره گیری از منابع اسلامی، به ترجمه ی کتاب های پزشکی سرزمین های ایران، یونان و هند نیز پرداختند که در این میان، دانشگاه جندی شاپور و اسکندریه دو حوزه مهم در پزشکی اسلامی و حلقه ی پیوند پزشکی اسلامی با پزشکی سرزمین های یاد شده به شمار می روند. در دوران نهضت ترجمه، این دو مرکز پزشکی در انتقال اندوخته های بشری به جامعه ی اسلامی، نقش بسزایی داشتند. جرجیس نخستین پزشک بزرگ از خاندان بختیشوع بود که در پزشکی نامدار گردید. و اعضای این خانواده تا قرن های

---

۱- تمدن اسلام و عرب، صص ۶۳۴ _ ۶۳۵.

طولانی، از پزشکان سرشناس جهان اسلام به شمار می رفتند.(۱) پس از این خاندان، باید از خاندان ماسویه، پزشک درس ناخوانده ی جندی شاپور نام برد. نگارنده ی نخستین اثر پزشکی اسلامی نیز علی بن ربن طبری نام دارد. که کتاب فردوس الحکمه را نوشته است.(۲)

پس از طبری محمدبن زکریای رازی (م ۳۲۰) معروف ترین پزشک اسلامی است که بیش از ۲۲۰ جلد کتاب و رساله در فنون گوناگون نوشته و نزدیک به نیمی از آن ها درباره ی پزشکی است.(۳) الحاوی، سودمندترین کتاب زکریای رازی در پزشکی است که به گفته ی علی بن عباس از بیان کوچک ترین نکته ها در زمینه ی درمان بیماری ها نیز فرو گذار نکرده است. دومین اثر مهم او المنصوری است.(۴)

## ۲ _ داروشناسی و داروسازی

۲ _ داروشناسی و داروسازی

مسلمانان نخستین مردمی بوده اند که قرابادین را به شکلی که اکنون به دست ما رسیده است، مرتب ساختند. قرابادینِ شاپور بن سهل (م ۲۵۵ ) و امین الدوله بن تلمیذ (م ۵۶۰) دو نمونه ی جالب توجه است. افزون بر آن، مسلمانان، نخستین کسانی بودند که داروخانه را به شکل امروزین آن بنا

---

۱- علم و تمدن در اسلام، ص ۱۸۳.

۲- علم و تمدن در اسلام، ص ۱۸۵.

۳- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی،ص ۸۵.

۴- تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، صص ۲۳۰ _ ۲۳۱.

نهادند.

ابن بیطار در کتاب های خویش، ۱۴۰۰ داروی گیاهی (یا گیاه دارویی) را معرفی کرده که یونانیان از ۴۰۰ داروی معرفی شده به دست او اصلاً آگاهی نداشتند(۱). هم چنین آنان بسیاری از ترکیب های شیمی مانند: اسید نیتریک، اسید سولفوریک، هیدرو کلریک، پتاس، نیترات، دارزان و قلیا(۲) را کشف کردند.

### ۳ ـ جراحی

۳ ـ جراحی

دانشمندان مسلمان در رشد و گسترش فن جراحی پیش گام بوده و در زمینه ی بی هوشی بیماران نیز از بذرالبنج، بهره می گرفتند.(۳) بزرگ ترین جراح مسلمان ابوالقاسم اندلسی معروف به ابوالقسیس است که پیش گام جراحان تمدن اسلامی و غرب به شمار می آید.(۴)

### ۴ ـ گیاه شناسی

۴ ـ گیاه شناسی

در دوره ی نهضت ترجمه، با ترجمه ی کتاب های ملل دیگر، بر حجم و کیفیت کار مسلمانان در زمینه ی گیاه شناسی، افزوده گشت.

### ۵ ـ بیمارستان ها

۵ ـ بیمارستان ها

در زمان المقتدر باللّه در اوایل قرن چهارم ه . ق، ۸۶۰ پزشک در بغداد

---

۱- دانش مسلمین، ص ۱۷۲.

۲- تاریخ تمدن اسلام، ص ۶۰۶.

۳- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۳۶.

۴- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۹۴.

برای گذراندن آزمون پزشکی، نام نویسی کرده بودند.(۱)این شور و شوق برای یادگیری پزشکی به گسترش شاخه های علمی پزشکی و بیمارستان ها و مراکز درمانی و کاهش دوره ی درمان بیماری های دشوار انجامید.

گفته اند رسول اکرم صلی الله علیه و آله نخستین کسی است که در اسلام، بیمارستان ساخته است.(۲) بیمارستان ها در دو گونه ی ثابت و سیار ساخته شده اند. در این بیمارستان ها حتی پزشکان نابینایی همانند: ابوالحسن علی بن ابراهیم، ابوالحسن بن مکین بغدادی و محمد بن سلیمان بن حناط سرگرم کار بوده اند. این درمانگاه ها و بیمارستان ها، بخش های تخصصی و امکانات گوناگونی داشته اند. شماری از این بیمارستان ها عبارتند از: بیمارستان جندی شاپور(خوزستان)، بیمارستان های زتاق الفنادیل، معاضر، عتیق، قشاشین، سقطیین، ناصری یا صلاحی، منصوری (درمصر)، بیمارستان الرشید، برامکه، بیمارستان علی بن عیسی، بدر، غلام معتضد، سیده مقتدری، ابن الفرات، معزالدوله، عضدی، فارقی در میافارقین، بیمارستان موصل و نصیبین (در عراق).

### ۶ ـ نوآوری در پزشکی

۶ ـ نوآوری در پزشکی

مسلمانان هر گاه به قلمرو دانشی گام می نهادند، چیزهایی از خود بر آن

---

۱- تاریخ تمدن اسلام، ص ۶۰۳.

۲- تاریخ بیمارستان ها در اسلام، احمد عیسی بک، برگردان؛ نوراللّه کسایی، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۷۱، چ ۱، صص ۲۴ و ۲۵. نخستین بیمارستان مجهز و کامل در زمان ولید بن عبدالملك مروان در سال ۸۸ ه . ق بنا نهاده شده است. تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ص ۶۸.

می افزودند و آن عرصه را بیش از پیش بالنده و پویا می ساختند. پزشکی نیز این چنین است. شناسایی بسیاری از گیاهان طبی ناشناخته، داروسازی های جدید، درمان بیماری های درمان ناپذیر هم چون فلج با فصد و تبرید ندادن بهره گیری از بنگ در درمان داغ کردن محل زخم، تشخیص بیماری سل از راه ناخن، توصیف یرقان و زردی، درمان دیوانگان با افیون، به کار بردن آب سرد برای پیش گیری از خون ریزی، درآوردن سنگریزه و شن و بهره گیری از روش های نو در درمان جذام، حصبه و آبله(۱) از نوآوری های مسلمان ها در این وادی به شمار می رود. روان درمانی با بهره گیری از موسیقی را باید یکی از بزرگ ترین دست آوردهای پزشکی مسلمانان دانست.

## و ـ علوم طبیعی

### اشاره

و ـ علوم طبیعی

زیر فصل ها



### ۱ ـ شیمی و کیمیا

۱ ـ شیمی و کیمیا

تاریخ نگاران به این گفته باور دارند که مسلمانان هم پای دیگر علوم، در فن شیمی نیز که زمینه ساز پزشکی به شمار می رفت به پیشرفت های چشم گیری دست یافتند. جرجی زیدان، پایه گذار علم شیمی جدید و کشف

---

۱- تاریخ تمدن اسلام، ص ۶۰۵.

ترکیبات شیمیایی را کار مسلمانان می داند.(۱)

ویل دورانت، شیمی را یکی از نوآوری های مسلمانان بر می شمارد و نقش ارزنده ی آنان را در پیدایش علم شیمی جدید می ستاید.(۲)

گوستاولوبون نیز با رد نظریه ی بنیان گذاری شیمی در غرب، سهم مسلمانان را در پیدایش آن ترسیم می سازد.(۳)

باید گفت مسلمانان از آغاز در پی کیمیا بودند البته رموز کیمیایی، خود را در دو جنبه نمایان می ساخت؛ نخست کیمیای روحانی که موضوع آن، روح و هدفش، تبدل آن بود و عارفان، مشاهدات عرفانی خود را به زبان کیمیایی بیان می داشتند. دوم، کیمیای مادی بود که با فلزات سرو کار داشت.(۴) به هر حال، مسلمانان که به ویژه پس از ترجمه ی کتاب های یونانی در جست وجوی کیمیاگری بر آمده بودند، در این راه، بسیار کوشیدند، ولی به نتیجه ی مشخصی دست نیافتند. تلاش های مسلمانان در این راه، علم شیمی را بنیان نهاد.

مسلمانان در ساخت ترکیباتی هم چون: اسید نیتریک، اسید سولفوریک، هیدروکلریک، پتاس، نمک نشادر، کلرید سولفوریک، نیترات پوتاس، زاج سبز،

---

۱- تاریخ تمدن اسلام، ص ۶۰۶.

۲- تاریخ تمدن، ویل دورانت، جلد ۴، عصر ایمان بخش ۱، صص ۳۱۳ _ ۳۱۴.

۳- تمدن اسلام و عرب، صص ۶۱۱ _ ۶۱۵.

۴- علم و تمدن در اسلام، صص ۲۳۴ _ ۲۳۷.

قلیا، سدیم، کربن، کلرید آمونیم، سولفات فریک، برات دو سدیم و... و به کار بردن تقطیر، تبخیر و تصعید، به موفقیت های بزرگی دست یافتند.

جابربن حیان یکی از چهره های درخشان مسلمانان در شیمی است که شاگرد امام صادق علیه السلام بود. وی را پدر شیمی نوین لقب داده و گفته اند که هنوز ۱۰۰ جلد کتاب شیمی از او در دست است.(۱)

پس از جابر، محمد بن زکریای رازی، علم کیمیا را به صورت علم تجربی جداگانه درآورد و آن را از مسایل رمزی، نجومی و صوفیانه پیراست.(۲) وی، مواد را به ۴ دسته ی: معدنی، نباتی، حیوانی و مواد مشتقه دسته بندی کرد که هر یک از آن ها نیز تقسیم بندی فرعی تر داشتند.(۳) مشهورترین کتاب زکریای رازی، سرالاسرار فی الکیمیا نام دارد. وی در کار خود به زینت الزاج، زاج الاخضر و الکل (از راه تقطیر مواد نشاسته ای و قندی) دست یافت. پس از زکریای رازی باید از اندیشمندانی هم چون: ابوالحکیم محمد بن عبدالملک صالحی خوارزمی(۴)، خازنی و ابوریحان بیرونی نام برد. ابوریحان بیرونی توانست فرمول ویژه ی بسیاری از مواد را استخراج کند. افزون بر آن مسلمانان در استخراج معادن، ساخت رنگ، آب دادن فولاد، تولید کاغذ، چرم، باروت، آب مقطر، مشمع،

---

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۰۷.

۲- الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، ص ۳۱۴.

۳- التراث و الحضاره الاسلامیه، ص ۳۴۲.

۴- علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، آلدومیه لی، ص ۲۸۷.

ضماد، گچ شکسته بندی، نوشابه ها و روغن ها، میراث گران بهایی از خود به یادگار گذاردند.(۱)

## ۲ _ فیزیک

۲ _ فیزیک

مسلمانان برخلاف یونانیان که کمتر به فعالیت های مادی و طبیعی می پرداختند و بیشتر به تلاش های عقلی روی آورده بودند افزون بر کوشش های عقلی از عملیات های مادی نیز دست برنداشتند و به کاوش در جهان ماده و حس همت گماشتند. از این نظر اندیشمندان مسلمان در سه گروه دسته بندی می شوند؛ نخست گروهی که با هدف مخالفت با فلسفه مشایی به گسترش آموزه های طبیعی پرداختند. در نوشته های متکلمانی هم چون: ابوالبرکات بغدادی، فخرالدین رازی و محمد باقلانی نظریه های طبیعی شگفتی می توان یافت. گروه دوم، بسیاری از فیلسوفان و متکلمان بودند که عملیات فکری شان بر اساس استدلال منطقی قرار داشت نه مشاهده ی مستقیم. گروه سوم نیز به مشاهده و تجربه می پرداختند که عبارت بودند از: عارفان و کیمیاگران. کسانی چون: قطب الدین شیرازی، ابن هیثم و عبدالرحمان خازنی در این دسته قرار می گیرند.(۲)

جابر بن حیان افزون بر شیمی، در فیزیک نیز اهل نظر بود یعقوب بن اسحاق کندی (م ۲۵۲ ه) نیز در زمینه ی شیمی، نظرهایی مخالف با آرای

---

۱- ر.ك: کارنامه ی اسلام، عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، چ ۳، صص ۷۲ _ ۷۵.

۲- الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، صص ۳۳۳ _ ۳۳۵؛ علم و تمدن در اسلام، صص ۱۱۴ _ ۱۱۵؛ التراث و الحضاره الاسلامیه، ص ۱۶۳.

ارسطو اظهار کرد.(۱) پس از کندی، بنی موسی قرار دارند که فرزندان موسی بن شاکر هستند و در علم فیزیک از جایگاهی برجسته بر خوردارند. ابن سینا نیز نظریه های شایسته ای در فیزیک ارایه داده است.(۲) در این میان، حسن بن هیثم بصری (۳۵۴ _ ۴۳۰ ه . ق) چهره ی درخشان فیزیک است که نظریه های ارزنده و پیشرو او در علم فیزیک و نورشناسی، سرمشق اندیشمندان غربی بوده و کسانی مانند: کپلرو راجر بیکن از این دیدگاه ها، بهره ی فراوان برده اند.(۳) مهم ترین کتاب او المناظر نام دارد. وی در بسیاری از مسایل فیزیک، پژوهش های شگرفی انجام داده است که برخی از آن ها بدین قرار است: مطالعه ی حرکت، تشخیص حرکت مستقیم الخط نور، خصوصیات سایه، موارد استعمال عدسی ها، خاصیت اتاق تاریک، آینه های سهمی و کروی، انکسار جوّی، نورهای شفق فلق، تغییرات ظاهری در بزرگی ماه و خورشید، فیزیولوژی چشم و عمل دیدن، باورمندی به اصل «رسیدن نور از جسم به شی ء» و اصل «حداقل زمان» قرن ها پیش از نیوتون.(۴)

---

۱- الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، ص ۳۳۶.

۲- الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، صص ۳۳۷ _ ۳۴۰.

۳- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۰۹.

۴- علم و تمدن در اسلام، صص ۱۱۶ _ ۱۱۷.

## ۳ _ ستاره شناسی

۳ _ ستاره شناسی(۱)

آیات قرآن،(۲) رخ دادن حوادثی هم چون کسوف و خسوف و بسیاری تکلیف های مذهبی دیگر، مسلمانان را بر آن می داشت تا درباره ی شناخت جایگاه و ویژگی های اجرام کیهانی به کاوش بپردازند مسلمانان با ترجمه ی کتاب های بیگانه در قرن دوم ه . ق، آگاهی های فراوانی در این زمینه به دست آوردند. برای نمونه، کتاب های زیج شهریاری، مجسطی نوشته ی بطلمیوس، سند هند، نگاشته براهماگونیا، را به ترتیب: ابوالحسن علی بن زیاد تمیمی، حجاج بن یوسف بن مسطر و محمد فزاری را به عربی برگرداندند. گفتنی است مسلمانان به برگردان چنین کتاب هایی بسنده نکردند، بلکه با شرح و حاشیه نگاری بر آن ها، ستاره شناسی را دگرگون ساختند. از میان ستاره شناسان مشهور مسلمان باید از یعقوب بن اسحاق کندی یاد کنیم که یکی از نخستین ستاره شناسان مسلمان بود و چند تن از ستاره شناسان معروف بغداد زیر نظر او به فعالیت می پرداختند. در عهد مأمون، ستاره شناسان سرشناسی هم چون سندبن علی، خالد بن عبدالملک مرورودی و عباس بن سعید جوهری، حبش

---

۱- ر.ک: تاریخ علوم اسلامی، جلال الدین همائی، تهران، مؤسسه نشر هما، ۱۳۶۳، چ ۱، صص ۵۶ _ ۸۸؛ تاریخ نجوم اسلامی، گرلوا لفونسو نلیّنو، برگردان: احمد آرام، تهران، ۱۳۴۹، چاپخانه ی بهمن؛ الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، صص ۴۱۷ _ ۴۵۲؛ التراث و الحضاره الاسلامیه، صص ۱۵۷ _ ۱۶۰؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، صص ۲۲۳ _ ۲۳۷؛ تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده صص ۱۳۹ _ ۲۰۸؛ التراث و الحضاره الاسلامیه، صص ۶۲ _ ۷۲.

۲- ماهر عبدالقاهر محمد، ۱۹ آیه را که به نظر وی به مسایل نجومی و فلکی مربوط است، برای نمونه آورده است التراث و الحضاره الاسلامیه، صص ۷۴ _ ۷۹.

الحاسب مروزی، حسن بن محمد طوسی، ابو علی خیاط، علی بن عیسی اسطرلابی، محمد بن حجم برمکی، محمد بن موسی خوارزمی و احمدبن کثیر فرغانی می زیستند. ابواسحاق ابراهیم بن حبیب فزاری (م ۱۶۱ ه . ق) نخستین دانشمند مسلمانی است که اسطرلاب را ساخت که بعدها به وسیله ی اختصاصی ستاره شناسی اسلامی بدل شد. پس از او احمد بن قیصر فرغانی (م ۲۲۶ ه) مقام والایی دارد و بنابر نظر ویل دورانت، کتاب های او، هفت قرن تمام در آسیای غربی و اروپا، مرجع علمی همگان بود(۱) و به زبان های اروپایی برگردانده شد. محمد، احمد و حسن معروف به بنوموسی نیز از بزرگ ترین دانشمندان علم ستاره شناسی اند. آنان با بررسی تقویم سیارات درباره ی تقویم اعتدالین پژوهش کردند. هم چنین آنان، عرض شهر بغداد را ۳۳ً:۲۰ قرار دادند که با پژوهش های اخیر تنها ۱۰ ثانیه تفاوت دارد.(۲)

## ۴ _ زمین شناسی و زیست شناسی

۴ _ زمین شناسی و زیست شناسی

قرآن، مسلمانان را به شناخت زمین، کوه ها، جانوران، گیاهان و دریاها بسیار سفارش کرده است.(۳)

عطارد بن محمد حاسب، نخستین رساله ی بدیع را درباره ی خواص

---

۱- تاریخ تمدن، ویل دورانت، عصر ایمان، بخش اول، ص ۳۱۰.

۲- تمدن اسلام و عرب، ص ۵۹۰.

۳- فاطر، ۲۷؛ غاشیه، ۱۸، ۲۰.

سنگ های گران بها نوشته است.(۱) یعقوب بن اسحاق کندی، رساله فی تلویح الزجاج وفی انواع الحجاره را در زمینه ی زمین شناسی و ابو عثمان عمرو بن بحر معروف به جاحظ (م ۲۵۵) کتاب الحیوان را در زمینه ی جانورشناسی نگاشته اند. در کتاب اخوان الصفا نیز درباره ی تشکیل سنگ های معدنی، پیدایش زلزله، جزر و مدها و تغییرات آب و هوایی بحث کرده است. هم چنین ابن سینا در کتاب شفا، بحث های مفصلی درباره ی زمین شناسی، گیاه شناسی و جانورشناسی دارد و با نگارش رساله ای در زمینه ی تشکیل کوه ها، سنگ ها و مواد معدنی، به بررسی تأثیر زلزله، باد، آب، اختلاف درجه ی حرارت و... پرداخته است. ابوریحان بیرونی، طبیعت رسوبی حوضه ی رود گنگ را کشف کرده است. هم چنین با معین کردن وزن مخصوص ۱۸ گونه سنگ، علت بیرون آمدن آب از چشمه و چاه آرتیزین را بر اساس قانون ظروف مرتبطه، شرح داده است.(۲)

### ۵ _ جغرافیا

۵ _ جغرافیا

قرآن همواره مردم را به سیر و سیاحت در زمین و اندیشیدن در احوال گذشتگان فرا خوانده است.(۳) همین سفارش سبب شده است مسلمانان در زمینه ی جهان گردی و جغرافیا نیز آثار ارزنده ای بر جای بگذارند. نخستین

---

۱- علوم اسلامی و نقش آن در تمدن علمی جهان، آلدومیه لی، برگردان: محمدرضا شجاع رضوی و اسداللّه علوی، ص ۱۹۹.

۲- علم و تمدن در اسلام، ص ۱۰۱؛ تاریخ تمدن، ویل دورانت، عصر ایمان، بخش اول، ج ۴، ص ۳۱۳.

۳- مؤمن، ۸۲؛ انعام، ۱۱؛ حج، ۴۶ و... .

چهره ی مسلمان در جغرافیا، هشام بن محمد کلبی است. پس از وی، باید از جغرافی نویس دیگری به نام الکندی یاد کرد. هم چنین ابوالقاسم عبید اللّه ابن خرداذبه (۲۱۰ _ ۳۰۰) کتاب المسالک و الممالک را در جغرافیا نگاشته است.

## ز _ علوم ریاضیات

ز _ علوم ریاضیات(۱)

ریاضیات در دیدگاه اسلامی دروازه ای میان جهان محسوس و جهان معقول است. وحدت که اندیشه ی مرکزی اسلام به شمار می رود، در ریاضیات، نمود عینی می یابد. آموزش علوم ریاضی در میان مسلمانان همان مراحل چهارگانه ی لاتینی؛ یعنی حساب، هندسه، نجوم و موسیقی بوده است. مسلمانان، علم حساب را بیشتر از روی برگردان کتاب های هندی آموختند و سپس ارقام هندی را در دنیای متمدن رواج دادند. محمد بن ابراهیم فزاری، دانشمند شیعی نخستین کسی است که ارقام هندی را با برگردان کتاب «سرهانته» معروف به سندهند از سانسکریت به عربی انتقال داد. حجاج بن یوسف بن مطر نیز اصول هندسه ی اقلیدس و مجسطی بطلمیوس را به عربی برگرداند و در ریاضیات به نو آوری هایی دست زد.(۲) البته اگر بخواهیم دقیق تر سخن بگوییم باید گفت تاریخ ریاضیات مسلمانان با محمد بن موسی خوارزمی آغاز می شود. مهم ترین کتاب وی حساب الجبر و المقابله نام دارد و نام او به شکل الگوریتم در اروپا

---

۱- برای آشنایی بیشتر با تعاریف حساب، جبر و هندسه و ریشه های آن، ر.ک: الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، محمد عبدالرحمه مرحبا، صص ۳۷۵ _ ۴۱۵.

۲- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۱۶.

معادل فن محاسبه دانسته شد. پس از خوارزمی باید از کندی، ابوحنیفه دینوری (م ۲۸۱) و ابوالعباس سرخسی (م ۲۸۶) نام برد.(۱) افزون بر آن ماهانی در مسأله ی ارشمیدس پژوهش داشته است. هم چنین ثابت بن قره، مخروطات آبولونیوس و چند رساله ی دیگر را برگردانده و راه حل هندسی برخی اشکال درجه ی سوم را به دست آورده است.

## ح ـ علوم انسانی و اجتماعی

### اشاره

ح ـ علوم انسانی و اجتماعی

زیر فصل ها

۱ـ تاریخ:

۲ ـ اخلاق و حکمت عملی

۳ ـ روان شناسی

۴ ـ جامعه شناسی و انسان شناسی

۵ ـ اقتصاد

### ۱ـ تاریخ:

۱ـ تاریخ:

شمار تاریخ نگاران مسلمان بسیار فراوان است، به گونه ای که حاجی خلیفه که در قرن یازدهم می زیسته، ۱۲۰۰ تن از تاریخ نگاران مسلمان را نام برده است.(۲) عبیداللّه بن ابی رافع شاگرد علی علیه السلام نخستین مسلمانی است که در تاریخ اسلام کتاب نوشته است.(۳) هم چنین محمد بن اسحاق (م ۱۵۲) نخستین کسی است که سیره ی نبوی را نگاشته است. جامع ترین کتابی که در زمینه ی فتوح نوشته شده، کتاب فتوح البلدان از بلاذری (م ۲۷۹) است. البته از فتوحات شام واقدی (م ۲۰۷) فتوحات مصر و مغرب ابن عبدالحکم (م ۲۵۷) نیز باید یاد کرد. قدیم ترین کتاب در طبقات کتاب طبقات ابن سعد، کاتب واقدی (م

---

۱- علم و تمدن در اسلام، ص ۱۳۸؛ تاریخ تمدن اسلام، صص ۶۱۹، ۶۲۰.

۲- تمدن اسلام و عرب، ص ۵۸۰.

۳- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۲۳۱.

۲۳۰) است.(۱)

## ۲ _ اخلاق و حکمت عملی

۲ _ اخلاق و حکمت عملی

اسلام از آغاز با آموزش اخلاق پیش آمد و پرهیزکاری را بر همه چیز مقدم داشت. مسلمانان همواره آموزه های اخلاقی را به نیکی پاس می داشتند و پیشوایان دینی نیز بدان سفارش می کردند. امیرمؤمنان علی علیه السلام نخستین مسلمانی است که علم اخلاق را پی نهاد و صاحب نظران، نامه ی آن حضرت به فرزندش، امام حسن علیه السلام را نخستین نگاشته ی مدون و منسجم در این زمینه دانسته اند.(۲) اسماعیل بن مهران شاگرد امام صادق علیه السلام نیز کتابی با نام صفات مؤمن و فاجر نوشت. پس از نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه که اخلاق را به کامل ترین صورت می نمایانند، از کتاب های زیر باید یاد کرد اصول کافی کتاب عقل و جهل (ثقه الاسلام کلینی)، تحف العقول (ابن شعبه ی حرانی) خصال (شیخ صدوق)، مصابیح القلوب (ابو علی بیهقی)، آداب الدینیه (شیخ طبرسی)، مکارم الاخلاق (ابو منصور طبرسی)، ارشاد القلوب (ابو محمد حسن دیلمی) و عیون الحکم و المواعظ (علی بن محمد لیثی).

## ۳ _ روان شناسی

۳ _ روان شناسی

برخی پنداشته اند که علم روان شناسی، علم نو ظهوری است که جان لاک و کندیاک آن را پی نهاده اند، در حالی که باید دانست در فلسفه ی نظری و عملی

---

۱- تاریخ تمدن اسلام، صص ۴۹۷، ۴۹۸.

۲- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۴۰۴؛ دانش مسلمین، ص ۳۲۳.

آن گـاه که از حالت های نفس و صـحت و سـقم آن سـخن به میان می آیـد، به مسایل و ریزه کاری های روان کاوی و روان شناسـی توجه شده است. هم چنین در گفتار پیشوایان دینی هم چون پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و علی علیه السـلام، عالی ترین مسایل روان شناسـی بیان گردیده است. برای نمونه، پی بردن به باطن افراد به وسـیله ی افعال غیر ارادی یا رؤیا و بسیاری مسایل دیگر در گفتار این پیشوایان به چشم می خورد.(۱) از این گذشته، پزشکان مسلمان با آگاهی کامل از روان شناسی، از روان درمـانی (پسـیکوتراپی) برای درمان بیماران خویش بهره می گرفتنـد. پزشـکی ابوعلی سـینا و زکریای رازی در این باره، گواه یقینی بر این ادعا است. افزون بر آن گفته اند که مسـلمانان در بیمارستان های اندلس، با موسیقی درمانی به درمان روانی بیماران می پرداختند.

به هر حال، هر چند روان پزشکی در این زمانه، بسیار پیشرفت کرده و شاخ و برگ های فراوانی یافته است، ولی باید هم چنان مسـلمانان را در این زمینه پیش گام بدانیم. یکی از نویسـندگان غربی اعتراف می کند که مسـلمانان نخستین کسانی بودند که روان پزشکی را آفریدند.(۲)

### ۴ _ جامعه شناسی و انسان شناسی

۴ _ جامعه شناسی و انسان شناسی

امروزه جامعه شناسی را به نام آگوست کنت می شناسند. با این حال، بررسی

---

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسـلامی، صـص ۲۵۳ _ ۲۵۴؛ علم النفس، ابن سـینا و تطبیق آن بـا روان شناسـی جدیـد، علی اکبر سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۳، چ ۱، ص ۷۶.

۲- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۵۷، به نقل از عظمت مسلمین در اسپانیا، ژوزف ماک کاپ، ص ۱۸۲.

نوشته های دانشمندان مسلمان در این زمینه به خوبی نشان دهنده ی درک ژرف آنان از این دانش است. در این میان، ابن خلدون، تاریخ نگار و اندیشمند نامدار مسلمان را باید چهره ی شاخص جامعه شناسی به شمار آوریم. وی در مقدمه ی کتابش «تاریخ ابن خلدون»، عالی ترین مفاهیم فلسفه تاریخ، چگونگی پیدایش حکومت ها و قانون ها، و پیدایش و نابودی تمدن ها و فرهنگ ها را بررسی می کند. ابن خلدون افزون بر کشف میدان تاریخ حقیقی و طبیعت و ماهیت آن،(۱) درباره ی اوضاع و احوال بشری و کنش ها و واکنش های کلی حاکم بر اجتماع انسانی، پژوهش های گران سنگی داشته است.(۲) از همه مهم تر این که قرآن مجید در بسیاری از آیات خود درباره ی روابط اجتماعی و انسانی و فرهنگ ها و تمدن ها سخن می گوید و در گفتار پیشوایان دینی نیز این گونه موضوعات، فراوان به چشم می خورد.

ابوریحان بیرونی یکی از دانشمندان مسلمان است که با پژوهش گسترده درباره انسان و اجتماع، کتاب تحقیق ماللهند را نگاشته است. ابن بطوطه نیز سفرنامه نویس معروف مسلمان است که هر چند کار او از نظر علمی با ابوریحان بیرونی قابل قیاس نیست، ولی از نظر تصویر کردن اجتماع مسلمانان و جهان آن روز کاری استوار و پخته به شمار می رود.

### ۵ _ اقتصاد

۵ _ اقتصاد

---

۱- مقدمه ی ابن خلدون، برگردان: محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش، ج۱، صص ۳۴ _ ۳۵.

۲- علم و تمدن در اسلام، ص ۲۲۱.

هر چند اسلام، اقتصاد را بنیاد اساسی و منحصر به فرد پدیده های تاریخی، اجتماعی و مذهبی نمی داند ولی هیچ گاه اهمیت فوق العاده ی آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را نادیده نمی انگارد. در یک نگاه کلی، بحث اقتصادی با نگرش انسان به دنیا گره می خورد. اسلام، کار و تلاش دنیوی را نه تنها ناپسند نمی شمارد بلکه به تشویق آن می پردازد. از این رو، در اقتصاد نظری و عملی، آثار گران سنگی از مسلمانان بر جای مانده است. برای نمونه اداره ی امور دولت های بزرگ اسلامی با سرزمین هایی پهناور برعهده ی بزرگانی هم چون خواجه نظام الملک بود یا این که اندیشمندانی همانند ابن خلدون درباره ی اقتصاد سیاسی و کار به نظریه پردازی می پرداختند. نخستین کتاب درباره ی مکاسب و مبادلات را صفوان جمال یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام نوشته است.(۱) افزون بر آن در این زمینه باید از کتاب های زیر نام برد: الخراج (ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم)، الاموال (ابو عبید القاسم بن سلام)، الخراج (ابن یحیی دمشقی)، السراج الوهاج فی مسأله الخراج (شیخ ابراهیم قطیفی)، مکاسب (شیخ مرتضی انصاری)، تجاره (شیخ محمد حسن صاحب جواهر) و اقتصادنا (سید محمد باقر صدر).

## ط _ علوم هنری

### اشاره

ط _ علوم هنری(۲)

---

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۶۲.

۲- ر. ک: هنر اسلامی، ارنست کونل، برگردان: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶، چ ۱، هنر اسلامی، دیوید برگردان: تالبوت رایس، برگردان: ماه ملک بهار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، چ ۱، هنر اموی و عباسی، الک کرابروو اتینگهاوژن، برگردان: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶، چ ۱، هنر ایلخانی و تیموری، انبرتو شرآتو و ارنست گروبه، برگردان: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶، چ ۱؛ هنر هند و ایرانی و هنر اسلامی، مادلین هالاید، هرمان گریش، برگردان: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶، چ ۱؛ وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، گوستارای، فن گروبنام، برگردان: عباس آریان پور، تبریز، انتشارات معرفت، صص ۱۶۹ _ ۱۹۳؛ تمدن اسلام و عرب، صص ۶۵۳ _ ۷۱۴.

در نسبت سنجی میان اسلام و هنر، برخی راه خطا پیموده و اسلام را با آن در تضاد دانسته اند حال آن که مفاهیم زیبایی شناسی قرآن، فراوان است و پیشوایان دینی نیز همواره مسلمانان را به زیبایی شناسی و تصویرگری فراخوانده اند. هرچند درگذشته به برخی جنبه های هنری مانند: مجسمه سازی و هنرهای تجسمی توجه کم تری می شد ولی امروزه با کاوش های فقهی و نوجویانه در متون روایی، کارهای بزرگی در این زمینه صورت گرفته است. به هر حال، مسلمانان در کنار دیگر علوم، از مسایل هنری غافل نماندند و بر اساس همان بینش وحدت گرایانه ی اسلامی، در این راه گام نهادند. پیشرفت آنان در این زمینه به گونه ای بود که در این فنون به ویژه معماری به الگو و راهبر اروپا تبدیل شدند.

## ۱ _ معماری

۱ _ معماری(۱)

بناهای اسلامی از شاهکارهای معماری در جهان به شمار می آید و مهم ترین نمود معماری اسلامی در سبک معماری، نقوش، تصاویر و تزئینات و

---

۱- ر.ک: معماری و تزئینات اسلامی، درک هیل واولگ گرابر، مهرداد وحدتی، دانشمند، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ج ۱.

نقش و نگار مساجد به چشم می خورد.(۱)

مسلمانان با گرفتن سبک های گوناگون هنری و معماری از دیگر ملل، بدان غنا بخشیدند و بناهایی آفریدند که هنوز نیز در معماری، سر آمد است. برخی از این بناها عبارت است از: قبه الصخره، مسجد الاقصی، مسجد اعظم دمشق، مسجد عمر در بیت المقدس، چهل ستون اصفهان، مسجد قطب دهلی، مسجد جامع دهلی، نمازگاه مسجد طولون، باب السیاده جامع ازهر، مناره های جامع الازهر، برج رمله، مسجد جسن، مسجد برقوق، دروازه ی باب الفتوح، چاه یوسف، مسجد الحبیب در قیروان، مسجد جامع الکبیر در الجزایر، مسجد قرطبه، دروازه ی باب الشمس در الد، قصر اسبیلیه، مسجد الحمراء در غرناطه، تالار دو خواهر در الحمراء، قصر شعوبیه،(۲) دروازه ی دمشق در بیت المقدس، دروازه ی حیفا در بیت المقدس، مسجد و آرامگاه سلطان خدابنده در سلطانیه، آرامگاه تیمور لنگ در سمرقند، مسجد شاه اصفهان، قصرهای راجه های هند، میدان نقش جهان اصفهان، مسجد ایاصوفیه قصر الحیر شرقی و غربی(۳) خربته المفجر و کاخ اخیضر و... .(۴)

---

۱- وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، صص ۱۷۰ _ ۱۷۱.

۲- تمدن اسلام و عرب، ص ۳۸۰، تراث الاسلام، شافت و بوزوری، برگردان: محمد زهیر الماهوری و دیگران، کویت، مجلس الوطنی للثقافه الفنون و الاداب، ۱۹۸۸، چ ۲، ج ۱، ص ۳۷۹.

۳- هنر و معماری اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۱، دانشگاه ماها (سمت)، ص ۳۸.

۴- هنر و معماری اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۱، دانشگاه ماها (سمت)، ص ۹۹.

## ۲ _ هنرهای تزئینی

۲ _ هنرهای تزئینی

مسـلمانان در دیگر هنرهای تزئینی ماننـد: گـچ کاری، منبت کاری، خاتم کاری، نگارگری، معرق کاری، فلز کاری، حجاری، ترصیع، کنده کاری، سفال کاری، کاشی سازی، گل دوزی نیز آثار برزنده ای بر جا نهاده اند.

مهم ترین آثـار دیـدنی موزه های لوور پاریس و بریتانیا و ویکتوریا و دیگر موزه های بزرگ جهان از آثار هنرمنـدان مسـلمان تشـکیل شده است. امروزه در همه ی مناطقی که مسلمانان حکمرانی داشته اند، آثار ذوق و هنر آنان به چشم می خورد. یکی از یادگارهای بزرگ مسلمانان در کاشی سازی گلدان مشهور الحمراء است.

## ۳ _ خط و خوش نویسی

۳ _ خط و خوش نویسی(۱)

یکی از متعـالی ترین نمودهـای هنر اسـلامی که حقـایق معنوی و عرفـانی بسـیاری را در خود بازتـاب می دهـد، خـط و خوش نویسـی است. هنگامی که مسـلمانان در مـدینه مسـتقر شدنـد، خط نویسانی هم چون سـعید بن زواره، منـذر بن عمرو و ابی بن کعب در آن جا می زیستند که علی علیه السلام و دیگر کاتبان وحی نیز به جمع آنان افزوده شدند. نخستین خط رایج در میان مسلمانان، خط کوفی بوده و مصحف هایی از این خط باقی مانده است که مصحف عقبه بن

---

۱- ر. ک: الخـط و الکتـابه فی الحضـاره العربیه، یحیی وهیب الجبّوری، بیروت، لبنان، دارالعرب الاسـلامی ۱۹۹۴، چ ۱، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، عبدالرفیع حقیقت، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۱۶۷ _ ۱۷۷.

عامر، محصف حسن بن علی علیه السلام، مصحف حسین بن علی علیه السلام و مصحف زین العابدین علیه السلام را می توان نام برد. انواع خط های اسلامی بدین قرار است: کوفی، ثلث، نسخ، مغربی و اندلسی، توقیع، دیوانی، طغراء (طره)، تعلیق، رقعه، ریحانی. ابوعلی محمد ابن مقله (۲۷۲ _ ۳۱۸)، خط نسخ محقق، ریحان، ثلث و رقاع را آفریده است. ابوالحسن علاء الدین علی بن هلال معروف به ابن بوّاب (م ۴۲۳) و یاقوت مستعصمی نیز از خوش نویسانی بودند که به تثبیت گونه های خط و تنزیه و تهذیب آن پرداختند. هم چنین باید گفت میر علی تبریزی معروف به قروه یا قبله الکُتّاب خط نستعلیق را آفریده است.(۱)

## ۴ _ موسیقی

۴ _ موسیقی

موسیقی از دیرباز در میان ملل گوناگون به ویژه اعراب، ایرانیان و رومیان رواج داشته و معمولاً با آوازخوانی و غنا همراه بوده است. سوگ مندانه موسیقی که باید در مسیر نیکی ها قرار گیرد، معمولاً با هرزه گی، خوشگذرانی و بی بندوباری همراه بوده است. تا آن جا که ولید بن یزید؛ خلیفه ی اموی که خود از هوس بازان مشهور روزگار بود، از آن بد می گفت.(۲) به همین دلیل، بیشتر فقیهان اسلامی به حرمت یا کراهت موسیقی حکم داده اند. البته درباره ی غنا، اختلاف نظر فراوان میان علما وجود داشته است.

---

۱- الخط الکتابه فی الحضاره العربیّه، صص ۲۰۱ _ ۲۳۶، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی،صص ۳۴۶ _ ۳۵۳.

۲- تاریخ تمدن اسلام، ص ۸۹۸.

## ی ـ صنعت و فن آوری

### اشاره

ی ـ صنعت و فن آوری(۱)

در این بخش، تمدن مسلمانان را از نگاه دست آوردهای فن آوری آن بررسی می کنیم.

### ۱ ـ مهندسی مکانیک

۱ ـ مهندسی مکانیك

جزری و تقی الدین درباره ی دستگاه های بالا برنده ی آب مانند: سُدوف، ساقیه و ناعوره، پژوهش های فراوانی دارند. بهره گیری از نیروی آب به کمك چرخاب ها و آسیاب های آبی، بهره گیری از نیروی باد به کمك آسیاب های بادی، ساخت ساعت های آبی و ساعت های مکانیکی مانند: ساعت دروازه ی جیرون دمشق از کارهای محمدالساعاتی (نیمه ی قرن ۶) به شمار می رود. برادران بنی موسی و ابوعبداللّه خوارزمی، مرادی و جزری نیز در زمینه ی ساخت ماشین ها، مشهورند. هم چنین ساخت اسطرلاب های مهندسی، دیگر وسایل ستاره شناسی و اسباب بازی های مکانیکی از دستاوردهای مسلمانان در مکانیك است.

### ۲ ـ مهندسی معماری

۲ ـ مهندسی معماری

---

۱- صنایع مسلمین، احمد یوسف حسن و دونالد ر.هیل، برگردان: اردشیر اشراقی، تهران، مرکز نشر قبله، ۱۳۷۷، چ ۱، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، زکی محمد حسن، برگردان؛ محمد علی خلیلی، انتشارات اقبال، ۱۳۶۶، راهنمای صنایع اسلامی، م.س دیماند، برگردان: عبداللّه فریار، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶،چ ۱: الفنون الاسلامیه، م.س دیماند، برگردان: احمد محمد عیسی، قاهره، دارالمعارف مصر؛ موسوعه العماره و الآثار و الفنون الاسلامیه، حسن باشا، قاهره، مکتبه دارالعربیه للکتاب، ۱۴۲۰ ه، چ ۱.

در این صنعت باید از تکنولوژی ساخت بنا یاد کنیم که مسلمانان در آن به مهارت کاملی دست یافتند. بناهای تاریخی مانند: قبه الصخره، مسجدالاقصی، جامع اموی دمشق، قصر الحمراء غرناطه، و مسجد ابن طولون مصر، از این نمونه هاست. ساخت جاده و پل با امکانات لازم برای مسافرت، پیشرفتِ دیگرِ مسلمانان بود. جاده های اصلی مانند: اسکندریه، فاس، و سمرقند، راه ها را با سنگ، فرش می کردند و پل هایی با قوس های نیم دایره و شکسته ی تکراهه می ساختند که نمونه ی آن پل شهرستانه در اصفهان است. آبیاری زمین های کشاورزی با پیشرفته ترین وسایل، ساخت سدهای بزرگ مانند: سد عضدالدوله بر روی رود کُر و مساحی و به دست آوردن ابعاد اجسام(۱) از دیگر تلاش های مسلمانان در مهندسی معماری به شمار می رود.

## ۳ _ صنایع نظامی

۳ _ صنایع نظامی

ساخت و نوآوری در سلاح های رزمی مانند: شمشیر، سپر، نیزه، کمان، کمان زنبورکی، منجنیق کششی و تعادلی، استحکامات دفاعی و برج و باروهای استوار و نفوذناپذیر، ایجاد ارتباطات نظامی، به کارگیری اسلحه های آتش زا، باروت و توپ و نارنجک ها، موشک ها، فتیله ها، اژدرها، و دگرگونی آرایش های نظامی و جنگی(۲) از کوشش های مسلمانان در صنایع نظامی است.

---

۱- تاریخ مهندسی در ایران، مهدی فرشاد، انتشارات دانشگاه پهلوی، ۲۵۳۶، چ ۱، صص ۳۶۶ _ ۳۷۲؛ صص ۳۸۹ _ ۴۰۰.

۲- صنایع مسلمین، صص ۱۲۳ _ ۱۵۷.

## ۴ _ کشتی سازی و کشتی رانی

۴ _ کشتی سازی و کشتی رانی(۱)

مقدسی (در قرن چهارم ه .ق) نام چندین نوع کشتی را فهرست کرده است که انواع بیشتری از آن ها در قرن های بعدی تکمیل شد و به بهره برداری رسید. در شرق جهان اسلام، تخته ها را با طناب به یکدیگر می بستند، ولی در بخش مدیترانه ای، از میخ های آهنی برای این کار بهره می بردند. البته در هر دو حالت، الوارها را با زفت یا قیر، درزگیری می کردند. وجه شاخص کشتی های مسلمانان، بادبان مثلثی بود که به الواری سنگین بسته می شد و با زاویه ای از دکل آویزان می گردید. مسلمانان در شهرهای گوناگون، کارخانه های کشتی سازی برپا کرده بودند که بدین قرار است: ابله، بصره، سیراف، سوهار، جزیره روضه، عکا، طائر، اسکندریه (میاط) فسطاط، طرابلس، تونس، سویله، بلنسیه، پالرمو و مهدیه.

مسلمانان در کشتی رانی بازرگانی، بسیار کوشا بودند و در ساخت وسایل دریانوردی و کشتی رانی به پیشرفت های چشم گیری رسیدند. آنان می توانستند به هند، سریلانکا، مالایا، فیلیپین، اندونزی و چین و دیگر مناطق دورافتاده سفر کنند. اوج دست آوردهای دریانوردی مسلمانان در نوشته های ابن مجیر (نیمه ی دوم قرن نهم) متبلور است. مسلمانان افزون بر کشتی های بازرگانی، به ساخت ناوگان های جنگی نیز دست زدند که با همین ناوگان ها توانستند بسیاری از شهرهای مهم مانند: سیسیل و سواحل ایتالیا و جنوب فرانسه را بگشایند.

---

۱- سرگذشت کشتی رانی ایرانیان، پروفسور هادی حسن، برگردان: امید اقتداری، مشهد، شرکت به نشر انتشارات آستان قدس رضوی چ ۱، ۱۳۷۱، دریانوردی ایرانیان، اسماعیل رائین، تاریخ چاپ نامعلوم.

### ۵ _ صنایع شیمیایی

۵ _ صنایع شیمیایی

تکاپوی مسلمانان در زمینه ی صنایع شیمیایی، صفحه ی درخشان دیگری از تمدن آنان را به نمایش می گذارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم: نوآوری در روش تقطیر به دست آوردن الکل، عطرها، گلاب و روغن های خوش بو، پالایش نفت، تولید روغن و چربی های صنعتی، اسیدهایی مانند: اسیدنیتریک، تیزاب سلطانی، اسید سولفوریک، آلی، و بازهایی هم چون: شوره ی اشنان، قلیا، سود سوزآور، آهک، صابون ابلور، ساخت کوره ها و ابزارهای لازم، شکل دهی، پخت و لعاب دهی سفالینه ها، بلورتراشی و میناکاری.(۱)

### ۶ _ منسوجات، کاغذ و چرم

۶ _ منسوجات، کاغذ و چرم

مصر از روزگار باستان به دلیل پارچه ی کتان و بزرگ معروف بود، ولی در دوره ی اسلامی، تولید آن به ایران و کشورهای دیگر گسترش یافت. هرچند پنبه را در مصر و هند می شناختند، ولی پس از ظهور اسلام، اهمیت بیشتری یافت. مسلمانان، صنعت منسوجات پنبه ای و ابریشمی را به همه ی کشورهای اسلامی بردند و به اروپاییان شناساندند. بدین ترتیب پارچه های ساخت سرزمین های اسلامی به غرب راه یافت که حتی امروزه نیز در برخی کلیساها، پوشش های ابریشمی به چشم می خورد که جمله ی مقدس لااله الاالله بر آن نقش بسته است. مسلمانان در تکمیل و گسترش دستگاه های بافندگی و ریسندگی نیز بسیار کوشیدند و پارچه های آنان در داد و ستد از ارزش بالایی برخوردار بود. ابن مبرد ۱۰۰ صنف را در درون این صنعت برشمرده است.

---

۱- صنایع مسلمین، صص ۱۷۹ _ ۲۳۷.

گفتنی است صـنعت کاغذ مسلمانان از سمرقند آغاز گشت. مسلمانان در پایان قرن دوم، کارخانه های کاغذسازی را در بغداد بنا نهادنـد و تا قرن چهارم، آسیاب های شـناور کاغـذ بر روی دجله ساخته شد. برخی نوآوری های مسـلمانان در این صـنعت بـدین قرار است: سـاخت قالب ساخته شـده از نی، به کارگیری کتان و پنبه و کهنه های کتان در کاغـذسازی، تخمیر کهنه ها، آهارزنی کاغـذ، بهره گیری چکش سـنگین ضـربه ای برای کوبیـدن کهنه ها، به کارگیری چرخاب برای به حرکت درآوردن چکش سنگین ضربه ای در آسیاب های کاغذ و ساختن کاغذ به رنگ های گوناگون.

صنعت چرم نیز یکی از صـادرات مهم کشورهای اسـلامی را تشـکیل می داد، به گونه ای که در قرن هفتم، مالیاتی که بر دباغ خانه های حلب وضع شده بود، از مجموع مالیات های دیگر صـنایع فراتر می رفت. افزون بر آن صحافی، پیشه ای مورد تکریم بود که گاهی فضـلا، آن را بر عهده می گرفتند. گفته اند تذهیب جلد از ایران برخاسـته و از راه ونیز به انگلستان رسیده است. این فن بعدها در انواع مصنوعات چرمی به کار رفت.(۱)

### ۷ _ کشاورزی و صنایع غذایی

۷ _ کشاورزی و صنایع غذایی

با ورود اسـلام به سـرزمین های جدیـد و آشـنایی مسـلمانان با محصولاتی ماننـد: برنـج، ذرت خوشه ای، گنـدم، نیشـکر، پنبه، هندوانه، بادنجان، اسفناج و... انقلاب کشاورزی رخ داد. با آمدن فصل کشت تابستانی و آشنایی با چرخه ی محصول، استفاده ی افزون تری از زمین به عمل آمد. در شیوه های معمول

---

۱- صنایع مسلمین، ص ۲۷۳.

کشاورزی رومی و بیزانسی، زمین تنها هر دو سال یک بار محصول می داد، ولی با انقلاب مسلمانان در کشاورزی و بهره گیری از چرخه ی محصول، در هر دوره ی ۲۴ ماهه، امکان برداشت محصول برای چهاربار یا بیشتر فراهم گشت. هم چنین فنون کاوش منابع نهفته و شیوه های زیرزمینی برای گردآوری و انتقال قنات ها کشف شد. زمین های بایر یا کم حاصل به گونه ای فراگیر زیرکشت رفت و در ساخت ابزار کشاورزی، پیشرفت های مهمی به دست آمد. کتاب های مهمی نیز مانند: الفلاحه النبطیه از ابن وحشیه در کشاورزی نگاشته شد. مسلمانان در صنعت آرد و نان ــ نان گندم و برنج ــ گام های بزرگی برداشتند و صنعت شکر را که پس از ورود به ایران با آن آشنا شده بودند، در همه جا گسترش دادند. هم چنین در به دست آوردن روغن های گیاهی خوراکی و دگرگون ساختن شیوه های روغن کشی و تولید فرآورده غذایی، بسیار کوشیدند. گفتنی است در صنعت گوشت، انواع گوشت های پخته و کنسرو شده، نقانق (سوسیس) و شرائب (گوشت بریده شده) در دسترس مصرف کننده بود. آنان در صنعت خشکبار، کنسروسازی، ترشی سازی، تولید انواع نوشیدنی ها و به کارگیری روش های کنترل کیفیت غذا نیز به نوآفرینی هایی دست یازیدند.

## ۸ ــ معدن و فلزکاری

۸ ــ معدن و فلزکاری

سرزمین های اسلامی از نظر وجود سنگ ها و مواد کانی بسیار غنی بودند. معادن طلا در غرب عربستان، مصر، آفریقا و سرزمین های شرقی یافت می شد. نخستین منطقه ی مهم استخراج معدن طلا در وادی العلاقی در کشور بوجه ــ میان اتیوپی و نوبیه ــ قرار داشت. معادن نقره به ویژه در کوه های هندوکش،

ایران، آسـیای مرکزی، شـهرهای پنج هیرو جاربایه و اسـپانیا، سرب در اسپانیا، سیسیل، مغرب، ایران، مصر و آسیای صغیر، مس در اسـپانیا، ایران و قبرس و قلع در مـالزی یـافت می شـد. آهن، فولاد، جیوه، نمک، زاج یمن، پنبه ی نسوز، سـنگ های قیمتی مانند الماس، عقیق در بیشتر سرزمین های مسلمانان استخراج می گشت.

مسـلمانان در تکنولوژی اسـتخراج معـدن از دو روش زیرزمینی و باز بهره می بردنـد. آنان در طراحی و ساخت ابزار اسـتخراج معادن، تهویه ی معادن، زه کشـی معادن، تزیین سنگ های معدنی، استخراج مروارید و منابع زیرآبی و لایروبی دریا، فلزکاری ترکیبات بدون آهن مانند: طلا، نقره، سـرب، قلع، روی، آنتیمون و آرسـنیک، مس و آلیاژهای آن، مفرغ و برنج نوآوری های بسـیاری انجـام دادنـد. هم چنین در صـنعت آهن و فولاـد، چـدن را کشف کردنـد و در به کـارگیری مواد آهنی و فولادی در ساخت شمشیر و وسایل نظامی دیگر مانند تفنگ و ظروف مخصوص ذوب فلز، پیشرفت چشم گیری داشتند.

## ۹_ مهندسان و صنعت گران

۹_ مهندسان و صنعت گران

مسلمانان بیش و پیش از یونانیان، رومیان و نیز ایشان، فن آوری را به عنوان شاخه ی جدایی ناپذیر علم می شناختند. نگاهی به مفتـاح العلـوم خـوارزمی، رسائـل اخـوان الصـفا و الفهرست ابن نـدیم، این موضوع را به خوبی آشـکار می سـازد. مهنـدسان و معمـاران در جامعه ی اسـلامی از جایگاه اجتماعی ممتازی برخوردار بودنـد و معمولاً عنوان مهنـدس را به نام فردی که دسـت اندرکار این پیشه بود، می افزودند. در مآخذ عربی مانند الفهرست و دیگر کتاب های تراجم و زندگی نامه، به نام هایی از این دست بر می خوریم. البته بسیاری از علمای

مسلمان که در علوم و فنون عقلی و نقلی دیگر مهارت داشتند، در این فن نیز ممتاز بودند که به کندی رازی، برادران بنی موسی، ابن هیثم، بیرونی و جزری می توان اشاره کرد. شاخه های مهندسی عبارت بود از: علم بنا، تکنولوژی نور (اپتیک) مراکز ثقل، مسّاحی، رودها و آب راه ها، پل سازی، اکتشاف آب های زیرزمینی، قرقره ها، ماشین های نظامی، دریانوردی مساحت ها، اوزان و مقیاس، ماشین های مبتکرانه و نجاری.(۱)

نام برخی از این نجاران و کنده کاران بدین قرار است: حسین بن حاجی تهنجانی، علی نجار تبریزی، محمدبن علی نجار رازی، استاد حسین، حسین بن استاد احمد نجار، استاد محمدخان گیلانی، عبدالفتاح لاهیجی، استاد ملاآقاجان، استاد مظفّر، استاد محمود، استاد اللّه قلی نجار، استاد حسین نجّار باشی، استاد عبداللّه درویش مرتضی و استاد عبدالغنی.(۲)

همان گونه که می بینیم ایرانیان و شیعیان در علوم نقلی و صنعت و فن آوری اسلامی، نقشی محوری و برجسته دارند.

---

۱- صنایع مسلمین، ص ۳۶۱.

۲- برای اطلاع از نام و آثار استادکاران، معماران، بنایان، نجاران، کاشی کاران و... ر.ک: معماری دوره ی اسلامی، محمدیوسف کیانی، صص ۴۳۲ _ ۴۷۰.

ص:۱۴۶

## بخش پنجم: آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان

### اشاره

بخش پنجم: آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان

زیر فصل ها

## آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان

### اشاره

آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان

بی شک، تمدن مسلمانان در طول قرن های متمادی به چنان رشد و بالندگی دست یافته است که امروزه چشم هر روشن اندیش با انصافی را خیره می سازد. با این حال، این تمدن سترگ با آسیب ها و آفت های بسیاری روبه رو بوده است که همین مسأله، اندیشمندان و صاحب نظران را به کاوش در عوامل پیدایش این انحطاط و عقب گرد واداشته است. برای نمونه، گوستاو لوبون هنگام برشمردن عوامل انحطاط تمدن مسلمانان به ناهم آهنگی به سازوکارهای اسلامی با شرایط زمانه و وجود اختلاف های قومی و آمیختگی های خونی اشاره کرده است. البته به این سخن، اشکال بسیار وارد است؛ زیرا چنان که پیش تر گفتیم اسلام، پاسخ گوی نیازهای زمانه بوده است و اگر چنین اشکالی نیز وجود داشته باشد، به عملکرد مسلمانان بر می گردد نه ساختار اسلام. در این بخش به آسیب های فراروی این تمدن می پردازیم:

### ۱ ـ یورش بیگانگان (مغولان و تیموریان)

۱ ـ یورش بیگانگان (مغولان و تیموریان)

«مطالعه ی تطبیقی تمدن های شناخته شده نشان می دهد که اضمحلال اجتماعی، فاجعه ای است که کلید رمز آن را باید در نهاد جنگ جست و جو کرد تا جایی که امکان تجزیه و تحلیل ماهیت انهدام تمدن ها و موجبات آن فراهم است، به طور یقینی می دانیم که انهدام تمدن ها ناشی از جنگ است، ولی هم چون دیگر آفات زمانه، جنگ نیز نابکارانه خود را پذیرفتنی می نمایاند و

حلقوم شیفتگان خود را چنان می گیرد که دیگر راه گریزی باقی نمی ماند».(۱) در روند اضمحلال و انحطاط تمدن مسلمانان نیز، عامل جنگ و یورش های بیگانگان، عامل مهمی به شمار می رود. یورش مغولان، نخستین و سهمگین ترین تهاجم شکننده ی بیگانگان بود که توان تمدن مسلمانان را فرسود. یورش خونین چنگیز برای تمدن و فرهنگ ایران و مسلمانان، پی آمدهای شومی داشت. آبادی ها، دیرها و شهرها، ویران و کتاب خانه ها و آثار معماری و هنری، نابود گردید و دانشمندان، رزم آوران، کشاورزان و مردم بی شماری، کشته شدند. پیشه وران، صنعت گران و کارگران ماهر را به مغولستان بردند و کتاب خانه ها، آثار هنری، انبارهای غله و گنجینه های دیگر به تاراج رفت.

ضربه ی شمشیر خون چکان مغول و تهاجم وحشت انگیز آنان، فرهنگ و سرمایه ی معنوی مسلمانان را بر باد داد و دلبستگی به آبادی جهان، دانش ورزی و هنردوستی و کار و کوشش، کاهش یافت. ابن اثیر می نویسد:

مصیبتی بزرگ است که گشت روزگار هنوز مثل آن نیاورده و آتش آن دامن خلایق عموما و مسلمانان را خصوصا گرفته است.(۲)

پس از مغول، علم و ادب در ایران پژمرد و به انحطاط گردید. اگرچه تلاش های بسیاری جهت باروری هرچه بیشتر اندیشه ی اسلامی روی داد، اما

---

۱- جنگ و تمدن، آرنولد توین بی، برگردان: خسرو رضایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۱۶.

۲- هجوم اردوی مغول به ایران، عبدالعلی دستغیب، تهران، انتشارات علم، چ ۱، ۱۳۶۷، ص ۱۳.

دیگر تمدن اسلامی نتوانست عظمت گذشته را دریابد. صاحب نظران، در علل هجوم مغولان، دیدگاه های مختلفی ابراز داشته اند. قدرت یافتن ترکان قبچاقی و ترکان خاتون، پراکندگی رأی سران لشکر خوارزمشاه، خیانت برخی صاحب منصبان، وجود اختلاف با خلیفه ی عباسی و عدم قاطعیت سلطان محمد خوارزمشاه، از جمله این عوامل دانسته شده است. برخی نیز با دفاع از خوارزمشاه، دسیسه چینی های الناصر لدین اللّه ؛ خلیفه ی عباسی و تحریکات او برای حمله ی مغول به ایران و نقش منفی صوفیان را در ایجاد زمینه ی خمودی و بی عملی، برجسته پنداشته اند.(۱)

گفتنی است پس از مغول، بیگانگان چندین بار به سرزمین های اسلامی یورش آوردند که مهم ترین آن ها لشکرکشی تیمور بود. در لشکرکشی تیمور، بار دیگر جلوه های فرهنگ و تمدن مسلمانان آماج هجوم وحشیانه قرار گرفت.

### ۲ _ کج روی های فکری و اخلاقی

۲ _ کج روی های فکری و اخلاقی

بزرگ ترین عامل پس ماندگی مسلمانان را باید انحراف آنان از اصول و آموزه های اساسی اسلام دانست. نسخ شدن روح اصیل باورهای اسلامی درک نادرست از مقتضیات روز و نیازهای زمانه، مقابله گری با دستگاه فکری اجتهاد، نوآوری و اندیشه ورزی، گسترش روحیه ی گوشه نشینی و تصوّف منفی، دگرگونه جلوه دادن دیدگاه های پیشرفته ی اسلامی برای توجیه اعمال و افکار غیراسلامی و چیرگی گرایش های سطحی نگر و ظاهرپرستانه از عوامل پس

---

۱- ر.ک: هجوم اردوی مغول به ایران، عبدالعلی دستغیب، تهران، انتشارات علم، چ ۱، ۱۳۶۷، صص ۱۷ _ ۲۸.

ماندگی مسلمانان به شمار می رود. همین موارد، اندیشمندانی هم چون: سیدجمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، سید قطب، شهید مطهری و امام خمینی رحمه الله را به رویارویی با آن ها واداشته است. باید گفت مسلمانان با انحراف از برخی اصول اسلامی مانند: قضا و قدر، اعتقاد به معاد، زهد، تقیّه، شفاعت و انتظار، از گردونه ی پیشرفت عقب ماندند.

مسأله ی قضا و قدر و اعتقاد به سرنوشت از عوامل اصلی پیشرفت اسلام بود، ولی رفته رفته به دلیل ناآگاهی و غرض ورزی ها، چنان از روح جبری گری آکنده شد که آن را به سکون کشانید. باورداشتن معاد نیز یکی از ریشه دارترین مسایل اعتقادی اسلام است که در تحرّک آفرینی، زندگی سازی و برپا داشتن شور و اشتیاق در روح مسلمانان نقش اساسی داشت. سوگ مندانه این باور نیز با وجود آیات بی شمار قرآنی درباره ی پرداختن به مسایل دنیوی و آبادانی زمین، مفهوم تخدیری و معنایی خمود کننده به خود گرفت. هم چنین زهد که می توانست پایه ی تمدن مسلمانان را مستحکم تر سازد، با نگرش های افراطی و صوفی گرایانه، مفهوم پویایی ستیز و رخوت آور یافت. تلاش های این جهانی ناپسند شمرده شد و درستی و خیر تنها به عبادت های شخصی محدود گشت.

در حالی که زهد نه آن است که انسان، چیزی را در ملک خویش نداشته باشد، بلکه حقیقت زهد این است که انسان، اسیر چیزی نباشد و به ملکیت آن درنیاید.(۱)

---

۱- علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، ص ۲۹۴، مفهوم حدیثی از امام صادقع.

آری، زهد بریدن از فعالیت های این جهانی نیست، بلکه به قناعت، ایثار، هم دردی با آدمیان و مبارزه با تجمل گرایی، اسراف و تبذیر است.

درباره ی تقیه نیز چنین شرایطی حاکم شد. تقیه که حربه ای بود برای رهاندن مکتب و عقیده از خطر نابودی، در شرایط حساس و بحرانی دست مایه ای برای سازش کاری های سیاسی، فرار از بار مسؤولیت و دم بر نیاوردن در برابر جنایت و ستم تبدیل گردید که در واقع، تقیه تاکتیکی مشخص و دوره ای است، به استراتژی همیشگی بَدَل شد.

می دانیم شفاعت و انتظار، پدید آورنده ی روح امید در آدمی و شتاب دهنده ی حرکت اجتماعی بشر است. با این حال، پس از انحراف مسلمانان از اصول اساسی اسلام، شفاعت و انتظار نیز به فرهنگ ایستایی و تسلیم تغییر چهره داد. در این دوران، عوام در گرداب جهل و خرافه و تعصب های بی منطق و زیاده خواهی های بی انجام فرو رفته بودند. هم چنین خواص یا خود بدان دامن می زدند یا زبان فروبسته بودند. گروه اندکی نیز که زبان به اعتراض و آگاهی مردم می گشودند، با خشم عوام و خواص بهره مند از جهالت عوام روبه رو می گشتند.

افزون بر انحراف فکری، ورود تدریجی به منجلاب فساد اخلاقی و یا پرداختن افراطی به مسایل جنسی و جسمی، عیاشی های بی سابقه، شراب خواری ها و استعمال و گسترش باده نوشی و لهو و لعب در دستگاه خلفا و حکومت گران مسلمان و راه یافتن این فرهنگ به جمع مردم به انحطاط اخلاقی مسلمانان انجامید.

## ۳ _ اختلاف های قومی، مذهبی و سیاسی

۳ _ اختلاف های قومی، مذهبی و سیاسی

هرچند قرن چهارم و پنجم ه .ق، عصر طلایی اندیشه و دوران بلوغ فرهنگ و تمدن مسلمانان به شمار می رود، ولی باید اعتراف کرد که در همین دوران رشته ی وحدت سیاسی امپراتوری اسلامی از هم گسیخت و شکوه و ابهّتی که حکومت های نخستین خلفای بغداد داشتند، از بین رفت.

آیینی که قصد داشت برای جهان پرآشوب، صلح و آرامش و انسانیت و برادری جهانی به ارمغان آورد، خود، پس از مدتی به تیغ تعصب های برآشفته از شهوت قدرت طلبی، صدپاره شد. «در مسیحیت، شرارت هایی که از وجود آن ها ابراز تأسف می کنیم، ناشی از ناقص بودن نظام و عدم سازگاری آن با نیازهای بشری بود، ولی در اسلام، شرارت هایی که ناچار به شرح آن خواهیم بود، از طمع دنیاخواهی و غرایز شورش طلبی افراد و طبقات ناشکیب بر قانون و نظم اخلاقی ناشی می گردید».(۱)

فرقه گرایی و اختلاف های اعتقادی، سیمای واقعی اسلام را زیر هاله ای از پندارهای نادرست، پنهان نگاه داشت و نیروی رهایی بخش مسلمانان را که باید در راه نجات انسانیت از دست صاحبان زر و زور و تزویر به کار می رفت، به هدر داد. برآمدن فرقه هایی مانند: شیعه و سنی، معتزله و اشاعره، مرجعه و شعوبیه، قدریه و مفوضه، اخباری و اصولی و خوارج که خود به گروه ها و شاخه های دیگری تقسیم شدند، نخستین بلای خانمان برانداز بود که دامان

---

۱- تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام، امیرعلی، برگردان: ایرج رزاقی و محمدمهدی حیدرپور، مشهد، مؤسسه ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۲۶۷.

مسلمانان را گرفت. در این گیر و دار، حکومت گران نیز بر اساس مصلحت خویش به پشتیبانی از این گروه یا آن گروه بر می خواستند و با حربه ی «مذهب علیه مذهب» به تحکیم پایه های زورمندی خود می پرداختند.

برای نمونه در زمان مأمون، معتزله از پشتیبانی حکومت برخوردار گشتند و دیگر گروه های مذهبی به خشم حکومت دچار شدند. گفتنی است در زمان متوکل، ورق برگشت و معتزله مغضوب دستگاه گردیدند. افزون بر آن، پس از پیروزی ایوبیان بر فاطمیان در مصر، بساط معتزله برای همیشه برچیده شد و مذهب اشعری جای گزین آن گردید. سوگ مندانه، وضع به گونه ای شد که مسلمانان، سلطه ی دشمن بیگانه را می پذیرفتند ولی هم زیستی با یکدیگر را بر نمی تابیدند. جنگ و جدال مذهبی در بغداد، ری، نیشابور، اصفهان و... هر روز قربانیان بی شماری می گرفت و آن چه در این میان لگدکوب می گشت، فرهنگ و تمدن اسلامی بود. قرامطه در دو هجوم خود به مکه بیش از ۲۳ هزار نفر را کشتند. یکی از فرمانروایان خراسان نیز بیش از ۱۰۰ هزار نفر از باطنیه را قتل عام کرد و از سرهای آنان مناره ها ساخت که بر بالای آن ها اذان می گفتند. هم چنین در فتنه ی صاحب الزنج، بیش از ۵۰۰ هزار بی گناه به تیغ تعصب از بین رفتند. در جنگ میان سلطان سلیم عثمانی و شاه اسماعیل صفوی، ۴۰ هزار نفر شیعه کشته شدند و از سرهای آنان مناره ساخته شد. در زمان معاصر نیز شاهد فرقه سازی های خطرناکی هم چون وهابیت، بابیت و بهائیت بوده ایم.

افزون بر جنگ های مذهبی که به ستیزه های وحشتناک و خون بار انجامیده است، باید به جدال ها و ستیزهای سیاسی و نظامی حکومت گران گوناگون اشاره کرد. این جنگ ها و گریزهای خونین که بیشتر به دلیل قدرت طلبی ها و

پدید آمدن بحران مشروعیت رخ می داد، جهان یکپارچه ی اسلام و سرزمین های مسلمان نشین را به بخش های پراکنده و پاره پاره بدل ساخت. واپسین مورد آن، امپراتوری عثمانی بود که با وضعیتی اسف بار به سرزمین هایی تکه تکه شده تبدیل شد و استعمار سیاسی و فرهنگی توانست به راحتی در آن ها رخنه کند.

### ۴ _ رهبران ناآگاه، خودکامه و فاسد

۴ _ رهبران ناآگاه، خودکامه و فاسد

دیگر عامل عقب ماندگی مسلمانان، حکمرانی رهبران نالایق و زمام داران خودکامه بر سرزمین های اسلامی بوده است. با همه ی تفاوت هایی که حکومت گران گوناگون با یکدیگر داشتند، آنان در خوی سلطه گری و خودکامگی مشترک بودند. معاویه، امپراتوری اموی را بنیان نهاد و بی توجهی به احکام الهی را رواج داد. یزید بن معاویه، ولید بن یزید بن عبدالملک و یزید بن عبدالملک، سه تن از فاسدترین و پست ترین خلفای اموی بودند که در نابودی بنیان های جامعه ی اسلامی، نقش ویران گری داشتند. پس از امویان نیز حکومت خودکامه تر عباسیان به خلافت رسید. جرجی زیدان می نویسد:

دولت عباسی که دوره ی جوانی و نیرومندی خود را پیموده بود، رو به پیری و سقوط می رفت. خلفای عیاش چنان به عیش و نوش پرداختند و از مملکت غافل ماندند که بدون اجازه ی ترکان نمی توانستند حکومت کنند و آنان هم جز پول چیز دیگری نمی شناختند. دین و وطن و مذهب و ملت همه چیز پول شد و ترکان همه کاره گشتند و زورگویی و بیدادگری اساس کارها گشت.(۱)

---

۱- علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، صص ۳۶۳ _ ۳۶۴.

همین وضـعیت در میان زمام داران اموی اسـپانیا نیز وجود داشت. انـدلس که به صورت مظهر تمدن اسـلامی در اروپا درآمده بود، کم کم بـا رهبری هـای نـادرست آنـان و عوامل دیگری هم چون: گسترش اختلاف های داخلی با خیانت های پی در پی صاحبان منصب و نفوذ کارگزاران مسیحی، اشاعه ی می خواری و شـهوت رانی در میان جوانان، نفوذ گسترده ی مسیحیان و یهودیان در عرصه های فرهنگی و اداری و چند دسـتگی اقوام عرب، بربر و صـقالبه از هم گسیخت. این وضعیت اسف انگیز با آمـدن چنگیز و مغولاـن و پس از آن، تیمـور لنـگ، فزونی گرفـت و حـتی پس از مرگ تیمـور فرو ننشـست. دولت عثمـانی و صفوی نیز به همان راهی رفتنـد که دیگران رفته بودنـد. ویل دورانت درباره ی زمام داران عثمانی و بی کفایتی آنان چنین می نویسد:

حکمرانان عثمانی اگرچه بیش از هر سلسـله ی مسـیحی بر سـر کار ماندنـد، ولی به تدریج فاسد می شدند؛ زیرا اوقات خود را در حرمسرا می گذراندند و زمام امو را به دست وزیران زودگذری رها می کردند که مقام ناپایدارشان، آنان را بدین فکر می انداخت که برای دوره ی برکناری خویش، ثروتی بیاندوزند.(۱)

چنین وضعیتی در دوره های صفویه، قاجاریه و پهلوی به خوبی دیده می شود.

### ۵ _ فعالیت های تخریبی اقلیت های مذهبی

۵ _ فعالیت های تخریبی اقلیت های مذهبی

در کنار عواملی که برشـمرده شد، باید از فعالیت اقلیت های مذهبی در قالب چهره های مسلمان یا فعالیت های تبشیری نام برد که در تخریب چهره ی اسلام

---

۱- علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، ص ۳۷۲.

می کوشیدند. کعب الاحبار، وهب بن منبّه، اسباط، جریح، زکریا، ابوهریره روسی که به ظاهر اسلام آورده بودند، با وارد کردن اسرائیلیات و اباطیل در دین و جعل روایات بی شمار، نقش پیاده نظام دشمنان اسلام را ایفا می کردند. افزون بر آن، مسیحیان با فعالیت های تبشیری و گسترش ابتذال، پایه های اعتقادی مسلمانان را سست می کردند و با در دست گرفتن مناصب مهم اداری، سیاسی و اجتماعی، زمینه را برای نفوذ استعمار سیاسی و فرهنگی به کشورهای اسلامی فراهم می آوردند.

استعمارگران برای درهم شکستن هرگونه مقاومت داخلی، با بهره گیری از وجود برخی خاورشناسان، نویسندگان، آموزگاران مدارس، پزشکان، پرستاران، گویندگان، زمام داران و رسانه های همگانی، به قداست زدایی از دین و شبهه افکنی در مبانی اسلام پرداختند. آنان برای تحکیم پایه های سلطه ی خویش در جامعه های اسلامی به اقدام های زیردست زدند: برهم زدن وحدت عقیدتی و سیاسی فرقه سازی ها، تحریک احساسات نژادی و ملی، گسترش فساد و بی بند و باری، گسستن پیوند مردم با گذشته ی خویش، تخریب چهره های اصیل و روشن اندیش اسلامی، گسترش اندیشه ی جدایی سیاست از دیانت، بهره گیری از روابط اقتصادی برای ضربه پذیرکردن مسلمانان، تلاش برای حذف قوانین اسلامی و جای گزین ساختن برنامه های غربی.

در این زمینه باید به پیوند استعمار با صهیونیست و کلیسا، توجه کرد که نفوذ و تلاش های پی گیر صهیونیست ها برای به شکست کشاندن فرهنگ و تمدن مسلمانان دهه های اخیر بیش از پیش گسترش یافته است.

## ۶_ خودباختگی در برابر غرب

۶_ خودباختگی در برابر غرب

خودباختگی در برابر تمدن غربی، مسلمانان را به رکود و سکون و پیروی کورکورانه از فرهنگ و تمدن غرب واداشته است. با گسترش خودباختگی کشورهای اسلامی، جهشی شتابان به سوی غرب گرایی و پیروی از مظاهر غیربنیادی تمدن غرب پدید آمد، در واقع ره آورد نامیمون مسلمانان از این ورطه، از دست دادن هویت خویشتن بود. بنابراین، اگر بخواهیم با این عامل انحطاط، به درستی مبارزه کنیم، می بایست به ارزیابی درست و همه جانبه ی تمدن غرب بپردازیم و با الهام گرفتن از تمدن سترگ اسلامی و گذشته ی پرافتخار خویش، به بازسازی و بازشناسی هویتی و تمدنی خود دست زنیم.

## بخش ششم: تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر

### اشاره

بخش ششم: تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر

زیر فصل ها

تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر

# تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر

## اشاره

تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر

زیر فصل ها



## ۱ـ نقش تمدن مسلمانان در دگرگونی تمدن غرب

### اشاره

۱ـ نقش تمدن مسلمانان در دگرگونی تمدن غرب(۱)

بی شک رنسانس (نوزایی) که احیاگر فرهنگ و تمدن یونان و زنگ بیدار باش اروپا برای شکل بخشیدن به تمدن غرب بود، مرهون آثار علمی و فرهنگی جهان اسلام است. نقش علوم اسلامی و دانشمندان مسلمان در بیداری جامعه ی غربی به گونه ای انکارناپذیر است که حتی غربیان نیز به دیده ی پذیرش بدان می نگرند. هر چند برخی ذهن گرایان غربی بر اساس اغراض سیاسی، فرهنگ اروپای مرکزی را زاده ی بی واسطه ی یونان قدیم می دانند، ولی واقعیت آن است که تمدن از جهان اسلام به اروپا راه یافت. نویسنده ی فرهنگ اسلام در اروپا با اشاره به نقش مسلمانان در دگرگونی تمدن غرب و بیان و نقد دیدگاهی که مسلمانان را تنها حامل تمدن یونانی می انگارد، چنین می نویسد:

شکوفایی تمدن اسلامی در برابر تمدن یونان بود و همین مسلمانانند که خیلی مستقیم تر و چند بعدی تر از یونان، جهان غرب را تحت تأثیر قرار دادند. آن چه تاریخ نویسان اروپایی در مورد نقش ۸۰۰ ساله ی تمدن اسلامی بیان می کنند، این است که می گویند مسلمانان سبب رساندن گنجینه ی تمدن یونان به اروپا

---

۱- فرهنگ اسلام در اروپا، ج ۱ و ۲، زیگرید هونکه، برگردان: مرتضی رهبانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱، چ ۱؛ نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، ذکر اللّه محمدی، تهران، دانشگاه بین المللی امام خمینیره، ۱۳۷۳، چ ۱؛ اسلام در غرب، نورالدین آل علی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، چ ۱؛ تأثیر اسلام در اروپا، مونتگمری وات، برگردان: یعقوب آژند، ۱۳۶۱، تهران، انتشارات مولی، چ ۱.

بودنـد. این تنها چیز مثبتی است که اروپایی ها درباره ی مسـلمانان اظهار کرده اند. در حالی که با این بیان، نقش مسـلمانان را در حـد یک نامه رسان تاریـخ، تخفیف می دهنـد به گونه ای که گویا اینان تمدن یونان قدیم را از لای درب به داخل اروپای غربی، فرو کرده و رفته اند.(۱)

در زمـانه ای که اروپـا در بربریت و نیمه وحشـی گری می زیست (به جز قسـطنطنیه و بخش هـایی از ایتالیا)، تمـدن مسـلمانان مراحـل اوج خود را می گذرانـد. برای نمونه «ماریا؛ راهبه ی قرطبه در نامه ی خود به اسـقف طلیطله از رنـج و محنت و تقوای خود گزارش می دهـد و بـا افتخـار می نویسـد: تا سن ۶۰ سالگی جز انگشـتانم که مکرر به آب مقـدس رسـیده، بـدنم با آب آشـنایی نداشـته و شـست و شو نشده است. در همین زمان، تنها در شـهر قرطبه ۹۰۰ حمـام عمومی که بیشتر آن ها با سـنگ و مرمر ساخته شـده بود، وجود داشت. روزگاری که اروپا هنوز با برنـج، خرما، انار و پرتقال، آشـنایی نـداشت و پنبه و ابریشم را نمی شـناخت، حکام مسـلمان اندلس، انواع میوه ها را از مشرق زمین به اندلس آوردند و سیستم کشاورزی را متحول ساختند. تنها در شهر قرطبه و اطراف آن ۲۶۰ کارخانه و کارگاه ریسندگی و بافندگی وجود داشت».(۲)

جنگ های صـلیبی و دو حوزه ی بزرگ انـدلس و سیسـیل در انتقال تمدن مسـلمانان به اروپا نقش مهمی داشـته اند. اندلس و سیسیل به عنوان پل های

---

۱- فرهنگ اسلام در اروپا، ج ۲، ص ۳۶.

۲- اسلام در غرب، ص ۴.

ارتبـاطی شـرق و غرب بـا گردآوری و پرورش فرهنـگ و علـوم مسـلمانان، آن را به اروپـا رساندند.بـدین ترتیب اسـلام در دو مرحله ی زیر به اروپا رسید:

۱ ــ با ترجمه ی کتاب های عربی و پژوهش های دانشمندان مسلمان اندلس.

۲ ــ با برخوردهای اروپاییان با ملت های عرب و مسلمان به ویژه در روزگار جنگ های صلیبی.

بایـد گفت دامنه ی اثر گـذاری های مسـلمانان بر تمدن غرب چندان گسترده است که در این فصل تنها می توانیم اشاره هایی گذرا بدان داشته باشیم.

## الف ــ جنگ های صلیبی

الف ــ جنگ های صلیبی

هر چند در پایان جنگ های صـلیبی، مشرق زمین از نظر سیاسی و نظامی پیروز شد، ولی در حقیقت، این مسیحیان بودند که با برگرفتن انـدوخته هـای علمی و فلسـفی از منـابع کهن شـرق، زمینه ی پیـدایش رنسانس را فراهم کردنـد. جنگ های صـلیبی، نگرش کلی اروپاییان را نسبت به جهان دگرگون ساخت.

از نظر مذهبی، پندارهای مسـیحیان نسـبت به مسـلمانان شکسـته شد و باور مردم به کلیسا و روحانیت مسیحی سست گشت. در جنبه ی سیاسـی، نظام فئودالی و ملوک الطوایفی در فرانسه و ایتالیا بر چیـده شـد و زمینه برای استیلای پادشاهان قـدرت مند و دولت مرکزی فراهم گردیـد. هم چنین از نظر اجتمـاعی، مردم اروپـا با وضع زنـدگی مسـلمانان مشـرق زمین آشـنا شدنـد و با برگرفتن آداب و رسوم زنـدگی آنان، وضـعیت اجتماعی خود را دگرگون ساختند. دگرگونی های یاد شده را در وسایل خانه و آراستن آن، تجملات

زندگی،پوشاک مردان و زنان، و غذاهای آنان می توان دید.(۱)

در عرصه ی نظامی نیز اروپاییان با استحکامات جنگی انتظام ارتش، روش قلعه سازی و ساخت قطب نما و باروت آشنا شدند.(۲) افزون بر آن در زمینه ی اقتصادی، اروپا از رهگذر تجارت با شرق، به پیشرفت اقتصادی دست یافت؛ شهرها و راه ها ساخته شد و روش بانک داری سرزمین های اسلامی به اروپا آمد. در قلمرو دانش نیز اروپاییان با دست آوردهای علمی، فنی، پزشکی، فلسفی، جغرافیایی مسلمانان آشنا شدند و بیمارستان هایی به سبک بیمارستان های مسلمانان بنا نهادند.

اینک به نقش دو حوزه ی فرهنگی اندلس و سیسیل در انتقال فرهنگ و تمدن مسلمانان به اروپا می پردازیم:

### ب _ اندلس

ب _ اندلس

در طول ۸ قرن اندلس یکی از مراکز مهم انتقال تمدن مسلمانان به اروپا و هم چنین پل ارتباطی شرق و غرب در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بود. در واقع، مسلمانان تمدن و فرهنگی در این سرزمین پایه گذاری کردند که آینه ی تمام نمای فرهنگ و تمدن خراسان، ری، بغداد، دمشق، قاهره و قیروان بود. در قرون وسطی و روزگاری که اروپا در نادانی و پس ماندگی

---

۱- تاریخ هنر اسلامی، کریستین پرایس، برگردان؛ مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، چ ۲، ص ۱۵۳؛ تاریخ قرون وسطی تا جنگ صد ساله، البر ماله وایزاک ژورک، برگردان: عبدالحسین هژیر، تهران، چاپخانه ی مجلس، ۱۳۱۱، ص ۳۹۵.

۲- تاریخ عرب، فیلیپ حتی، برگردان: محمد سعیدی، تهران، کتابفروشی زوّار، ص ۱۹۴.

مدنی می زیست، اندلس پیشرفته ترین و آبادترین سرزمین غرب بود و پایتخت آن، قرطبه، عروس شهرهای اروپا به شمار می رفت. مسلمانان اندلس در عرصه ی کشاورزی، ساختار فئودالی را از میان برداشتند و شیوه ی زمین داری شرق را گسترش دادند. آنان با بکار بستن روش های جدید آبیاری و سدسازی و آوردن بسیاری از گیاهانی که اروپاییان نمی شناختند(۱) غربیان را با فرهنگ نوین کشاورزی آشنا ساختند.

مسلمانان در صنعت پارچه بافی و نساجی تا آن جا پیش رفتند که فیلیپ حتی، آنان را پرچم داران صنعت پارچه و حریر در دوران قرون وسطی به شمار می آورد.(۲) شهر المریه و قرطبه از مراکز نساجی اندلس به شمار می آمد و پارچه های آن شهرت جهانی داشت. طرح ها و خطوط عربی از همین کارگاه ها به پارچه های اروپایی راه یافت. آنان هم چنین در شیشه گری، سفالگری، کاشی کاری، دباغی، چرم سازی و صنعت کاغذ، پیشرفت های چشم گیری داشتند و در صنایع و معدن و بازرگانی، عرصه های جدیدی را پیمودند.

مسلمانان در علوم و فنون نظری و طبیعی جنبش بزرگ فکری و فلسفی را آغاز کردند که تا قرن ها غرب از پی آمدهای آن بهره می برد. از سر آمدان فلسفه و عرفان اندلس باید به ابن مسره، ابن باجه و ابن طفیل اشاره کرد و در ستاره شناسی و فلک از ابوالقاسم مجریطی، ابوالحکم کرمانی، امیه بن ابی

---

۱- نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲- تاریخ عرب، فیلیپ حتی، برگردان: محمد سعیدی، تهران، کتابفروشی زوّار، ص ۱۲۹.

صلت، ابواسحاق ابراهیم بن یحیی زرقالی و نورالدین تبروجی نام برد. هم چنین در گیاه شناسی، داروسازی و علوم پزشکی، دانشمندانی هم چون: ابن سبعین، ابوجعفر غافقی، ابن العوان، ابن بیطار، ابوالقاسم زهراوی، ابن زهر، عبداللّه بن مظفر باهلی و علی بن عباس نام آور بودند.(۱) عباس بن فرناس نخستین کسی است که شیشه های کریستال را ساخت. نقش دارالترجمه طلیطله را نیز نباید از یاد برد. گفتنی است پس از آن که الفونس ششم؛ پادشاه مسیحی کاستیل، اندلس را به چنگ آورد، به دلیل علاقه مندی به فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی، نه تنها با مسلمانان مغلوب، بدرفتاری نکرد، بلکه با میدان دادن به فرهنگ و تمدن مسلمانان، به برگردان کردن کتاب های دانشمندان مسلمان، همت گماشت. در قرن دوازدهم میلادی، ریموند؛ اسقف اعظم طلیطله، دارالترجمه ای را در آن شهر برای برگردان کردن کتاب های اسلامی بنا نهاد.(۲) از این تاریخ به بعد، طلیطله در بیش از یک قرن در شمار یکی از مراکز اصلی انتقال تمدن مسلمانان به اروپا بود. قسطنطنین آفریقایی، جرارد کرمونی و فرج بن سلیم کلیمی، سه تن از بزرگ ترین مترجمان علوم اسلام به زبان لاتینی هستند. پیتر ونرابل، اتوت کلونی و روبرت کلین نیز از دیگر مترجمان زبردست طلیطله به شمار می آیند. در این عرصه، باید از الفونس دهم مشهور به الفونس حکیم، یوحنای اشبیلی، ابراهیم بن عزرا و موسی بن میمون نیز یاد

---

۱- ر.ک: اسلام در غرب، صص ۳۲۱ _ ۳۴۷ با تلخیص و تصرف.

۲- نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، ص ۱۳۰.

کرد.

## ج _ صقلیه (سیسیل)

ج _ صقلیه (سیسیل)

سیسیل، مجموعه جزایری است که در جنوب ایتالیا و در دریای مدیترانه قرار دارد و تا قرن ها، مسلمانان بر آن حکم می راندند. از سال ۳۱ تا ۲۹۰ ه . ق مسلمانان هر از چند گاهی به سیسیل هجوم می بردند. پس از به دست آوردن غنیمت باز می گشتند و کمتر به اقامت در آن می پرداختند. با این حال، از سال ۲۹۰ تا ۴۸۳ ه . ق به طور متمرکز بر آن جا حاکم شدند و حکومت مرکزی تشکیل دادند. هنگامی نورمان ها بر سیسیل دست یافتند و حکومت پادشاهی خود را در آن جا تشکیل دادند، جامعه ی سیسیلیان به طور طبیعی، جامعه ای با فرهنگ اسلامی و عرب زبان بود. هر چند سقوط سیسیل به دست نورمان ها، به حضور سیاسی مسلمانان در آن جا پایان داد، ولی از نظر علمی و فرهنگی، به گسترش نفوذ تمدن اسلامی در سیسیل و سپس ایتالیا انجامید.

مسلمانان هنگام استیلا بر سیسیل و پس از آن، برای گسترش دامنه ی اقتصاد، کشاورزی، صنعت و معدن و بازرگانی آن جا، نوآوری های بسیاری انجام دادند و به آموزش جامعه ی بومی سیسیل پرداختند. نورمان ها پس از سقوط دولت کلبیان و تصرف سیسیل وارث تمدنی بزرگ و سرزمینی آباد بودند که در طول قرن های دراز و با تلاش پی گیر مسلمانان پی ریزی شده بود. از این رو، تمدن عالی آنان را سرمشق خود قرار دادند و مسلمانان را در ادامه ی این راه باز گذاشتند.

راجر اول، سخت شیفته ی فرهنگ اسلامی بود. به همین دلیل، نظام اداری مسلمانان را حفظ کرد و فیلسوفان، پزشکان و ستاره شناسان مشرق زمین را به

دربـار خود فراخوانـد. راجر دوم نیز سـیاست پـدر را پی گرفت. او بیشتر اوقـات، خود را به ظاهر مسـلمانان می آراست و لباس مسلمانان را بر تن می کرد. افزون برآن وی لقب اسلامی «المعتز باللّه » را برای خود برگزید و در سکه ها و کتیبه های خویش، نقش کرد.(۱) راجر دوم از تلاش کشـیشان کاتولیک برای مسـیحی کردن سربازان مسلمان خود پیش گیری می کرد.(۲) پس از او کیوم اول و دوم به حکومت رسـیدند که بر همین روش بودنـد. بزرگ ترین پادشاه مقتـدر نورمانی فردریک دوم بود که جنگ شـشم صـلیبی در زمان وی رخ داد. او در برابر فشارهای روحانیان مسـیحی برای تحمیل مسـیحیّت بر مسلمانان، مقاومت می کرد، به گونه ای که پاپ گریگوریوس نهم، فتوای تکفیرش را صادر کرد.(۳) فردریک دوم در کار برگردان کردن کتاب های علمی عربی و فارسـی بسیار می کوشید و مسایل و مشکلات فلسفی خود را برای پاسخ گفتن دانشمندان مسلمان به بغداد و شام، قاهره و اندلس می فرسـتاد.(۴) پژوهش هـای صورت گرفته و کتـاب هـای ترجمه شـده در روزگار فردریک دوم، زیر بنای نهضت رنسانس در ایتالیا به شمار می رود.

---

۱- تاریـخ سیسـیل در دوره ی اسـلامی، عزیز احمـد، برگردان: نقی لطفی و محمـد جعفریـاحقی، تهران، انتشـارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، چ ۱، ص ۱۰۳.

۲- تاریـخ سیسـیل در دوره ی اسـلامی، عزیز احمـد، برگردان: نقی لطفی و محمـد جعفریـاحقی، تهران، انتشـارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، چ ۱، ص ۱۰۹.

۳- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش دوم، ص ۹۶۱.

۴- اسلام در غرب، ص ۳۵۴.

پژوهش گران، مهم ترین کار فردریک را بنا نهادن دانشگاه ناپل می دانند. این دانشگاه با هدف نشر فلسفه و علوم اسلامی در میان مردم اروپا پایه گذاری شد. گفتنی است نهضت ترجمه ی سیسیل در همین دوران، اوج گرفت که از مترجمان مشهور این دوره باید به تئودور مترجم کتاب سرالاسرار، مایکل اسکات مترجم کتاب هایی هم چون: الحیران، الحروف، سماع طبیعی، النفس و برخی تفاسیر ابن رشد بر ارسطو و یعقوب آناطولی مترجم آثار ابن رشد و آثار عربی بطلیموس اشاره کرد.

### د_ رابطه ی فرهنگی مسلمانان با اروپا

د_ رابطه ی فرهنگی مسلمانان با اروپا

اما در این فصل، به روابط علمی و فرهنگی و تأثیر گذاری تمدن مسلمانان بر اروپا در سطح کلی خواهیم پرداخت:

آلفرد کیوم در کتاب میراث اسلام با مقایسه ی دروس مسلمانان در قرن دهم و یازدهم با دروس مسیحیان در قرن یازدهم و دوازدهم، چنین نتیجه می گیرد که مسیحیان از نظر متنی و سازمانی، همان دروس مسلمانان را می خوانده اند.(۱) برخی بر این باورند که همه ی اصول و قوانین به کار رفته در دانشگاه های اروپا بر گرفته از دانشگاه های اسلامی است.(۲) اثر گذاری دانشگاه های اسلامی بر دانشگاه های اروپا در چند زمینه قابل بررسی است:

۱ _ هم گرایی در هدف و برنامه ی تدریس: این دانشگاه ها به نظامیه های بغداد بسیار شباهت داشت.

---

۱- نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، صص ۲۱۵ _ ۲۱۶.

۲- دانش مسلمین، ص ۳۵۴؛ فرهنگ اسلام در اروپا، ص ج ۲، ص ۲۹۷.

۲ ـ در هم آهنگی ساختار برنامه های درسی.

۳ ـ یکپارچگی کتاب های درسی: آنان بیشتر از ترجمه ی کتاب های مسلمانان بهره می برند و بنابر نقل گوستاولوبون، اروپائیان تا قرن پانزدهم گفته ای را که از عرب بر گرفته نبود، مستند نمی شمردند.(۱)

۴ ـ بر گرفتن آداب و رسوم دانشگاهی از دانشگاه های شرقی.

۵ ـ پیروی در سبک معماری و ساختمان سازی از دانشگاه های اندلس و الازهر.

۶ـ پیروی از دانشگاه الازهر در دسته بندی دانشجویان به دسته های گوناگون ملیّتی.

در زمینه ی علوم انسانی نیز اثرگذاری اندیشمندان مسلمان بر اندیشوران مسیحی اروپا انکارناپذیر است. اثرپذیری افرادی هم چون: آلبرت کبیر، توماس آکونیاس، راجر بیکن از ابن سینا، ابن رشد، فارابی، ابن میمون و ابن جردل به حقیقتی تاریخی تبدیل شده است. هانری کربن براین باور است که در قرون وسطی، مکتبی به نام مکتب ابن سینا گری پدید آمده بود که آتین ژیلون نیز وجود چنین مکتبی را تأیید می کند.(۲) هم چنین در عرفان اثر گذاری ابن عربی و غزالی را بر عارفان اروپایی مانند: آلیگیری، ریمونرلول، پاسکال و دکارت نباید از یاد برد.

---

۱- تمدن اسلام و عرب، ص ۷۳۵.

۲- سه حکیم مسلمان، سید حسین نصر، بر گردان: احمد آرام، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۰، چ ۱، ص ۵۷.

گفتنی است گسترش ادبیات مسلمانان به اروپا از راه تبادل فرهنگی با اسپانیا و سیسیل و نیز جنگ های صلیبی صورت گرفت که پی آمدهای آن در شکل ادبیات منظوم، داستان نویسی و شعر شاعران تروبادور(۱) و کمدی الهی دانته نمود یافته است. در ساحت اخلاق نیز رفتارهای اخلاقی حکمرانان مسلمان مانند صلاح الدین ایوبی و رفتار مسلمانان با زنان شان در دگرگونی رفتار مسیحیان با یکدیگر و زنان شان مشهود است. باید دانست آشنایی اروپاییان با علوم ریاضی، ستاره شناسی، ره آورد نهضت ترجمه ی اسپانیا است و ترجمه ی آثار خوارزمی، بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، عمرخیام و بطروجی، در پیشرفت ریاضیات و ستاره شناسی در اروپا نقش بزرگی داشته است. هم چنین مسلمانان در ساخت رصدخانه به نوآوری هایی دست زدند و اروپاییان را با برخی فنون جدید آشنا ساختند.

در زمینه ی پزشکی نیز باید گفت اندیشه و آثار پزشکان مسلمان از راه اسپانیا و ایتالیا وارد اروپا شد. در ایتالیا باید از نقش مدرسه ی سالرتو و پزشک معروف آن قسطنطین آفریقایی در گسترش پزشکی یاد کرد که هونکه زیگرید می گوید مسلمانان، آن را بنا نهاده اند.(۲) کتاب های قانون ابن سینا و حاوی رازی تا ۶ قرن بعد، زیر بنای پزشکی اروپا به شمار می رفت و اروپاییان بسیاری واژه ها و

---

۱- ر.ک: جان های آشنا، جلال ستاری، تهران، توس، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۷۳.

۲- فرهنگ اسلام در اروپا، ج ۲، صص ۱۵۴ _ ۱۵۵.

اصطلاحات پزشکی را از کتاب های مسلمانان بر گرفته اند.(۱) اروپاییان در چشم پزشکی و بیمارستان سازی نیز از مسلمانان، الگوبرداری کرده اند.

در شیمی، کیمیاگری ره آورد فرهنگ عربی برای غربیان بود.(۲) اگر آزمایشگاه های مجهز هزار سال پیش مسلمانان و یافته های مهم آنان نبود، هیچ گاه لاوازیه نمی توانست گامی به جلو بردارد.(۳) هم چنین در فیزیک، تأثیر ابن هیثم بر فیزیک دانان غرب مانند: راجر بیکن مشهود است. گفتنی است جرارد کرمنایی و ریسنر کتاب المناظر ابن هیثم را به زبان لاتین بر گردانده اند.(۴)

باید دانست که غرب در عرصه ی تکنولوژی نیز چیزی برای عرضه به مشرق زمین نداشت و در واقع، جریان انتقال تکنولوژی از مشرق به غرب برقرار بود. این انتقال تکنولوژی را در واژگان گوناگونی که به فرهنگ های لغت زبان اروپایی راه یافته است، می توان دید.(۵) اثرگذاری تمدن مسلمانان بر تمدن غرب از دیدگاه اندیشمندان غربی و شکوفایی و گسترش تمدن مسلمانان آن سان شگفت انگیز است که گروهی از آگاهان و اندیشوران غربی

---

۱- واژه هایی چون: جلاب عربی و گلاب فارسی ــ ربّ، صداع سردرد و الکحل یا الکل.

۲- تاریخ علم کمبریج، کالین ۱. رنان، برگردان: حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۳۲.

۳- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۱۲.

۴- زندگی و تمدن در قرون وسطی، صدرالدین میرانی، تهران انتشارات اقبال، ۱۳۴۷، چ ۱، ص ۳۶۵.

۵- ایران، اسلام، تجدّد، مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۷، چ ۱، مقاله ی «انتقال تکنولوژی در جهان اسلام به غرب»، صص ۱۸۶ ــ ۱۸۷؛ اسلام در غرب، صص ۳۵۲ ــ ۳۶۲.

کوشیده اند با دوری از غرض ورزی، راستی ها را آشکار سازند و به اندازه ی شناخت خویش، واقعیت های تاریخی را درباره ی اثرگذاری تمدن مسلمانان بر تمدن غربی بیان کنند. اینک برخی از این نظرها را می آوریم.

ولتر با اشاره به برتری دین اسلام بر مسیحیت و معقول و جدی بودن آن می نویسد:

در دوران توحش و نادانی پدید آمده پس از سقوط امپراطوری روم، مسیحیان همه چیز مانند: هیأت، شیمی، طب، ریاضیات و... را از مسلمانان آموختند. غربیان از همان قرون نخستین هجری ناگزیر شدند برای یاد گرفتن علوم متداوله ی آن روزگار به سوی مسلمانان روی آورند.(۱)

جرج سارتن نویسنده ی تاریخ علم با انفجاری خواندن پیدایش و رشد اسلام چنین می نگارد:

در مورد رشد انفجاری اسلام چیزی گویاتر از تثبیت این تاریخ جدید آن هم تنها ۱۷ سال پس از وقوع آن نیست. ۵ یا ۱۰ قرن طول کشید تا تاریخ میلادی تثبیت شود. از میانه ی سده ی هشتم تا سده ی دوازدهم میلادی، فرهنگ لاتینی تقریبا به طور مطلق، پس از فرهنگ اسلامی قرار گرفت. رکود فکری که در نیمه ی دوم سده ی هفتم و نیمه ی اول سده ی هشتم میلادی، دست کم در اروپا و خاور نزدیک، محسوس بود، عصر تجدید فعالیتی را به دنبال داشت که تا حدودی کاملاً ـ مدیون مسلمانان است.(۲)

حنّاالفاخوری می گوید:

دانشمندان غرب، دانش را از اسلاف خود فرا گرفتند که شاگردان مسلمانان

---

۱- دانش مسلمین، ص ۱۰۵.

۲- دانش مسلمین، ص ۱۱۰.

بودنـد، ولی شاگردان را بلنـد نام ساختنـد و اسـتادان را از یاد بردنـد. با آن که ملل دیگر به دانشـمندان خود افتخار می کنند و باید افتخار کنند، هرگز در سرتاسـر تاریخ طولانی خود، کسانی نبوده اند که به سـتایش و نشـر آثار و شـناساندن افتخارات، از اینان سزاوارتر باشند.(۱)

هم چنین هرمان راندال می نویسد:

مسـلمانان در قرن دهم میلادی، تمـدنی در اسـپانیا پدیـد آوردنـد که در آن تمـدن، علوم از صورت عقایـد مبهم در آمده و با صنایع و فنون زندگی علمی، هم آهنگی یافته بود. روی هم رفته مسلمانان در قرون وسطی، نماینده ی همان اندیشه ی علمی و زنـدگی صـنعتی بودند که ما امروزه به مردم آلمان نسبت می دهیم. آن چه ما دوست داریم روحیه ی فرانسـیس بیکن بنامیم، اروپاییان از مسلمانان به ارث برده اند که عبارت است از: گسترش دادن مرزهای قلمرو بشر در طبیعت.(۲)

ژوزف مک کاپ نیز چنین می نگارد:

حقیقت این است که در قرن هجدهم، ۸۵٪ اهالی اروپا بی سواد بودند، حال آن که هفت قرن پیش از آن، بیشتر اهالی اندلس، خواندن و نوشتن را به خوبی می دانستند.(۳)

ماکس میرهوف در این باره می گوید:

دانش اسـلامی ماننـد ماه تابان، تاریک ترین شب های اروپای قرون وسـطی را منور ساخت. چون علوم جدید ظاهر شد ماه بی رنگ شد، ولی همان ماه بود

---

۱- دانش مسلمین، ص ۱۲۰.

۲- دانش مسلمین، ص ۱۲۳.

۳- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۱۶.

که ما را در شب های تار هدایت کرد.(۱)

افزون بر آن پروفسور گیپ می نویسد:

هنگامی که به گذشته نظر افکنیم، می بینیم علوم و ادبیات شرق به منزله ی خمیر مایه ای برای تمدن غرب بوده است، به گونه ای که نفوذ روحیات و افکار شرق، روح تاریک مردم قرون گذشته ی غرب را روشن ساخته و آنان را به جهان گسترده تری هدایت کرده است.(۲)

## ۲ _ اسلام، ایران و تمدن معاصر

### اشاره

۲ _ اسلام، ایران و تمدن معاصر

در این بخش به اثرگذاری جنبش های اجتماعی و سیاسی و نقش ایرانیان در تکوین تمدن معاصر مسلمانان می پردازیم.(۳) باید دانست رویارویی مظاهر

---

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، به نقل از میراث اسلام، ص ۱۳۴.

۲- دانش مسلمین، ص ۳۱۹، به نقل از میراث اسلام، ص ۸۱.

۳- نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا؛ ره یافتی بر علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر، عبدالوهاب فراتی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۱؛ نقد و بررسی جنبش های اسلامی معاصر، نوگرایی دینی، حسن یوسفی اشکوری، تهران نشر قصیده، ۱۳۷۸، چ ۲؛ اندیشه ی اصلاحی در نهضت های اسلامی، محمد جواد صاحبی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷، چ ۱؛ تاریخ نهضت های دینی سیاسی معاصر، علی اصغر حلبی، تهران، ۱۳۷۱، چ ۱؛ اندیشه ی سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت، برگردان: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۲، چ ۳؛ اسلام در قرن بیستم، عباس محمود عتاد و حمید رضا آژیر، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، چ ۱؛نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران، عبدالهادی حائری، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، چ ۱؛ گرایش های سیاسی در جهان عرب، مجید خدوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴، چ ۱؛ جنبش های اسلامی در جهان عرب، هرابرد کمجیان، برگردان: حمید احمدی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲، چ ۲.

اقتصادی و نظامی تمدن جدید غرب با جامعه های مسلمان، واقعیت پس ماندگی، سستی و انحطاط این جامعه ها را نمایاند و با سلطه یافتن مستقیم و یا غیر مستقیم دولت های غربی بر کشورهای مسلمان، روحیه ی ذلت پذیری، پریشانی، فساد، فقر و درماندگی بر مردمان این سرزمین ها حاکم گردید.

جامعه های مسلمان به زودی با دو رویه ی ملموس تمدن بورژوازی غرب آشنا شدند؛ دانش و کارشناسی و رویه ی استعماری آن. وجدان های بیدار و حساس دیدن خمودگی، واپس گرایی و انحطاط مسلمانان و مقایسه ی آن با دوران شکوه و سربلندی پیشین تمدن اسلامی، بسیاری از روشنفکران و اندیشمندان مسلمان را به تکاپو و اندیشه وامی داشت. باری، آنان می دیدند که زمانی نه چندان دور مسلمانان بر جهان متمدن سیادت داشتند و تمدن آنان، پیشرو تمدن های جهانی بود ولی اکنون در قرن نوزدهم میلادی، به ده ها کشور و دولت، تجزیه شده و ناتوان گشته اند.

در برابر این وضعیت دردناک و آسیب های روزافزون آن که هویت دینی و ملی مسلمانان را تهدید می کرد، واکنش هایی صورت گرفت که با وجود رویه های متفاوت، همگی در رویکرد مبارزه جویانه و رهایی بخشی از زیر بار فرهنگ و تمدن غرب اشتراک نظر داشتند. گروهی، راه گریز را پیشنهاد دادند. برخی، جدایی دین از عرصه ی سیاست و اجتماع و پیروی کامل از الگوی تمدن غرب را تنها راه چاره دانستند. در رهیافت این تجددگرایان، نقد، اصلاح و احیای فرهنگ دینی جایی نداشت. سومین رویکرد به آن دسته از روشن فکران تعلق داشت که در اساس دین اسلام، ضعف و فتوری نمی دیدند و تنها

به فراموشی سپردن آموزه های اصیل اسلامی و استبداد داخلی و استعمار خارجی را در آن دخیل می دانستند. اینان که در نهضت احیاگری و اصلاح طلبی دینی جای می گیرند، شرط لازم برای پیروزی مسلمانان در پیکار با انحطاط تمدنی و دشمنان خارجی را در خودآگاهی دینی (شناخت دین اسلام)، خودآگاهی انسانی (و شناخت کرامت انسانی)، خودآگاهی تاریخی و فرهنگی (و شناخت تمدن دیرینه ی خودی) تربیت اخلاقی و معنوی و سلوک دینی، شناخت جهان معاصر و تمدن جدید غرب، یگانگی مسلمانان و جهان اسلام و پرهیز از فرقه گرایی می دانستند. گفتنی است در میان گروه سوم، ۲ رهیافت وجود دارد.

۱ ـ رویکرد اول به آشتی دین و عقل یا دین و دانش می اندیشد و با رد خرافه ها، بر ضرورت احیای سنت اجتهاد پافشاری می کند. این نظریه به دگرگونی مبانی و مبادی دین نمی پردازد.

۲ ـ رهیافت دوم به ضرورت نوسازی اندیشه ی دینی با بازسازی مبانی و مبادی دینی باور دارد.

اینک به بررسی شخصیتی بزرگان و پیش گامان نهضت احیا و اصلاح دینی می پردازیم که با وجود دیدگاه های گوناگون، در بازیابی هویت مشترک مسلمانان و باز تولید اندیشه ی اسلامی برای بازگشت به دوران شکوه مندی تمدن مسلمانان پافشاری دارند.

## الف: اصلاح گران جهان اسلام

### اشاره

الف: اصلاح گران جهان اسلام

زیر فصل ها

سید جمال الدین اسدآبادی

شیخ محمد عبده

حسن البنا

عبدالرحمان کواکبی

اقبال لاهوری

### سید جمال الدین اسدآبادی

سید جمال الدین اسدآبادی

بی تردید، سید جمال الدین اسدآبادی، سلسله جنبان و آغازگر نهضت های اصلاحی صد ساله ی اخیر است. نهضت او فکری و اجتماعی بود و با هر دو جامعه ی شیعه و سنی، پیوند نزدیک داشت. سید تنها راه چاره ی بحران های جهان اسلام را احیای اندیشه یا معرفت دینی و فراتر از آن، بازسازی اندیشه ی دینی می دانست. از دید او دور شدن از اسلام اصیل و نفوذ خرافه در باور مسلمانان کنار گذاشتن فضایل اخلاقی، نادیده انگاشتن دین، از خود بیگانگی و خودباختگی در برابر غرب، فرقه گرایی استبداد داخلی و استعمار خارجی، از عوامل انحطاط تمدن مسلمانان و از دست رفتن هویت آن به شمار می روند.

### شیخ محمد عبده

شیخ محمد عبده

پس از سید جمال، شیخ محمد عبده دومین شخصیتی است که از او به عنوان مصلح در جهان تسنن یاد می شود. روش عبده با

سید جمال در دو زمینه تفاوت داشت نخست این که وی هوادار اصلاح تدریجی بود و دیگر این که، آموزش و پرورش دینی را بر آموزش و پرورش سیاسی و حرکت های سیاسی مقدم می دانست.(۱) با این حال، کار سید و عبده، مکمل یکدیگر بود؛ زیرا هر دو بر ضرورت بازگشت مستقیم به منابع اصلی اندیشه ی دینی، توجیه عقلی

---

۱- نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، ص ۳۹.

احکام شریعت و احیای اجتهاد پافشاری می کردند.(۱)

## حسن البنا

حسن البنا

حسن البنـا در سـال ۱۳۴۷ ه . ق جنبش اسـلامی و سیاسـی اخـوان المسـلمین را در مصـر پـایه گـذاری کرد که بعـدها به دیگر کشورهای اسـلامی گسترش یافت. مهم ترین اهداف اخوان المسـلمین، برپایی حکومت اسـلامی و اصلاحات اجتماعی است و در جنبش های اجتماعی اسـلامی پس از خود، نقش برجسته ای داشته است. سطحی نگری، تعصب شدید دینی، بی توجهی به اجتهاد، آشفتگی در پاسخ گویی به مسایل عصر جدید، از نقطه ضعف های جنبش اخوان المسلمین شمرده شده است.

## عبدالرحمان کواکبی

عبدالرحمان کواکبی

وی اندیشمندی استبداد ستیز بود که دلیل پس ماندگی مسلمانان را آشفتگی وضع اقتصادی آنان می دانست. وی در این راه با کارشـکنی کـارگزاران اسـتبداد عثمـانی رو به رو گردیـد و به مبـارزه ی قلمی و فکری بـا آنان روی آورد. کواکبی، دردهای جامعه ی اسـلامی و رمز پس مانـدگی مسـلمانان را این موارد می دانست: کـج فهمی و دور افتادن از حقیقت اسـلام، اسـتبداد رأی، نبودن آزادی، ترک امر به معروف و نهی از منکر، سهل انگاری در دین، نفوذ روحانی نمایان، گسترش روح ناامیدی در میان مسلمانان، فقر و تنگدستی زمام داران مستبد و ناآگاهی ملت ها.

## اقبال لاهوری

اقبال لاهوری

اقبال لاهوری را باید یکی از قهرمانان اصلاح طلبی در جهان اسلام به شمار

---

۱- سیری در اندیشه ی سیاسی عرب، حمید عنایت، ص ۱۵۶.

آورد که اندیشه های اصلاحی اش در اندک زمانی در همه ی جهان اسلام گسترش یافت. نواندیشی های وی در عرصه ی اندیشه ی دینی بر اندیشوران پس از او، تأثیر فراوانی برجا گذاشته است. اقبال به بازنگری در ساختار مسلمانی، باور داشت و ویژگی های زیر را در وی می توان یافت: آشنایی ژرف با اندیشه های اجتماعی و فلسفی غرب، معنویت گرایی و درون گرایی، عمل گرایی و مبارزه جویی. البته آشنایی ناکافی با فرهنگ و فلسفه ی اسلامی و ارزیابی نادرست درباره ی شخصیت های جهان اسلام و حرکت های اسلامی را باید ضعف اصلی اقبال شمرد. برای نمونه، فلسفه ی ختم نبوت او به ختم دیانت می انجامد و در نگاه وی، وهابی گری و قیام آتاتورک، نهضت های اصلاحی پنداشته می شود، با این حال اقبال فلسفه ای دارد که آن را فلسفه ی خودی می نامد. او معتقد است که امت اسلامی، هویت واقعی خود را از دست داده است. از این رو می کوشد شایستگی های این امت را به یاد او آورد و بار دیگر او را به خودش مؤمن سازد.(۱)

### ب ـ جنبش های اصلاحی و سیاسی شیعی

### اشاره

ب ـ جنبش های اصلاحی و سیاسی شیعی

زیر فصل ها



### جنبش تنباکو

جنبش تنباکو

جنبش تنباکو را روحانیان ایران آغاز کردند که با دخالت حاج میرزا حسن شیرازی؛ زعیم بزرگ حوزه ی علمیه ی نجف اشرف، به پیروزی نهایی رسید. نهضت تنباکو که آغازگر حرکت منسجم و توفنده ی روحانیت شیعه بود،

۱- نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، صص ۵۰ _ ۵۶.

قدرت استبداد داخلی و حضور استعمار خارجی را به چالش کشاند. البته برخی چون مهندس مهدی بازرگان به اشتباه بر این باورند که «حرکت میرزای شیرازی نه ضد استعمار بوده است و نه ضد استبداد».(۱)

## جنبش استقلال طلبانه ی میرزا محمدتقی شیرازی

جنبش استقلال طلبانه ی میرزا محمدتقی شیرازی

وی رهبر انقلاب عراق بر ضد استعمار بریتانیا بود. آن هنگام که بریتانیا خواست نماینده ی خود، پیتر پرسی کاکس را در مقام رییس حکومت عراق به مردم تحمیل کند، میرزای شیرازی، فتوای جهاد صادر کرد و با سازمان دهی روحانیان مبارز و برانگیختن احساسات مردمی به مطالبه ی حقوق مشروع ملت، استقلال کشور و تشکیل حکومت اسلامی پرداخت. او در این راه از همکاری بزرگانی هم چون: شیخ مهدی خالصی، سید محمد نقی شیرازی، شریعت اصفهانی و سید ابوالقاسم کاشانی بهره مند بود.

## جنبش مشروطیت

جنبش مشروطیت

نقش بزرگان حوزه ی نجف و روحانیان مقیم تهران در جنبش مشروطیت بسیار چشم گیر است. این بزرگان عبارت بودند از:آخوند خراسانی، شیخ عبداللّه مازندرانی، میرزا خلیل تهرانی، سید عبداللّه بهبهانی، سید محمد طباطبایی و شیخ فضل اللّه نوری. اگر فداکاری و اندیشه های اصلاحی اینان نبود، نهضت مشروطیت هیچ گاه پیروز نمی شد، چنان چه بعدها نیز با کنار رفتن روحانیت و چیرگی اندیشه های غرب زدگانی هم چون: آخوند زاده، میرزا ملکم، طالبوف و تقی زاده، نهضت مشروطه در رسیدن به اهداف خود ناکام ماند و به دیکتاتوری رضا خان انجامید. خیزش های مردمی در اصفهان،

---

۱- نوگرایی دینی، گفت گو با مهندس مهدی بازرگان، ص ۳۴.

تبریز و مشهد، جنبش مردم اصفهان به رهبری حاج آقا نوراللّه اصفهانی، نهضت تبریز به رهبری میرزا صادق تبریزی و نهضت خراسان به رهبری مرحوم حاج آقا حسین قمی، در ادامه ی حرکت پیشروانه ی روحانیت شیعی در هواداری از اندیشه ی اسلامی و حقوق مردم رخ داد.

در زمینه ی نهضت اصلاحی فکری باید از میرزای نایینی یاد کرد که کتاب تنبیه الامه و تنزیه الملّه را به نگارش درآورده است و از هواداران سرسخت مشروطه بود. پس از او نیز بزرگانی هم چون: سید عبدالحسین شرف الدین، سید محسن امین عاملی، آیت اللّه العظمی بروجردی، علامه طباطبایی و شهید مطهری، زمینه را برای تداوم حرکت های اصلاح طلبانه فراهم آوردند. البته باید تلاش ها و اندیشه های اصلاحی شخصیت های بزرگی مانند: دکتر علی شریعتی و مهندس مهدی بازرگان را نیز ارج نهاد. هر چند در مسیر فکری آنان، اشتباه هایی دیده می شود، ولی در نهضت بیدارگری مسلمانان، نقش مهمی داشته اند.

## نهضت ملی شدن صنعت نفت

نهضت ملی شدن صنعت نفت

این نهضت یکی از بزرگ ترین و شکوه مندترین نهضت های سیاسی، اجتماعی و فکری ایران معاصر است که با گرد هم آمدن روحانیت پیشرو به رهبری آیت اللّه کاشانی و نیروهای روشن فکر به رهبری دکتر محمد مصدق به بار نشست و البته بعدها با پیدایش اختلاف میان همین دو گروه به شکست گرایید. این نهضت در شکل گیری خط فکری نیروهای اصلاح طلب اسلامی، نقش بنیادینی داشت که پی آمدهای آن را در انقلاب اسلامی به خوبی می توان دید.

## انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران

این انقلاب، بزرگ ترین حرکت اصلاحی و انقلابی در جنبه های فکری، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان اسلام به شمار می آید و در واقع، آن را باید انقلاب ارزش ها نامید. با رهبری بی بدیل امام خمینی رحمه الله و گرد آمدن مردم بر محور آموزه های حیات بخش اسلام این انقلاب که برآیند همه ی اندیشه های مثبت اصلاحی پیشین بود، به پیروزی رسید.

باری، جنبش های اصلاح جو و احیاگر نیروهای روشن بین و نواندیش اسلامی و خیزش های اجتماعی و سیاسی نیروهای اصلاح طلب در نهضت بیدارگری مسلمانان در تاریخ معاصر جهان اسلام، نقش بنیادین و اساسی داشته است که اگر با آسیب های آن به درستی مبارزه شود، سامان دهی تمدن جدید مسلمانان را در پی خواهد داشت.

شماری از آسیب هایی که اندیشه ورزان اجتماعی و سیاسی برای حرکت های اصلاحی برشمرده اند، بدین قرار است: نفوذ اندیشه های بیگانه، تجددگرایی افراطی، رخنه ی فرصت طلبان، ابهام و آشفتگی در طرح های فراروی، انحراف از ارزش ها و اندیشه های اصلی، التقاط و پراکندگی فکری، بی توجهی به اندیشه های پیشین، بی توجهی به روش شناسی و معرفت شناسی دینی، دوری از نقد تاریخی، تبیین نگشتن مبانی تکامل و ساختارهای آن، اثرپذیری شتاب زده و احساسی از جریان های اجتماعی، دوام نیافتن، پیروی از غرب، درک نادرست، نارسا و متفاوت از آموزه های اصیل اسلامی، واکنش تند، منفی و بی پشتوانه ی جامعه های اسلامی در برابر پدیده های فرهنگی تمدن

مغرب زمین.(۱)

به جز اندیشه ها و جنبش های اصلاحی و سیاسی که برشمردیم، اندیشمندان دیگری نیز بوده اند که در ذیل همین خیزش ها جای می گیرند. گفتنی است برخی از آن ها اثر مثبت و برخی، اثر منفی داشته اند و پاره ای، درست اندیشیده و دسته ای به انحراف گراییده اند. از میان این اندیشمندان به: قاسم امین، رشید رضا، مصطفی عبدالرزاق، شاه ولی اللّه، سر احمد خان هندی، سید امیر علی هندی، سید قطب، ابوالاعلی مودودی، محمد بن علی سنوسی (در لیبی) عبدالرحمان کواکبی(۲)، عمر مختار و جنبشهای انطباقی در زمینه ی تطبیق اسلام با سوسیالیسم، ناسیونالیسم و دموکراسی در کشورهای عربی و ایران می توان اشاره داشت.(۳)

## ج _ جایگاه تمدن مسلمانان در جهان معاصر

ج _ جایگاه تمدن مسلمانان در جهان معاصر

کوشش های اصلاح طلبانه در جهت بازیابی هویت اسلامی، اسلام را به سنگ محکم مقاومت های مردمی در برابر غرب تبدیل کرد؛ برای مردمی که از نظر سیاسی، زیر سلطه بودند. بی تردید، اثبات هویت اسلامی با تقلیدی سطحی از برخی نهادهای اروپایی ناقص خواهد بود. لذا این نهضت نیز با ژرف نگری

---

۱- ر.ک: نوگرایی دینی، حسن یوسفی اشکوری، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷، نشر قصیده، ص ۵۶ _ ۳۸۵ با تخلیص و تصرّف.
۲- تاریخ نهضت های دینی _ سیاسی معاصر، صص ۳۹ _ ۹۷ و ۱۴۴ _ ۱۷۶.
۳- ر.ک: اندیشه ی سیاسی در اسلام معاصر، ص ۲۰ _ ۴۵.

ویژه ای در راه بازگشت به سرچشمه های معنوی و فرهنگی اسلام، گام بر می دارد.

اینک بیش از یک میلیارد مسلمان در ۴۲ کشور جهان زندگی می کنند که نزدیک به ۳۱ آرای مجمع عمومی سازمان ملل متحد را در اختیار دارند. هر چند کشورهای اسلامی در شمار کشورهای در حال توسعه طبقه بندی شده اند ولی در عرصه ی اقتصادی، پیکره ی یکپارچه ای را تشکیل نمی دهند. دولت های اسلامی هنگام ورود به صحنه ی بین المللی، بنابر ضرورت خود را با نهادهای سیاسی و حقوقی که بر محور دولت _ ملت شکل گرفته است، هم آهنگ ساخته اند. اسلام در ساختار این کشورها، نقش گونه گونی دارد و فقه اسلامی کم و بیش در آن ها جاری است. این گونه گونی قلمرو وسیعی را از ترکیه لاییک تا عربستان سعودی در بر می گیرد.

گفتنی است، در حال حاضر ۳۱ جمعیت صحرایی آفریقا را مسلمانان تشکیل می دهند. اسلام که در این منطقه نسبتا جدید است، با مایه ی فرهنگی دست نخورده ای سازگار گشته و بی آن که ویژگی مذهبی خود را از دست بدهد، ساختار ویژه ای یافته است. اعتلای اسلام در این منطقه از گسترش ارتباطات، اثرپذیرفته و تقابل آن با مسیحیت باوری استعمارگران، از نظر روانی به گسترش اسلام کمک کرده است.

هم چنین امروزه مسلمانان در آمریکا، نیروی حیاتی و اثرگذاری را تشکیل می دهند. افزون بر آن، سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، بزرگ ترین سازمانی است که همکاری دولت های اسلامی را جهت می بخشد و تاکنون در رشد روحیه ی تعاون و برادری جامعه های اسلامی، نقش بسزایی داشته است.

چشم انـداز بسـیار گسترده و در حـال رشـد جهـان اسـلام بـا همه ی تفاوت های جزیی آن در گوشه و کنار دنیا، از حضور پر رنگ اسلام و تبدیل آن به بینشی ایده آل برای سازمان دهی جامعه های انسانی حکایت می کند.

می توان گفت مسـلمانان بـا اثرپـذیری از آرمـان هـای گونـاگون، به طور هم زمان به سوی دولت به عنوان فضای اجتماعی ـ سیاسـی امت مؤمنین به عنوان فضـای معنوی در حرکت هسـتند. این نیروهای متمایل به مرکز و گریز از مرکز بیشتر اوقات تأثیر دو سویه بر یکـدیگر دارند و به پیدایش گونه ای بی ثباتی سیاسـی و گونه گونی ایدئولوژیک و اقتصادی در جهان اسـلام می انجامند. با این حال، جهان اسـلام و مسـلمانان هنوز به طور کامل از انزوای علمی به در نیامده اند و جامعه ی علمی کشورهای مسـلمان در پراکندگی فکری به سـر می برند. به همین دلیل، فرار مغزها در این جامعه در حال گسترش است و از نظر زیربنای فکری نیز هنوز نتوانسته اند به باز تعریف هویت مشترک خود دست یازند.(۱)

### د ـ چالش های تمدن مسلمانان در جهان معاصر

#### ۱ ـ نگرش های افراطی و تفریطی به فرهنگ خودی و غرب

از پیـدایش نگرش های هویت یاب در میان مسـلمانان، سال های درازی می گـذرد و کوشـش های فکری بی شـماری در این زمینه صورت گرفته است، ولی هنوز مسلمانان به یکپارچگی و هم آهنگی مناسب و لازم نرسیده اند.

---

۱- اسـلام و جهان امروز، مارسل بوازار، برگردان: مسعود محمدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹، چ ۱، ص ۱۴۳، با تصرف.

در یک سو، گروهی به غرب ستیزی مطلق روی آورده انـد و هیـچ گونه تبادل مثبت فرهنگی با غرب را بر نمی تابند. در سوی دیگر نیز، گروهی در تحلیـل هـا و رهنمودهـای خود، فرهنگ خودی را قربانی نظریه ها و پیشـنهادهای غربی می کننـد. از این رو، نداشتن اندیشه ی اعتدالی برتر و فراگیر که دیگر اندیشه ها را زیر بال و پر خود بگیرد، از مشکلات اصلی تمدن مسلمانان در عصر حاضر به شمار می رود.

### ۲ ـ پراکندگی فکری و عملی

مصـلحان، روشـن نگران و خردورزان مسـلمان مـدت هـاست مسـلمانان را بـه وحـدت فرا می خواننـد و در این راه، گـام هـای بسیاری در سـطح ملت ها و دولت ها برداشـته شده است. با این حال، مسـلمانان به وحدت دلخواه نرسیده اند و در پراکندگی فکری و عملی به سر می برند.

### ۳ ـ ناهم آهنگی نخبگان

اگر نخبگان جامعه های اسـلامی با یکدیگر هم آهنگ و یکدل شوند و از نظر علمی و فکری به هم اندیشی برسند، می توانند با دگرگون ساختن، جریان علمی کشورهای مسلمان و جهان، حرکت به سوی بازسازی تمدنی را شتاب بخشند.

### ۴ ـ خودکامگی و وابستگی دولت های مسلمان

اعتلای فرهنگی و تمـدنی به پیش زمینه هایی هم چون: آزادی اندیشه و نوآفرینی نیاز دارد. نمی توان دسـتان اندیشه ورزان را بست و از آنـان، نوآوری، نواندیشـی و گشاینـدگی انتظـار داشت. از این رو نگرش های تنگ نظرانه و اسـتبدادی و وابسـتگی دولت های برخی کشورهای مسلمان به قدرت های استکباری، مانع اصلی بر سر قدرت یافتن تمدن مسلمانان به شمار می رود.

## ۵ _ نبود ساختار اندیشه سازی نوین

فرهنگ و تمدنی می تواند نقش پیشتاز و پیشرو داشته باشد که همواره در حال بازپروری و تولید اندیشه باشد آن چه جهان را می سازد، بازآفرینی همیشگی در عرصه ی خرد و اندیشه ی انسانی منتها بر اساس بینش دینی است.

مشکل دیگر در بازسازی تمدن مسلمانان در جهان معاصر، ناتوانی در تولید اندیشه ی ناب و پاسخ گوی اسلامی است. بیشترین اندیشه های امروزین اندیشوران مسلمان، پیروی از نظریه ها و اندیشه های صاحب نظران جهان غرب است، به گونه ای که حتی در نفی غرب نیز این دنباله روی به چشم می خورد. در این زمینه باید دانست خودباوری، بازبینی توانایی ها و نارسایی ها، آشنایی دقیق و انتقادی با فرهنگ غرب، به کارگیری همه ی استعدادها و جسارت در بازگویی اندیشه های جهانی، پیش شرط های اساسی برای طرح اندیشه های نوین و روزآمد به شمار می روند.

## ۶ _ دگرگونی های پر شتاب جهانی

جهان، جهان در حال حرکت است و سکون در آن جایی ندارد، حال مهم نیست که این حرکت را سیر پیش رونه بدانیم یا قهقرایی. امروزه دگرگونی های جهانی، شتابی خیره کننده یافته و انبوه یافته های مادی و معنوی، روح و روان انسان را به تسخیر خود در آورده است. پدیده های جدیدی هم چون انفجار اطلاعات و انفجار جمعیت نیز بر این حرکت پر شتاب افزوده اند. بنابراین فرهنگ ها و تمدن ها باید بکوشند در این فضا، حیات بالنده ی خود را تضمین کنند، زیرا در غیر این صورت، محکوم به فنا خواهند بود. در دنیای موسوم به موج سوم که اطلاعات و ارتباطات بر آن فرمانروایی

می کند، باید بکوشیم قدرت اندیشه، تصمیم گیری و گزینش را از دست ندهیم تا بتوانیم هم پای این دگرگونی های شتابنده گام برداریم.

### ه ـ نقش انقلاب اسلامی ایران در بازسازی تمدن مسلمانان

#### اشاره

ه ـ نقش انقلاب اسلامی ایران در بازسازی تمدن مسلمانان

بی تردید، انقلاب اسلامی ایران، نقش عینی و اجتماعی دین را احیا کرد و به بیداری و حتی تولد روحیه ی اصالت گرایانه در دیگر ادیان جهان انجامید. حقیقت بزرگ دهه های پایانی هزاره ی دوم، توجه دوباره ی انسان به نقش دین در ساختن یک نظام تمدنی و فرهنگی جدید بود که در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران تبلور یافت. انقلاب اسلامی دو پی آمد مهم دربرداشت که بدین قرار است:

۱ ـ مسلمانان را از کارآمدی و توان مندی دین اسلام در برابر بدیل های آن، آگاه ساخت .

۲ ـ جایگاه پدیده ی اساسی دین را در معادله های سیاسی و فرهنگی جهان تثبیت کرد.

انقلاب اسلامی ایران در زمینه های زیر به رشد و بالندگی فرهنگ و تمدن مسلمانان یاری رسانده است:

الف ـ انقلاب، کسانی را بر مسند قدرت نشاند که از نظر فرهنگ سیاسی و الگوی رفتاری از همگونی ویژه ای برخوردار بوده و بومی نیز هستند. نخبگان جدید که از قشر اکثریت جامعه هستند، کمتر از فرهنگ جدید جهانی اثر پذیرفته اند. آنان در قالب فرهنگی ویژه ای که ایرانی ـ اسلامی تر است، رفتار اجتماعی خود را عرضه می کنند. افزون براین، به قدرت رسیدن نخبگان جدید،

این باور را به همراه آورد که سیاست، ورزش شاهان یا نتیجه ی اراده ی خارجیان نیست.(۱)

ب ــ انقلاب، قطار دگرگونی های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و تمدن سازی ایران را که در ۲۰۰ سال گذشته از ریل بیرون رفته بود به مسیر طبیعی خود باز گرداند.

ج ــ شعار اصلی انقلاب (استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی) این گونه معنا شد که همه ی قدرت های بیگانه باید ایران را ترک کنند.

د ــ خود بازیابی ایرانیان و پیرو آن همه ی مسلمانان

انقلاب اسلامی ایران با چهار ویژگی آرمان گرایی، جهان شمولی، مردمی بودن و ایران گرایی نشان داد که می خواهد تجدد خواهی اصیل را دوباره زنده گرداند. هم چنین با هشت سال دفاع دلیرانه از سرزمین خویش، به جهانیان فهماند که در احیای ایران مدرن نه مدرن گرا، سنتی نه سنت گرا، دموکرات نه دموکرات گرا استوار است. یکی از نویسندگان معاصر در تبیین تفاوت های سنتی با سنت گرا، مدرن با مدرن گرا و دموکرات با دموکرات گرا چنین می نویسد:

مدرن به منزله ی تجدد و روز آمدی است و مدرن گرایی به معنی نو شدن ظاهری است. سنت، پای بندی به اصول و میراث تمدنی و بومی است، در حالی که سنت گرایی تقلید ظاهری از سنت است. دموکرات کسی است که حق مردم را باور دارد و برای حقوق اکثریت احترام قایل است و حضور اقلیت

---

۱- پگاه حوزه، ش ۷، ص ۱۲، گفت و شنود با دکتر فرهنگ رجایی.

را تحمل می کند، در حالی که دموکرات گرا، غوغا سالار و توده باز است.(۱)

بنابراین، هرگاه احساس انقلابی بر انقلابی گری پیشی بگیرد صدای تجدد خواهی، روز آمدی، سنت و مردم سالاری دینی، رساتر می شود. نسل جوان ایرانی مهم ترین و اصلی ترین پشتوانه این صداقت و پس از آنان، همه ی کسانی که دل به این صدا بسته و چشم بدان دوخته اند، باید در این راه گام نهند. انقلاب اسلامی ایران و نسل جوان آن، دوران های حساسی را پشت سر گذارده و حماسه هایی آفریده است که با پشتوانه ی آن ها می تواند در باز تولید تمدن مسلمانان، نقش اساسی ایفا کند. دوران ها و نقطه های عطف زندگی مردم ایران بدین قرار است:

۱ _ انقلابی مردمی که در سال های اخیر همانند آن بروز نکرده است.

۲ _ فروپاشی نظام ۲۵۰۰ ساله ی پادشاهی

۳ _ تجربه ی جنگ هشت ساله و حفظ تمامیت ارضی.

انقلاب اسلامی در مقام سردمداری حرکت اصلاحی و احیاگر نوین اسلامی و پس از آن، همه ی اندیشورزان مسلمان در مقام کارگزاران این جنبش باید برای بازتولید تمدن مسلمانان راهبردی متناسب برگزینند. ویژگی ها و اصولی که راهبرد یاد شده باید بر پایه ی آن استوار گردد، بدین قرار است:

### ۱ _ عدالت

---

۱- پدیده ی جهانی شدن، فرهنگ رجایی، برگردان: عبدالحسین آزرنگ، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۲۰.

دست یابی به عدالت، اساسی ترین آرمان و نیاز جامعه های انسانی است. اگر تمدنی بتواند عدالت را به بهترین روش در گسترده ترین قلمرو فراهم آورد در روند تمدنی خود بسیار موفق خواهد بود

## ۲ _ کرامت انسانی

حفظ کرامت انسانی و حقوق اساسی جامعه های انسانی در همه ی عرصه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به پیدایش تمدنی سترگ کمک خواهد کرد. اگر کرامت آدمیان و حقوق اساسی آنان رعایت نگردد به پیدایش تمدنی پویا و زنده نمی توان امیدوار بود.(۱)

## ۳ _ هم اندیشی نخبگان فکری و علمی

هم اندیشی دانشمندان، نخبگان و اندیشمندان مسلمان، برای بنای تمدنی بزرگ و فراگیر کاملاً ضروری است و تا این مهم رخ ندهد، تمدنی پدید نخواهد آمد.

## ۴ _ دست یابی به هویت جمعی مسلمانان

رسیدن به هویت جمعی و پافشاری، روح یگانگی را در میان مسلمانان می آفریند و آنان را نسبت به آینده خوش بین تر می سازد. در این صورت،اعتلای جایگاه تمدنی و دست یابی به اهداف فراروی تمدن اسلامی، امکان پذیر خواهد شد.

## ۵ _ به دست آوردن ابزار مادی تمدن

---

۱- دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، مقاله ی زمینه ها و راهبردهای شکوفایی تمدن و فرهنگ در جمهوری اسلامی، بهرام اخوان کاظمی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۸، چ ۱، به نقل از علامه ی جعفری، نشریه ی جام، ش ۲۷، ۱۳۷۳.

تمـدن بر پـایه ی ویژگی مـادی و معنـوی بنـا گردیـده است. به همین دلیـل، فراهم آوردن ابزار مـادی و فن آوری برای تمـدن مسـلمانان مسأله ای حیـاتی به شـمار می رود. تمـدن مسـلمانان در دوره ی اوج فعـالیت خود ازاین ابزار بهره منـد بوده است و اینک نیز برای بازسازی ساختارهای تمـدنی خویش باید پس از دست یابی به فن آوری های گوناگون، به نوآفرینی در آن ها دست یازد.

### ۶ _ مسؤولیت پذیری نخبگان

موضوع مهم دیگر در تمـدن سازی تلاش پی گیر و کوشـش خسـتگی ناپـذیر و به دور از نومیـدی و رفاه زدگی فرهیختگان و دانایان جامعه است. علم و تمدن با گسترش روحیه ی آسایش طلبی و آسودگی هم خوانی ندارد.

### ۷ _ منطق جمعی

۷ _ منطق جمعی(۱)

سرشت جهـان امروز بـا تـک روی و کارهای فردگرایانه هم آهنگی نـدارد. امروزه همه ی نوآفرینی ها بر اساس کار جمعی و روحیه ی جمع گرایـانه انجـام می پـذیرد. از این رو، یکپـارچگی و همکـاری دانشـمندان مسـلمان و نهادهای علمی کشورهای اسلامی با یکدیگر در فرآیند حرکت های علمی و تمدن سازانه، از اهمیتی بسزا برخوردار خواهد بود.

### ۸ _ آفرینندگی فرهنگی

۸ _ آفرینندگی فرهنگی(۲)

زایش و پویش فرهنگی و قـدرت آفرینش فکری، ویژگی اساسـی و شـرط لازم برای تمـدنی است که داعیه ی جهـانی شـدن دارد. بدون این ویژگی حیاتی،

---

۱– نامه ی فرهنگ، سال ۳، ش ۴، ص ۱۶۷، گزارش مقاله ی محمود سریع القلم.

۲– اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، ش ۱۰۰ _ ۱۰۲، بهمن و اسفند ۷۴، ص ۲۲، مقاله ی داوود باوند.

جریان تمدنی به ایستایی دچار خواهد شد و شاخسار آن، میوه ای نو بر نخواهد داد.

## ۹ _ ارج گذاری دانش و اندیشمندان

نمی توان داعیه ی تمـدن سازی داشت، ولی فضـیلت دانش و دانش جویی را پاس نداشت. نمی توان از تمدن سازی سـخن به میان آورد، ولی جایگاه فضـیلت مداران را به ناداشـتگان فضـیلت سپرد و بر فرهیختگان و فرزانگان، سـتم روا داشت. بنا بر این توجه معنوی و مـادی به درس آموختگـان مکتب دانایی و قدرشناسـی از آنان، امری بس مهم و کارساز در رونـد تمـدن زایی است.

## ۱۰ _ ترسیم چهره ی رحمانی دین

۱۰ _ ترسیم چهره ی رحمانی دین(۱)

دین در عرصه ی تمدن های دیروزی و امروزی نقشـی بی بدیل را به خود اختصاص داده است. حتی تمدنی مانند تمدن غرب که دین را به دور دست هـا رانـده است، امروزه از پی آمـدهای چنین جفـای خـود کرده ای ناخرسـند است. برای آن که دین، نقش بنیادین خود را به شایسـتگی در نهاد تمـدن مسـلمانان ایفا کنـد، بایـد اسـلام همان گونه که هست و با همان چهره ی پر رحمت و عطوفت آن نمایانده شود.

## ۱۱ _ معرفت دینی

یکی از برتری های باور دینی بر دیگر عوامل اجتماعی این است که اندیشه ی بشـر را از امید به رستگاری سیراب می سازد. از این رو، شناخت درست جنبه های گونه گون اندیشه ی دینی، آگاهی از کارکرد اجتماعی،

---

۱- دانشـگاه جامعه و فرهنگ اسـلامی، مقاله ی زمینه ها و راهبردهای شـکوفایی تمدن در جمهوری اسلامی، صص ۱۲ _ ۳۲، عطاء اللّه مهاجرانی.

فرهنگی و سیاسی آن و بازبینی عناصری که به بالندگی یا افسردگی آن می انجامند، پیش زمینه ی بازسازی تمدن مسلمانان در جهان معاصر به شمار می روند.

## ۱۲ _ خردورزی اعتدالی

حتمی ترین پایه تمدن، بکارگیری صحیح عقل است. به همین دلیل، باور خرد در ساحت دین _ البته در اندازه های خودش _ باید مسأله ای بدیهی به شمار آید. گفتنی است منظور ما آن عقلانیتی است که حوزه ی سلطه ی خویش را به درستی بشناسد و به عقل بوالفضول تبدیل نگردد.

## ۱۳ _ پیوند عقل و وحی

مهم ترین عامل در بازسازی تمدن مسلمانان، توجه هم زمان به دو مقوله ی عقلانیت و وحیانیت است. البته این بدان معنا نیست که در عقل، وحی و در وحی، عقل راهی ندارد، بلکه منظور آن است که ما حضور عقل را در محدوده ی آن به رسمیت بشناسیم و حضور وحی را در ساحت زندگی بشر برای هدایت او به سوی رستگاری بپذیریم. در هم آهنگ ساختن عقل و وحی باید عناصر اساسی این دو به گونه ای درست، مناسب و متناسب، با یکدیگر پیوند یابند. در واقع بزرگ ترین چالش فراروی تمدن مسلمانان چگونگی پیوند دادن این دو در زمانه ی حاضر و در هزاره ی سوم است که اگر چنین شود، بزرگ ترین هنرمندی نخبگان مسلمان و اندیشمندان اسلامی را رقم خواهد زد.

انقلاب اسلامی و تمدن سازی از دیدگاه مقام معظم رهبری

رهبر فرزانه ی انقلاب، حضرت آیه اللّه خامنه ای (مدظله) خط سیر کلی نظام اسلامی را رسیدن به تمدن اسلامی می داند و بر اندیشه ی تمدن محور در

انقلاب اسلامی پای می فشارد. ایشان تولید فکر و پرورش انسان را دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن اسلامی معرفی می کند و درباره ی زمینه های آسیب پذیری تمدن مسلمانان می فرماید:

یکی از زمینه ها تحجر است. نگاه نو به مسایل نکردن، گذران تاریخ و تحول فکر انسان ها را نادیده گرفتن. در کنار تحجر، ولنگاری فکری و عملی. ولنگاری و بی بندوباری چه در فکر یعنی این که انسان هر آن چه را که در بازار فکر و اندیشه مطرح می شود، بدون ارزیابی، بدون نقادی، بدون فهم درست با آن مواجه بشود و چه در عمل؛ یعنی نقطه ی مقابل تقوا. از جمله آفت ها، طعمه جویی است و از طرف دیگر، دشمن خارجی است... امروزه حقیقت این است که نظام فکری در صحنه ی جهانی با حقد و کینه ی مراکز قدرت جهانی مواجه است.(۱)

مقام معظم رهبری هنگام بر شمردن رسالت حوزه و دانشگاه در تمدن سازی، حوزویان را به ایجاد صلاحیت های لازم برای مقابله با بحران های فکری، توجه به فلسفه ی اسلامی به عنوان منطق عقلانی، تحلیل درست از مسایل سیاسی و فکری، غیرت مندی دینی، پرهیز از کارهای آشفته و بی رویه ی سیاسی و توجه به همتای علمی خود _ دانشگاه _ سفارش می کند. همین موضوع ها به طور عینی برای دانشگاهیان نیز مطرح خواهد بود. البته درباره ی دانشگاه باید به ویژگی های انحصاری یا همزاد آن توجه شود.

---

۱- سخنان مقام معظم رهبری در مدرسه ی فیضیه قم، به نقل از پگاه حوزه، ش ۱، صص ۲و۳.

## کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه، سید کاظم ارفع، تهران، فیض کاشانی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

* نهج البلاغه، محمد علی انصاری.

* نهج البلاغه، عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۷۶.

* نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مؤمنین، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱_ آرنولد، توماس؛ الدعوه الی الاسلام، حسن ابراهیم حسن و دیگران، قاهره، مصر، مکتبه النهضه المصریه، چاپ دوم، ۱۹۷۵.

۲_ آل علی، نورالدین؛ اسلام در غرب، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۳_ اِ اسماور، لاری، ریچاردای پورتر و لیزا اِ اسنفانی؛ ارتباط بین فرهنگ ها، غلام رضا کیانی، و سید اکبر میرحسینی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۴_ ابراهیمی دینانی، غلام حسین؛ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام (جلد سوم)، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۵_ ابن خلدون، مقدمه ی ابن خلدون، محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.

۶_ ابن ندیم؛ الفهرست، قاهره، العربی، لنشر و التوزیع، ۱۹۹۱ م.

۷ــ اتینگهاوزن، ریچارد و اگو گرابر؛ هنر و معماری اسلامی، یعقوب آژند، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه ها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۸ــ احمد، عزیز؛ تاریخ سیسیل در دوره ی اسلامی، برگردان: نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۹ــ اسعدی، مرتضی؛ ایران، اسلام، تجدد، تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۰ــ اسلامی ندوشن، محمد علی؛ فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران، یزدان، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۱ــ اسنیس، والتر ترنس؛ دین و نگرش نوین، احمدرضا جلیلی، تهران، حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۲ــ افروغ، عماد؛ چالش های کنونی ایران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۳ــ اکسفورد، باری؛ نظام جهانی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ، حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۴ــ العش، یوسف؛ کتاب خانه های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطا، اسداللّه علوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۵ــ الفاخوری، حنّا و خلیل البحر، تاریخ فلسفه در جهان اسلام، عبدالمحمد آیتی، تهران، زمان، چاپ اول، ۱۳۵۵.

۱۶ــ الفونسو نلیّنو، گرلو؛ تاریخ نجوم اسلامی، احمد آرام، تهران، چاپ خانه ی بهمن، چاپ اول، ۱۳۴۹.

۱۷ــ الگود، سیریل؛ تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، باهر

فرمانی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۸ــ امیرعلی؛ تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام، ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، مشهد، موسسه ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۱۹ــ باشا، حسن؛ موسوعه العماره و الآثار و الفنون السلام یه، قاهره، مکتبه دارالعربیه الکتاب، چاپ اول، ۱۴۲۰.

۲۰ــ بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، (مجموعه ی مقالات)، کتاب و کتاب خانه در تمدن اسلامی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۱ــ بنیاد دائره المعارف اسلامی، دانش نامه ی جهان اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۲۲ــ بوازار، مارسل؛ اسلام و جهان امروز، مسعود محمدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۲۳ــ پاشایی، ع؛ فرهنگ اندیشه ی نو، تهران، مازیار، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۲۴ــ پرایس، کرستین؛ تاریخ هنر اسلامی، مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگ، چاپ دوم، ۱۳۶۴.

۲۵ــ پیرو، آسن؛ فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۲۶ــ تالبوت رایس، دیوید؛ هنر اسلامی، ماه ملک بهار، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۲۷ــ تقی زاده، سیدحسن؛ تاریخ علوم در اسلام، تهران، فردوس، چاپ اول (جدید)، ۱۳۷۹.

۲۸ـ توین بی آرنولد؛ جنگ و تمدن، خسرو رضایی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۲۹ـ حائری، عبدالهادی؛ نخستین رویارویی اندیشه گران ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۳۰ـ حتی، فیلیپ؛ تاریخ عرب، برگردان: محمد سعیدی، تهران، کتابفروشی زوّار.

۳۱ـ حجازی، فخرالدین؛ نقش پیامبران در تمدن انسان، تهران، بعثت، چاپ اول، ۱۳۵۰.

۳۲ـ حسن، هادی؛ سرگذشت کشتی رانی ایرانیان، امید اقتداری، مشهد، به نشر، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۳۳ـ حقیقت، عبدالرفیع؛ تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۳۴ـ حکیمی، محمدرضا؛ دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳۵ـ حلبی، علی اصغر؛ تاریخ نهضت های دینی و سیاسی معاصر، تهران، بهبهانی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۳۶ـ خاتمی، سیدمحمد؛ آیین و اندیشه در دام خودکامگی، تهران، سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

۳۷ـ خدوری، مجید؛ گرایش های سیاسی در جهان عرب، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۳۸ـ دستغیب، عبدالعلی؛ هجوم اردوی مغول به ایران، تهران، علم، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۳۹_ دورانت، ویل؛ درآمـدی بر تاریخ تمدن، برگردان: احمد بطحایی و خشایار دیهیمی، تهران، انقلاب اسـلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۴۰_ ________________؛ عصـر ایمان، جلد دوم، ابوالقاسم پاینده و دیگران، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسـلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۱.

۴۱_ دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه ی دهخدا، جلد اول از دوره ی جدید، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۴۲_ دیماند، م.س؛ الفنون الاسلامیه، احمد محمدعیسی، قاهره، دارالمعارف مصر.

۴۳_ دیماند، م.س ؛ راهنمای صنایع اسلامی، عبداللّه فریار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۳۶.

۴۴_ رایین، اسماعیل؛ دریانوردی ایرانیان، تاریخ چاپ نامعلوم.

۴۵_ رجایی، فرهنگ؛ پدیده ی جهانی شدن، عبدالحسین آذرنگ، تهران، آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴۶_ رشدی الزین، محمد بسام؛ المعجم المفهرس لالفاظ القرآن العظیم، سوریه، دمشق، دارالفکر المعاصر، چاپ اول، ۱۴۱۶.

۴۷_ رنان، کالین ۱؛ تاریخ علم کمبریج، حسن افشار، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۶۶.

۴۸_ ریلر، جاک؛ الحضاره العربیه، بیروت، عویرات، چاپ اول، ۱۹۹۳.

۴۹_ زرین کوب، عبدالحسین؛ کارنامه ی اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۲.

۵۰_ زکی، محمدحسن؛ تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، محمدعلی خلیلی،

تهران، اقبال، ۱۳۶۶.

۵۱_ زیدان، جرجی؛ تاریخ تمدن اسلام، علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۳.

۵۲_ ستّاری، جلال؛ جان های آشنا، تهران، توس، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۵۳_ سُلبی، احمد؛ تاریخ آموزش در اسلام، محمدحسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۵۴_ سمیعی، غلامرضا؛ اسلام در قرون وسطی، تهران، البرز، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۵۵_ شرابو، امبرتوو ارنست گروبه؛ هنر ایلخانی و تیموری، یعقوب آژند، تهران، مولی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۵۶_ شریعتی، علی؛ شیعه، مجموعه آثار (۷)، تهران، الهام، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.

۵۷_ شهابی، محمود؛ ادوار فقه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۰.

۵۸_ صاحبی، محمد جواد؛ اندیشه ی اصلاحی در نهضت های اسلامی، تهران، کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۵۹_ صدر، سیدحسن؛ تأسیس الشیعه لعلوم الاسلامی، تهران، منشورات اعلمی.

۶۰_ صفا، ذبیح اللّه ؛ احوال و آثار ابوریحان بیرونی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، چاپ اول، ۱۳۵۲.

۶۱_ عبدالرحمه مرحبا، محمد؛ الجامع فی تاریخ العلوم عندالعرب، بیروت، پاریس، عدیدات و بحر المتوسط، چاپ دوم، ۱۹۸۸.

۶۲_ عبدالقاهر محمد، ماهر؛ التراث و الحضاره الاسلامیه، بیروت، دارالحفضه العربیه.

۶۳_ عبداللطیف مطّلب، محمد؛ تاریخ علوم الطبیعه، بغداد، دارالحریه اللطباعه،

۱۳۹۸ ه _ ۱۹۷۸ م.

۶۴_ عسگری، سید مرتضی؛ نقش ائمه در احیای دین، تنظیم: محمدعلی جاودان، مجمع علمی اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

۶۵_ عقّاد، عباس محمود؛ اسلام در قرن بیستم، حمیدرضا آژیر، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۶۶_ عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم؛ کتاب و کتابخانه زیربنای تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۵۶.

۶۷_ ________________؛ علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.

۶۸_ ________________؛ علم و تمدن در اسلام، احمد آرام، تهران، نشر اندیشه، چاپ اول، ۱۳۵۰.

۶۹_ علیی لک، احمد؛ تاریخ بیمارستان ها در اسلام، نوراللّه کسایی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اوّل، ۱۳۷۱.

۷۰_ عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۱، تهران، امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶.

۷۱_ عنایت، حمید؛ اندیشه ی سیاسی در اسلام معاصر، بهاءالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

۷۲_ غنیمه، عبدالرحیم؛ تاریخ دانشگاه های اسلامی، نوراللّه کسایی، تهران، یزدان، چاپ اول، ۱۳۶۴.

۷۳_ فراتی، عبدالوهاب، ره یافتی بر علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۷۴_ فراستخواه، مقصود؛ دین و جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول،

۱۳۷۷.

۷۵_ فرشاد، مهدی؛ تاریخ مهندسی در ایران، تهران، دانشگاه پهلوی، چاپ اول، ۲۵۳۶.

۷۶_ فروخ، عمر؛ تاریخ العلوم عند العرب، لبنان، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۱۹۸۰.

۷۷_ فن گروبنام، گوستاو. ای؛وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، عباس آریان پور، تبریز، انتشارات معرفت.

۷۸_ قانع غرآبادی، احمدعلی؛ علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۷۹_ قربانی، زین العابدین؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۴.

۸۰_ کرابرد، الگ ور. اتینگهاوزن؛ هنر اسلامی و اموی، یعقوب آژند، تهران، مولی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۸۱_ کمجیان، هرایرد؛ جنبش های اسلامی در جهان عرب، حمید احمدی، تهران، کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۸۲_ کونل، ارنست؛ هنر اسلامی، یعقوب آژند، تهران، مولی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۸۳_ کیانی، محمدیوسف، معماری ایرانی دوره ی اسلامی، تهران، سازمان سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۸۴_ گارده، لوئی؛ اسلام، دین و امّت، رضا مشایخی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۵۲.

۸۵_ گروه نویسندگان؛ دایره المعارف فارسی، تهران، شرکت سهامی کتاب های

جیبی، ۱۳۵۶.

۸۶_ گلشنی، مهدی؛ از علم سکولار تا علم دینی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۸۷_ گولر، جولیوس و ویلیام ل. گولب؛ فرهنگ علوم اجتماعی، محمدجواد زاهدی، مازندرانی، تهران، مازیار، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۸۸_ لاتوش، سرُر؛ غربی سازی جهان، امیر رضایی، تهران، قصیده، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۸۹_ لوبون، گوستاو؛ تمدن اسلام و عرب، فخر داعی گیلانی، تهران، علمی، چاپ چهارم، ۱۳۳۴.

۹۰_ ماله، آبر؛ تاریخ قرون وسطی تا جنگ صد ساله، غلام حسین هژیر، تهران، چاپخانه ی مجلس، چاپ اول، ۱۳۱۱.

۹۱_ مجتهدی، کریم؛ مدارس و دانشگاه های اسلامی و عربی در قرون وسطی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۹۲_ محمدی، ذکراللّه، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، تهران، دانشگاه بین المللی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۹۳_ مختاری، محمدحسین؛ امامت و رهبری، تهران، انجمن قلم ایران، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۹۴_ مشحون، حسن؛ تاریخ موسیقی ایران، تهران، سیمرغ، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۹۵_ مطهری، مرتضی؛ اسلام و مقتضیات زمان، صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۷.

۹۶_ مطهری، مرتضی؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۹۷_ ____________ ؛ مجموعه ی آثار (ج ۱۴)، تهران _ قم، صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

۹۸_ ____________ ؛ نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، تهران، صدرا.

۹۹_ معین، محمد؛ فرهنگ معین، ج ۱، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۵.

۱۰۰_ مورانی، حمید، تاریخ العلوم عند العرب، بیروت، دارالمشرق، چاپ اول، ۱۹۸۹.

۱۰۱_ مولانا، حمید؛ گذر از نوگرایی، یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۰۲_ میدلی، آلدو؛ علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، محمدرضا شجاع رضوی و اسداللّه علوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۰۳_ میرانی، صدرالدین؛ زندگی و تمدن درقرون وسطی، تهران، اقبال، چاپ اول، ۱۳۴۷.

۱۰۴_ نصر، سیدحسین؛ جوان مسلمان و دنیای متجدد، مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۱۰۵_ ____________؛ نوگرایی دینی، تهران، نشرقصیده، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۱۰۶_ نیتربیت؛ جان و پاتریسا آبردین، دنیای ۲۰۰۰، ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۰۷_ نیکسون، ریچارد؛ فرصت را دریابیم، حسین رفسی نژاد، تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۰۸_ وات، مونتگمری؛ تأثیر اسلام در اروپا، یعقوی آژند، تهران، مولی، چاپ

اول، ۱۳۶۱.

۱۰۹_ وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛ دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، تهران، انتشارات وزارت آموزش عالی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۱۰_ وهیب الجبوری، یحیی؛ الخط و الکتابه فی الحضاره العربیه، بیروت، دارالعرب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۹۹۴.

۱۱۱_ هانتینگتون، ساموئل؛ نظریه ی برخورد تمدن ها، مجتبی امیری، تهران، موسسه ی چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۱۱۲_ هرتزوگ، هرمان؛ آشتی تمدن ها، هرمز همایون پور، تهران، فرزان پور، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۱۳_ هرنکه، زیگرید؛ فرهنگ اسلام در اروپا، مرتضی رهبانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۱۱۴_ همایی، جلال الدین؛ تاریخ علوم اسلامی، تهران، نشر هما، چاپ اول، ۱۳۶۳.

۱۱۵_ هیل، درک و اولگ گرابر؛ معماری و تزئینات اسلامی، مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۱۶_ یوسف حسن، احمد و روناالدر، هیل؛ صنایع مسلمین، اردشیر اشراقی، تهران، نشر قبله، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۱۷_ یوسفی اشکوری، حسن؛ شریعتی و نقد سنّت، تهران، یادآوران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹